

تجدید

شماره شماره ۶۱ - خرداد ۱۳۸۳
ویژه نامه شماره ۱۴

حفظ و احیای

بافت تاریخی شهرها



بانک اطلاعاتی

درها کل جدید
قدیم طهران

MODERN
TEHRAN'S OLD DOORS & B

بمنظور تهیه محصولات شرکت ره نگاشت به مرکز
توزیع انتشارات سازمان شهرداریها مراجعه فرمائید.

تلفن : ۸۹۷۶۶۵۴



مهندسین مشاور ره نگاشت تهران
مرکز بانک اطلاعات معماری ایران

ویژنامه حفظ و احیاء بافت تاریخی شهرها

ضمیمه ماهنامه شهرداریها شماره ۶۰ - ویژهنامه شماره ۱۴

فهرست مطالب

- ۴ - یادداشت
- ۶ - گزارش ویژه «بحران بافتهای تاریخی فرسوده شهری»
- ۱۸ - مدیریت بحران در بافت های تاریخی (محمود تیموری)
- ۳۲ - روش های حفظ و احیای بافت تاریخی شهرها (علی خانی)
- ۴۶ - خدمات شهری در بافت های تاریخی شهرها (وحید حیدر تاج)
- ۵۸ - مداخله در بافت های قدیمی و فرسوده شهری (اردشیر جوادی)
- ۶۸ - تقد و بررسی اقدامات مرمتی شهرداری باث در انگلیس (ترجمه دکتر احمد میرزا کوچک خوشنویس)
- ۷۶ - شناخت بافت تاریخی شهر ری (دکتر رحیم ولایتی)
- ۸۴ - راونا، نمونه ای موفق از مدیریت شهری در حفظ و احیاء بافت های تاریخی (گزارش یک سفر) (بهرام آجورلو)
- ۹۴ - عزم ملی برای حفظ و احیای بافت های تاریخی (گفت و گو با بهروز افخمی)

صاحب امتیاز: وزارت کشور، سازمان شهرداریهای کشور
زیر نظر: علی افتخاری
دبیر ویژه نامه: بهرام آجورلو
مدیر اجرایی: مصطفی رستمخانی
مشاور: کیومرث ایراندوست
ویراستار: حمید خادمی
امور فنی و صفحه آرایی: مؤسسه فرهنگی هنری هایلا
ناشر: انتشارات سازمان شهرداریهای کشور
شمارگان: ۵۰۰۰



یادداشت

مدیریت شهری دانش و تخصصی است علمی که وجود حیات سالم شهری وابسته به آن است. در فقدان مدیریت شهری آگاه و روش مند، آنچه که شهر نامیده می شود، صرفاً مجموعه ای است از خانه ها، مغازه ها و خیابان های سردرگم و درهم پیچیده و تاییده ای که جماعتی در آن گذران عمر می کنند. دو عنصر ساختاری در هستی شهر نقش دارد: حیات مدنی، و عناصر کالبدی. رشد جمعیت شهرها و نیاز به عناصر کالبدی جدید چون فضاهای جدید مسکونی، تجاری و فرهنگی و خیابان ها و بزرگراه ها، افق جدیدی را به روی بافت های تاریخی شهری و چگونگی حفظ و احیای آن گشوده است. شماری از کلان شهرهای ایران همان شهرهای تاریخی و کهنسال هستند. توسعه افقی این شهرها و گسترش ساخت و سازهای جدید همراه با تهی شدن بافت تاریخی از حیات شهری و گریز مردم از محله های قدیمی، صرف نظر از تحمیل هزینه های گزاف و هنگفت بر اقتصاد کشور، محیط زیست پیرامون شهر را تهدید و تخریب می کند. آن گاه شهر توسعه می یابد و حریم مزارع، جنگل ها و کوهستان را درهم می شکنند و جنگلی از آپارتمان را به جای آن می نشانند. توسعه بافت های جدید شهری در کنار عدم توجه به بافت تاریخی و دگرگونی فرم و ساختار محله های قدیمی شهر، یعنی گسترش عناصر کالبدی و فراموشی حیات مدنی؛ زیرا بافت های تاریخی نمودی از تاریخ و فرهنگ شهر و حیات مدنی آن هستند و با مرگ این بافت ها، عنصر حیات مدنی از شهر حذف می شود.

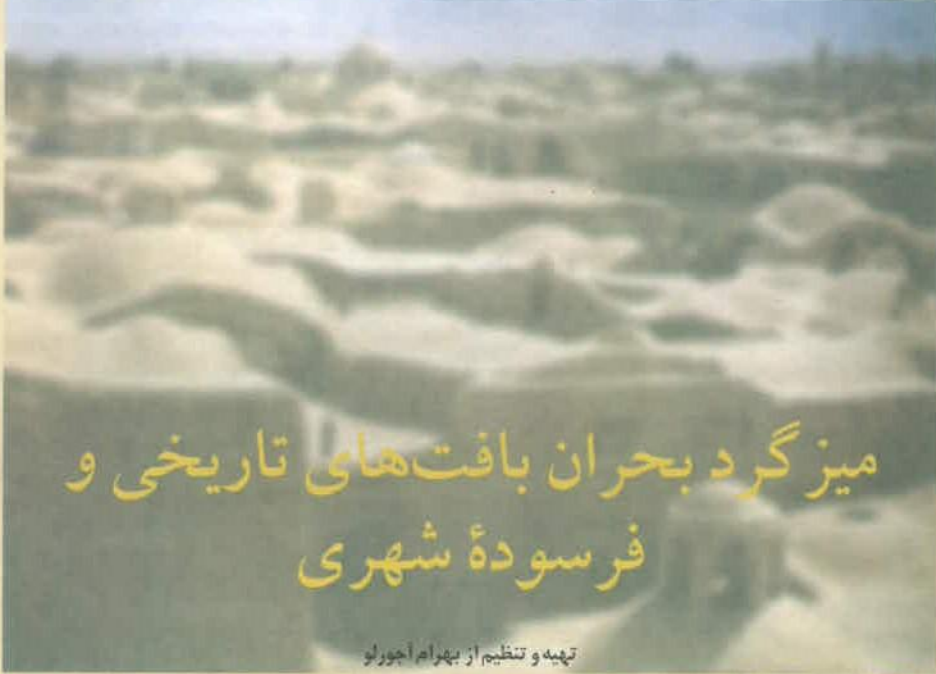
در هر شهر تاریخی، بافت تاریخی کانون و هسته اولیه و آغازین شهر است و قلب تپنده تاریخ آن. حیات شهری بیش از چندین سده در بافت تاریخی در جریان بوده است و می تواند باز هم در جریان باشد، به شرط آنکه با حفظ و احیای روشمند و برنامه ریزی شهری بر پایه شناخت درست سازمان فضایی شهر، بتوان بافت تاریخی را زنده و پویا نگه داشت.

در کشورهای توسعه یافته ای که دارای میراث فرهنگی - تاریخی اند، حفظ و احیای بافت تاریخی شهر در چارچوب سازمان فضایی آن و توسعه فضاهای جمعی، همواره جایگاهی ارجمند داشته و همیشه نیز با موفقیت همراه بوده است. از این منظر، بافت های تاریخی همواره نه چونان موجودیتی کهن و منسوخ و مزاحم بلکه فرصتی استثنایی برای کنترل حجم ساخت و سازها و نیز نمادی از سوابق فرهنگی و مدنی شهر به شمار آمده است.

امروزه بافت تاریخی شماری از شهرهای ایران با بحران بسیار جدی و فراگیر و رو به گسترش مواجه است. عدم توجه به سازمان فضایی بافت تاریخی در تدوین برنامه های جامع و تفصیلی، فقدان دانش و آگاهی درباره ارزش های فرهنگی و اقتصادی بافت های تاریخی، گزینش روش های حفظ و احیای سلولی، اصرار بر حفاظت های موزه ای، تمرکز فعالیت های مهم و حیاتی اقتصادی و فرهنگی شهر در بافت جدید و مدرن، تغییر ساختار و فضای محله های تاریخی متناسب با عرضه خدمات شهری و مهاجرت و اسکان مهاجران در بافت تاریخی، همگی عوامل تهدید و تخریبی به شمار می روند که بافت های تاریخی را به خرابه هایی عظیم و بزرگ یا محله هایی پست در مرکز و هسته شهرها تبدیل می کنند. این گونه است که مردم از زندگی در بافت تاریخی گریزان اند!

از اصول مدیریت واحد شهری، تبدیل میراث فرهنگی و بافت های تاریخی ارزشمند به فرصت های استثنایی در توسعه شهر است. فقدان نظام مدیریت واحد شهری در کشور، نه تنها بافت های تاریخی را به سوی اضمحلال سوق داده است بلکه با ساخت و سازهای جدیدی که در صورت حفظ و احیای بافت تاریخی دیگر به آنها نیازی نیست، هزینه هایی سنگین به اقتصاد کشور تحمیل کرده است. همچنین نباید فراموش کرد از مقدمات گسترش صنعت توریسم فرهنگی، حفظ و احیای بافت های تاریخی است.

امید می رود که با اجرای مواد ۱۳۶ و ۱۶۶ سومین برنامه توسعه پنج ساله کشور، بحران بافت های تاریخی به سرآید و افق تازه ای به روی توسعه شهرهای ایران باز شود.



میزگرد بحران بافت‌های تاریخی و فرسوده شهری

تهیه و تنظیم از بهرام اجورلو

مقدمه

رشد جمعیت شهرهای ایران و نیاز به عناصر کالبدی جدید شهری چون فضاهاى جدید و مدرن مسکونی متناسب با نیازهای روز جامعه، احداث و توسعه فضاهاى تجارى و فرهنگى و خیابان‌ها و بزرگراه‌ها، که همگى نتیجه و برآیند صنعتى شدن جامعه شهرنشین ایرانی در دهه‌های اخیر و نوستالژی مدرنیته با الگوپذیری از جامعه مدرن غربی بوده است، بافت تاریخی شهرهای کهنسال ایران را با بحران مواجه کرده است و هم‌اکنون شهرداری‌های ایران با مسئله‌ای به نام بافت فرسوده تاریخی شهر درگیر هستند که با زندگی جدید شهری و مشخصات یک شهر مدرن ناسازگار است و ناهماهنگ. عدم نگرش سیستمی به شهر و ناآگاهی از مبحث سازمان فضایی بافت‌های تاریخی و گریز حیات اقتصادی - فرهنگی از بافت‌های تاریخی در کنار نگرش موزه‌ای سازمان میراث فرهنگی کشور به بافت‌های تاریخی از عوامل شتاب دهنده به بحران بافت‌های تاریخی و فرسوده شهری کشور است با بافت‌هایی که مردم از زندگی در آن گریزان هستند! پس از میزگرد کارشناسی میراث فرهنگی و ماده ۱۳۶، ضرورت یافت که مفهوم بافت تاریخی و چگونگی خروج از بحران بافت تاریخی شهرهای ایران مورد بحث و بررسی کارشناسی قرار گیرد. به همین منظور، موضوع میزگرد ویژه نامه حفظ و احیاء بافت تاریخی شهرها "بحران بافت‌های تاریخی و فرسوده شهر" اختصاص

اختصاص یافت. در این میزگرد که در دفتر کار دکتر محمد حسین طالبیان مدیر پروژه‌های چغازنبیل، بم و تخت جمشید معاونت حفظ و احیای سازمان میراث فرهنگی کشور در کاخ سعدآباد تشکیل شد، کارشناسان زیر حضور داشتند:

- ۱- دکتر سید امیر منصوری: عضو هیئت علمی دانشگاه تهران
 - ۲- دکتر علی اکبر سرافراز: عضو هیئت علمی پژوهشکده نظر: مرکز تحقیقات هنر، معماری و شهرسازی
 - ۳- دکتر احمد میرزا کوچک خوشنویس: عضو هیئت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین
 - ۴- دکتر رحیم ولایتی: عضو هیئت علمی مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران
 - ۵- دکتر کیومرث ایراندوست: پژوهشگر مدیریت شهری
- همانگی و مدیریت این میزگرد را آقای بهرام آجورلو (دبیر ویژه نامه) عضو هیئت علمی پژوهشکده نظر به عهده داشتند. آجورلو- در آغاز اجازه می‌خواهم که بحث را با تعریف مفهوم بافت تاریخی از دیدگاه کارشناسی آغاز کنیم؛ و اینکه بافت تاریخی باید چه معیارها و شاخص‌هایی داشته باشد.

طالبیان- از دیدگاه سازمان میراث فرهنگی هر بافت شهری که حدود صدسال یا بیشتر قدمت داشته باشد، بافت تاریخی است؛ اما ارزش‌های تاریخی که مردم برای یک بافت شهری خاص در نظر گرفته‌اند نیز مهم است. برای مثال، شاید بافتی بیش از شصت یا هفتاد سال قدمت نداشته باشد اما دارای ارزش‌هایی باشد که آن را برای مردم شهر بسیار با اهمیت می‌سازد. چه بسا آن بافت با سنت‌هایی پیوسته است که برای مردم ارزش دارد. اگر سنت یا فرهنگی خاص در یک بافت شهری استمرار یافته و مردم ارزش آن را احساس کرده و دانسته باشند، آن بافت بخشی از ارزش‌های تاریخی مردم شهر محسوب می‌شود. با نگاه به بافت تاریخی یزد، می‌توان دید که ساخت و سازهای حتی پنجاه ساله آن هم بخشی از بافت تاریخی به شمار می‌آیند، زیرا که کل آن ساخت و ساز، سیستم مهندسی و نوع مصالح آن در چارچوب نظام بافت تاریخی شهر قرار گرفته و بخشی از فرایند فرهنگی و سنت‌های مردمی بافت تاریخی است و در نتیجه بخشی از بافت تاریخی حساب می‌شود. این گونه ساخت و سازها اگر از آن نظام خارج شوند، دیگر بخشی از بافت تاریخی نخواهند بود.

آجورلو- آقای دکتر طالبیان بافت تاریخی را با مفاهیم قدمت و ارزش‌ها و سنت‌های مردمی تعریف کردند. از آقای دکتر علی اکبر سرافراز می‌خواهیم، به عنوان باستان‌شناس مجرب و پیش‌کسوت، از منظر باستان‌شناسی بافت تاریخی را تعریف کنند.

سرافراز- دکتر طالبیان به سنت‌ها و نظام شهری قدیم اشاره کردند. از دیدگاه اینجانب، آنچه از شهر که بیش از شصت-هفتاد سال قدمت داشته و دارای ارزش ملی باشد، بافت تاریخی است. در این تعریف صرف تاریخ و قدمت چندان نقش ندارد بلکه ارزش ملی مهم است.

ارزش ملی اثر به مظاهر فرهنگی نهفته در آن بستگی دارد. برای مثال، ممکن است اثری دارای گچبری یا کاشی کاری زیبا و جالبی باشد که برای مردم ارزش ملی دارد، یا به شخصیت‌هایی وابسته باشد که آنان شخصیت ملی هستند. از این دست است منزل امام خمینی (ره) و نظایر آن. بافت‌های شهری تاریخی را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد:

گروه اول، آن بافت‌هایی است که هنوز هم حیات شهری در آنها ادامه دارد همانند یزد و کرمان.

گروه دوم، بافت‌های شهری کهنی است که دیگر حیات شهری ندارد. مانند فیروزآباد، نیشابور، تخت سلیمان و جز اینها. این بافت‌های شهری هر چند رها شده‌اند و حیات ندارند اما ارزش فرهنگی و ملی دارند. آنچه باید بر آن تأکید شود، چگونگی حفظ بافت تاریخی است. از دیدگاه باستان‌شناسی نباید در بافت‌های تاریخی و بناهای تاریخی دستکاری و دخل و تصرف کرد! منظور از مرمت بافت تاریخی نیز حفاظت از آنهاست، به همان گونه‌ای که هستند و نه اینکه بازسازی کامل یا نوسازی گردند.

خوشنویس - تخصص من «باززنده سازی بناهای تاریخی» است. در مقدمه سختم اشاره می‌کنم به «کنفرانس خشت» که در شهر یزد برگزار شد و اینجانب به نتایج حاصل از آن انتقاد دارم. فاجعه زلزله بم که شاید حدود یک ماه پس از کنفرانس خشت اتفاق افتاد، نشان داد که سازمان میراث فرهنگی از پاره‌ای مسائل مهم غفلت می‌کند. در اینجا هدف بی ارزش کردن کار و همت دیگران نیست بلکه می‌خواهیم به نتایج سودمندی برسیم که ارزش آن جان سی تا چهل هزار نفر انسان است.

در آن کنفرانسی که گذشت، به خشت به عنوان اثری گرانبها پرداخته شد، غافل از اینکه خشت و سازه خشتی در برابر زلزله ۶/۵ ریشتری بسیار سست است! با وجود این، آنچه در این کنفرانس مطرح شد، تدوین «منشور ملی مرمت در ایران» بود که جای خوشحالی بسیار دارد. ایرانی که ما در آن زندگی می‌کنیم و این سابقه کهن تاریخی را دارد، از کشورهایی چون استرالیا، سریلانکا و برزیل در زمینه تدوین منشور ملی عقب است؛ یعنی هنوز در ایران منشور ملی وجود ندارد. در کشور ما نیز باید منشوری ملی تدوین گردد و در آن واژگان، تعاریف و اصول به درستی تبیین شود.

آنچه از شهر که بیش از شصت - هفتاد سال قدمت داشته و دارای ارزش ملی باشد، بافت تاریخی است. در این تعریف صرف تاریخ و قدمت چندان نقش ندارد بلکه ارزش ملی مهم است

برای مثال، درباره آنچه آقای سرافراز درباره «تدوین ارزش‌های میراث فرهنگی» فرمودند، باید بگویم که در همه جای دنیا، در منشور آتن، منشور ونیز و جز اینها آمده است، اما در ایران بدین گونه نیست. سخن از مرمت بافت تاریخی به میان می‌آید، بی آنکه بدانیم چه چیزی و چگونه مرمت می‌شود. تعریفی که در قوانین سازمان میراث فرهنگی آمده است همان تاریخ صد ساله است؛ یعنی ارزشمندی یک بافت یا بنا به قدمت بیش از صد ساله آن است؛ اما شماری آثار ارزشمند در این تعریف جای نمی‌گیرند. برای مثال، خانه استاد شهریار در تبریز قدمت صد ساله ندارد اما دارای ارزش‌های ملی و فرهنگی است؛ یا موزه هنرهای معاصر و برج آزادی تهران، و همچنین اولین سایت هواشناسی ایران که بالای کتابخانه باغ نگارستان احداث شد و کارهای پروفیسور حسایی، که هیچ کدام در این تعریف نمی‌گنجد، اما ارزشمند هستند.

این تعاریف در چهار مبحث تاریخی، ارزش‌های اجتماعی، ارزش‌های علمی و ارزش‌های زیبایی شناختی جای می‌گیرد. مثلاً، خاکریز در جبهه برای گروهی از مردم ارزشمند است اما برای گروهی دیگر بی‌معنی است. یا به عنوان مثال، پل‌های فلزی زمان رضا شاه ارزشمند هستند،



چون اولین سازه‌هایی اند که با ساختار فلزی در ایران ساخته شده‌اند. اینجانب معتقدم که گام اول در شناخت بافت‌های تاریخی، تدوین نظام ارزشمندی‌های آن است و این نظام می‌تواند ترکیبی باشد. هنگامی که ارزشمندی‌ها تدوین و تعریف شود، آن گاه راه برای چگونگی مداخله در بافت تاریخی نیز تعریف خواهد شد.

منصوری- من می‌خواهم صرفاً درباره بافت تاریخی، تعریف و نظام آن صحبت کنم. هنگامی که از بافت تاریخی سخن می‌گوییم، منظور سلول نیست؛ در عین حال منظور مجموعه‌ای از چند سلول در کنار هم نیست بلکه کلیتی است یکپارچه که به عنوان سیستم کار می‌کند. بافت تاریخی شهر را باید به عنوان سیستم

گام اول در شناخت بافت‌های تاریخی، تدوین نظام ارزشمندی‌های آن است و این نظام می‌تواند ترکیبی باشد. هنگامی که ارزشمندی‌ها تدوین و تعریف شود، آن گاه راه برای چگونگی مداخله در بافت تاریخی نیز تعریف خواهد شد

شناخت. اگر تعریف صریح و روشن از بافت تاریخی وجود نداشته باشد، آن گاه به مرمت و مقاوم سازی تعداد زیادی از بناهای تاریخی معطوف خواهیم شد؛ و این در حالی است که می‌گوییم بافت تاریخی و نه بناهای تاریخی! منظور و مقصود اصلی ما مجموعه‌ای دارای وحدت است. من در اینجا تأکید می‌کنم که بافت تاریخی کلیتی مجزا و جدا از بناهای تاریخی است. در واقع حیثیت و هویت جداگانه‌ای است که هیچ ارتباطی با یکایک بناهای تاریخی ندارد- اگر چه بناهای تاریخی سلول‌های تشکیل دهنده آن هستند. نسبت بافت تاریخی به بناهای تاریخی، نسبت انسان است با اعضای بدن. اگر اندام‌ها و اعضای بدن را کنار هم بچینیم یا درون ظرف بریزیم، هرگز انسان به وجود نمی‌آید و حرکت و اندیشه نمی‌کند. در حقیقت انسان نوعی سیستم است که نوعی نظام و قانونمندی بر اعضا و اجزای او حاکم است. اگر بخواهیم بافت تاریخی را بشناسیم، باید در آغاز «سازمان فضایی» آن را بشناسیم و اینکه کدام سازمان این منظومه را شکل داده است. بحث سازمان فضایی شهر در ایران به ویژه در بخش بافت تاریخی بسیار ضعیف است. تعریف سازمان فضایی شهر مقدمه حل مشکلات بافت تاریخی شهر است. برای

شناختن سازمان فضایی نیز باید عناصر آن مطالعه و شناخته شود. پس از شناخت ضرورت توجه به سازمان فضایی شهر و نقش آن در بافت تاریخی، می‌توان به مخاطرات و تهدیدات بافت تاریخی پرداخت. سازمان فضایی بافت تاریخی شهر که میراث تاریخ شهرنشینی و شهرسازی است در مقابل تهدیداتی چون زلزله آسیب‌ناپذیر است. شاید سیل یا زلزله بافت را تخریب کند اما جوهر و نظم و سازمان فضایی را نمی‌تواند تخریب کند. با شناخت مقدماتی که از سازمان فضایی حاصل شد، آن‌گاه می‌توان پی برد که در واقع خود ما هستیم که بافت تاریخی را تهدید یا تخریب می‌کنیم! جابه‌جایی‌های ناآگاهانه به فروپاشی نظم سازمان فضایی بافت می‌انجامد و آن را از بین می‌برد و به واقع، تخریبی که ما بدون شناخت سازمان فضایی بافت تاریخی انجام می‌دهیم قابل‌مقایسه با عامل طبیعی چون زلزله نیست. اگر بخواهیم واقع‌گرایانه و علمی به قضیه نگاه کنیم، آن‌گاه درمی‌یابیم که زلزله بناهای قدیمی و تاریخی یا همان سلول‌های بافت را تخریب می‌کند نظام ولی نظام و سازمان فضایی را نه.

هنگامی که از بافت تاریخی سخن می‌گوییم، منظور سلول نیست؛ در عین حال منظور مجموعه‌ای از چند سلول در کنار هم نیست بلکه کلیتی است یکپارچه که به عنوان سیستم کار می‌کند. بافت تاریخی شهر را باید به عنوان سیستم شناخت

بنابراین، در جمع‌بندی باید گفته شود که هویت و حیات بافت تاریخی از نظر من با سازمان فضایی تعریف می‌شود که تهدید اصلی علیه آن، مداخلات ناآگاهانه و نابخردانه ماست. طالبیان- بافت تاریخی نوعی سیستم است و کلیتی یکپارچه که اگر در آن مداخله نابجایی انجام گیرد بر بخش‌های دیگر آن فشار وارد خواهد شد. دیدگاه ساختاری نیز در این میان مهم است. اگر مثلاً عناصر میدان نقش جهان اصفهان حذف شود، دیگر آن میدانی که در زمان شاه عباس ساخته شد، نخواهد بود. تعریف میدان نقش جهان به بازار، مساجد و تمامی عناصری است که پیرامون میدان قرار دارد. پس در واقع ساختار بسیار مهم است زیرا اگر عملکرد و کارایی عناصر را تغییر دهیم و آن سیستم را درک نکنیم، بی‌تردید به بافت تاریخی ضرر خواهد خورد. البته مخاطرات و تهدیدات صرفاً به مداخلات ناآگاهانه در نظم سیستم بافت تاریخی منحصر نیستند و مخاطرات طبیعی همچون زلزله نیز اهمیت دارند.

آجورلو- آقای دکتر منصوری، بحث بافت تاریخی را پیرامون سازمان فضایی شهر شکل دادند و آقای دکتر طالبیان هم وارد بحث ساختار شدند. هر دوی اینها با هم ارتباط مستقیم با مدیریت شهری و تصمیمات راهبردی شهرداری‌ها دارند. از آقای دکتر ایراندوست می‌خواهیم که این بحث را از منظر مدیریت شهری بررسی کنند.

ایراندوست- آنچه که تا این لحظه در این نشست مطرح شد به صورت تخصصی و از دیدگاه میراث فرهنگی و ارزش تاریخی آن بود؛ اما از دید مدیریت شهری بعد مهم‌تری نیز مطرح است. بحث خود را با این سؤال شروع می‌کنم که: چرا بافت قدیمی شهر از نظر مدیریت شهری مسئله‌دار قلمداد می‌شود؟ مسئله تفاوت قدیم و جدید در شهرهای ما از کجا شروع شد؟

این مسئله به آغاز شهرنشینی معاصر باز می‌گردد که عملاً از روی کار آمدن پهلوی اول و با انقراض قاجاریه شروع شد. تحولات اقتصادی دوره قاجاریه و صنعتی شدن در این دوره چنان نبود که تأثیر عمیقی بر ساختار شهرهای ایران بگذارد. با روی کار آمدن رضاخان و آغاز دوره

نوسازی و شهرنشینی امروزی، نو و قدیم به عنوان مفهومی عینی در شهرهای ایران معنی پیدا کرد. به نظر بنده مشکل اصلی در روند شهری شدن نهفته بود؛ شهری شدن به شیوه ای برونزا و در حقیقت توسعه ای برونزا که نه ناشی از نیازها و تحولات درونی بلکه برخاسته از نیازهای سرمایه داری جهانی بود.

البته تغییر و تحولات ساختاری شهری تنها مختص به کشورهای در حال توسعه نبود بلکه در کشورهای توسعه یافته نیز چنین تحولی رخ داد. دخالت در بافت های قدیمی نیز از این کشورها الگوبرداری شد، نظیر آنچه به طرح های هوسمانی مشهور شد. منتهی این تحول تفاوت هایی هم داشت. آنچه را که کشورهای توسعه یافته طی چند قرن اندوخته بودند، کشورهایی چون ایران می خواستند در دو دهه طی کنند. از سوی دیگر تحولات صنعتی برای آن کشورها شکلی بومی یافته بود و طی آن دوران اندک اندک شهرسازی با دستاوردهای صنعتی که اثرگذارترین آن خودرو بود، سازگار گردید.

بر این اساس این بافت ها با شرایط جدید از جمله دسترسی خودرو و خدمات رسانی و ایجاد زیرساخت ها دچار مشکل شدند و به تدریج از ارزش اقتصادی و اجتماعی شان کاسته شد و نهایتاً به بافت مسئله دار تبدیل شدند. از سوی دیگر، نگاه دولت به شهر با توجه به فروش نفت و درآمدهای ناشی از آن، نگاهی اقتدارگرایانه و از بالا بوده است. بدین ترتیب، حاکمیت سیاسی خود را از وابستگی به اقتصاد شهر و محله های قدیم شهر، که زمانی سرمایه شهر و کشور در آنها بود، آزاد می دید. بنابراین، اقدام جدی و ضروری در باززنده سازی اقتصادی این محله ها از دید حاکمیت ضرورتی نداشت و اقدامات در حد آسان کردن دسترسی و دخالت های کالبدی نسنجیده بود؛ که به نظر می رسد اصل دخالت در این بافت ها اجتناب ناپذیر بوده است ولی چگونگی و شکل دخالت جای بحث دارد.

به هر حال پس از این دگرگونی ها، محله های قدیمی نسبت به محله های پیرامونی و جدید شکل دچار مشکلاتی در خدمات رسانی و رفاه شهری شدند که با افول ارزش سکوتی این محله ها همراه بود. جناب دکتر سرافراز بافت قدیمی یا تاریخی شهری را به دو نوع تقسیم کردند: یکی آنکه حیات شهری در آن جریان دارد، مانند یزد؛ و دیگری آنکه حیات شهری ندارد، مانند فیروزآباد. البته این مورد دوم بیشتر جنبه تاریخی و باستان شناسی دارد. با این حال می توان مورد دیگری را نیز به آن افزود و آن بافت قدیمی شهری است که زندگی در آن در حال رکود و مرگ است. حال می توان به این پاسخ رسید که بافت های قدیمی شهرها چه مشکلاتی برای مدیریت شهری و شهرداری ها دارند و در حقیقت چه مشکلی برای کل شهر دارند. عمده ترین مسئله این است که خدمات رسانی به این محله ها، که روزه روزه شکل متنوع تری به خود می گیرد، دچار مشکل می شود. آن گاه از ابتدایی ترین وظیفه مدیریت شهری مانند جمع آوری پسماندها

اگر بخواهیم بافت
تاریخی را بشناسیم،
باید در آغاز «سازمان
فضایی» آن را بشناسیم
و اینکه کدام سازمان
این منظومه را شکل
داده است. بحث
سازمان فضایی شهر
در ایران به ویژه در
بخش بافت تاریخی
بسیار ضعیف است.
تعریف سازمان فضایی
شهر مقدمه حل
مشکلات بافت
تاریخی شهر است

گرفته تا ایجاد زیرساخت و دسترسی و امنیت، با مشکل مواجه می شود. مسئله مهم دیگر تجمع فقر و ناهنجاری و کاهش ارزش زندگی در این محله هاست. این محله ها به محله گذار با مشکلات متعدد فرهنگی و هویتی تبدیل می شوند و چرخه ای از رکود اقتصادی - اجتماعی در این محلات شکل می گیرد که چند دهه تجربه برنامه ریزی رسمی کشور نیز نتوانسته است چاره ای برای آن بیندیشد. بعد دیگری که برای مدیریت شهری دارای ارزش است، مسئله آسیب پذیری این بافت هاست. خصوصاً در برابر زلزله.

با توجه به زلزله اخیر بم و خسارات و تلفات سنگین در بافت قدیمی، این جنبه در برنامه ریزی و مدیریت شهری اهمیت بیشتری یافته است، که امیدوارم موضوعی زودگذر نباشد. در سفری که در معیت شهرداران و رؤسای شوراهای اسلامی مراکز استان ها به بم داشتیم، در هنگام بازدید از خرابه های بافت تاریخی و قدیمی شهر چندین بار این جمله را از زبان



شهرداران و شوراییان شنیدم که اگر قرار است این محله ها روی سر ما خراب شود چه بهتر که خود سریع دست به کار شویم. بنده نمی خواهم درباره این نظر قضاوت کنم اما این چالشی است که فرا روی ماست. تمامی دست اندرکاران شهر و مدیریت شهری و بافت تاریخی و میراث فرهنگی باید به دنبال راه حل مناسب باشند. به هر حال می خواهم عرض کنم که آنچه که از دید مدیریت شهری اهمیت دارد، شهر و شهروند ساکن آن است. حال من سختم را با این پرسش تمام می کنم که در زمینه این مشکلات، به خصوص در زمینه آسیب پذیری این بافت، راه حل و راه چاره چیست و متولیان میراث و بافت تاریخی شهرها چه راهکارهایی می توانند برگزینند.

اگر قرار است فاجعه ای این چنین به قیمت جان ۴۰ هزار نفر تمام شود، آیا ارزش اصرار بر نگهداری را دارد یا نه؟

خوشنویس - یک لحظه تجسم کنید که بافت قدیم نائین که از بین رفته و متروک شده، یا کرمان که زنده است و پراز ابنیه جدیدی است، که همه با بتون آرمه مسلح شده اند. ساختمان ها بسیار زیبا هستند ولی کوچه پس کوچه ها همان کوچه کوچه های قدیمی اند، دیگر ارزشمندی که سخن از آن به میان می آید وجود ندارد؛ یعنی اصلاً آنجا ارزشی ندارد. چرا، چه چیزی باعث شده بود که ما قبل از مداخله مان آنجا را ارزشمند برمی شمردیم؟ آیا آن نحوه گذرهای ارگانی که احتمالاً به خاطر آب رو گرفتن واحدها در قدیم این کوچه ها را به وجود آورده بود؟ اینجا اجزا بسیار اهمیت دارند؛ یعنی ابنیه ای که این بافت را تشکیل دادند خیلی مهم اند. یعنی آن روز اینها از مجموعه واحدها، معروف و مطرح شدند. من برمی گردم به اینکه اگر ما مثالی از ابنیه زدیم شاید فقط برای معرفی بود اما ارزشمندی میدانی که راجع به بافت صحبت کنیم به قوت خودش باقی است. بافت های با ارزش لزوماً تاریخی نیستند؛ و ممکن است به دلایلی ارزشمند باشند ولی تاریخی نباشند.

در اینجا داشتن دید objective - subjective مطرح است. ما بنا را محترم می‌شناسیم. معنایی که مردم از آن بافت در ذهن‌شان دارند مهم است. اگر برای معنایی که مردم در ذهن‌شان نسبت به بافت‌ها دارند احترام قائل باشیم، عامل مخربش فرق می‌کند و دیگر عاملش زلزله نیست. حرکت ماشین با سرعت در این بافت چنان تخریبی به همراه دارد که زلزله نمی‌تواند داشته باشد. حال بازگردیم به معنا و تعریفی که عرض کردم، و در واقع می‌خواهیم در مقابل این عوامل مقاوم سازی کنیم.

مقاوم سازی باید نشان دهد که اصلاً بافتی که سخن از آن به میان می‌آید به چه ترتیبی ارزشمند است. چه بسا مشخص شد که ارزش زیبایی در آنها مهم است. بافت‌های قدیمی اغلب شهرهای ما به خاطر زیبایی‌شان چنان مورد توجه همگان اند. دورنمایی که از شهر یزد و بادگیرهایش، یا کرمان و آن صف خشتی که از دور نمایان می‌شود و بسیار زیباست، به خاطر تاریخی بودنش نیست. اگر در این ابنیه قرار باشد که دست برده شود، یا در تک‌تک اجزا دست برده شود، دیگر بافت زیبایی نیست. اگر بخواهیم وارد این مقوله شویم باید بدانیم عنصری که باعث ارزشمندی می‌شود چیست.

به محض اینکه ارزشمندی تعریف شد، عوامل مخرب آن هم معرفی می‌شوند. سپس، آن قسمت Objective یعنی کالبد خیلی مهم است. عوامل مخرب هم مصنوعی اند و هم انسانی و هم طبیعی. اما وقتی Subjective نگاه کنیم، مسئله عوض می‌شود، یعنی شما چه بسا گذری را می‌شناسید و می‌پسندید و برای تان مقدس و محترم است. حال اگر ماشین از آنجا عبور کند، یا درختی از جا کنده شود، و نظایر

سازمان فضایی بافت تاریخی شهر که میراث تاریخ شهرنشینی و شهرسازی است در مقابل تهدیداتی چون زلزله آسیب‌ناپذیر است. شاید سیل یا زلزله بافت را تخریب کند اما جوهر و نظم و سازمان فضایی را نمی‌تواند تخریب کند

اینها، معنای آن عوض می‌شود. یا اگر کاربری‌های مختلفی در آن گذر ایجاد شود معنایش عوض می‌شود. اینها عوامل مخرب اند. خدماتی که شهرداری می‌خواهد برای بافت‌هایی که از همه لحاظ ارزشمند است، ارائه دهد، باید ببیند که در خدمت به این ارزش‌ها چه ارزشمندی تاریخی و ارزشمندی Objective نهفته است که به خاطر کالبد است، یا ارزشمندی است به خاطر معنا و آن هویتی که در بافت‌ها نهفته است. به خاطر مردم در دو سوی این کار، شهرداری و میراث فرهنگی به عنوان دو عنصر و بازو که می‌توانند مداخله‌گر باشند در این بافت‌ها، به این دو عنصر باید توجه کنند. چنانچه این بحث به پایه‌ها و میوه‌های خودش در شاخه‌های اصلی اش کشیده شد، می‌توان راجع به چند راه و مسیری که بافت‌های مختلف را ارزشمند می‌کند و بعد عواملی که می‌تواند تخریب‌کننده اینها باشد و می‌بایست راهبردهایی برای آنها جست‌وجو کرد، پرداخت.

منصوری - ارزش بافت تاریخی به سیستمی بودنش است و سیستم کمتر در برابر زلزله آسیب‌پذیر است. چیزی از این سیستم که در برابر زلزله آسیب‌پذیر است، اجزاست. تأکید می‌کنم بر مثالی که آقای خوشنویس زدند، مبنی بر اینکه فرض کنید همه ساختمان‌های کوچکی را در

بافتی تاریخی، خراب کنیم و با بتن بسازیم ولی کوچه همان جا بماند، آیا چنین چیزی ارزش دارد یا نه. در جاهایی خود کوچه موزونیت ارزشمندی دارد.

ایراندوست - آقای دکتر منصوری به سیستمی بودن محله‌های قدیمی اشاره می‌کنند. بنده هم این را قبول دارم. در بازار شهرهای قدیم و محله‌های اطراف، تیمچه، سرا، حجره، گذر، دالان و سلسله مراتب دسترسی و هر عنصر دیگر دارای جای خاص خود بوده‌اند که یک سیستم محله، و محله‌ها نیز سیستم بزرگ‌تر شهر را تشکیل می‌دادند.

اما باید به یاد داشته باشیم که پویایی ویژگی اصلی سیستم است. ساختار و کارکرد سیستم با توجه به تغییر در عناصر داخلی و شرایط پیرامونی دچار تحول می‌شود. سوخت و ساز و به اصطلاح متابولیسم سیستم تحت تأثیر عوامل متعددی متحول می‌شود. این مسئله در مورد شهر نیز صادق است. محله قدیمی به عنوان نوعی سیستم، زیرسیستمی از سیستم شهر محسوب می‌شود و هر تحول و تغییر در سیستم‌های هم‌عرض و یا سیستم کلان روی کارکرد این سیستم خرد اثرگذار است و اگر نتواند خود را تنظیم کند و با تحولات پیرامون هماهنگ سازد، دچار رکود و اضمحلال

ارزش بافت تاریخی به سیستمی بودنش است و سیستم کمتر در برابر زلزله آسیب‌پذیر است. چیزی از این سیستم که در برابر زلزله آسیب‌پذیر است، اجزاست

می‌شود. اگر منظور ما از بافت قدیمی شهر، بافتی است که دارای حیات و روح شهری است و زندگی در آن جریان دارد، پس باید پویا و متحول باشد. و الا دید موزه‌ای به بافت قدیمی از آن ماهیت متفاوتی را عرضه می‌کند؛ از آن دست که به عنوان بافت تاریخی نیاز به مرمت دارد و می‌تواند در شکل موزه نگهداری شود. اما بافت قدیمی و فرسوده شهرها نیازمند احیا و باززنده‌سازی اجتماعی و اقتصادی است. بنابراین به تمهیداتی نیاز دارد که تحول و روزآمد شدن سیستم را از جنبه اقتصادی، اجتماعی و کالبدی تضمین کند و گرنه همان رخ می‌دهد که اکنون رخ داده است.

منصوری - مطلب شما درست است اما اگر به مسئله نگاهی تاریخی کنیم و مثلاً مسجد جامع اصفهان را بنگریم، هر دوره هر کس هر کاری که دلش خواسته کرده است. یکی گنبد خواجه نظام‌الملک را ساخته و یکی شبستان را ساخته است. در این پلان مسجد دست اندازی‌های همه دوران در آن دیده می‌شود. در شهر نیز همین‌طور بوده است ولی ما هیچ وقت حیثیت واحد و وحدت وجودی اینها را ندیدیم؛ این چنین که در دوران معاصر مخفی شد بشود. نگاه حفاظتی صلب به این امر وجود نداشت، هر چه تعداد جمعیت شهر زیاد می‌شده، مسجد جامع را هم به عنوان اثری تاریخی موضعی نمی‌کردند. می‌آمدند دو شبستان به آن اضافه می‌کردند. در دانشگاه تهران هم اکنون دست مان بسته است. همه می‌روند در حیاط نماز می‌خوانند، چون میراث فرهنگی می‌گویند اینجا ثبت شده و چون ثبت شده، دیگر نمی‌شود شبستان اضافه کرد. این نگاه غلطی است که این‌گونه طرح شود. فضای مسجد دانشگاه تهران در دوره‌ای طراحی شده که دانشجویش ۱/۴ امروز بوده است. الان که تعداد دانشجو چهار برابر شده، ظهرهای ماه رمضان تمام خیابان‌ها پر می‌شوند؛ در صورتی که خیابان جای نماز نیست. اگر اینقدر

استقبال کننده دارد، باید محل نماز هم ساخته شود. آن نگاه واقع گرا را ما از دست داده ایم و متناسب با شرایط روز زندگی نمی کنیم؛ معنای این مداخلاتی نیست که در دوره معاصر در شهرها کرده ایم. این انطباق دادن ها با شرایط امروزی زندگی باید از طریق حفظ سازوکارهای درونی سیستم باشد، یعنی اگر قرار است دسترسی های جدید داده شود، اینکه همه خانه ها ماشین رو باشد هیچ مانعی ندارد؛ البته به شرطی که لازم باشد؛ یعنی عقل سلیم تشخیص دهد و در واقع برخورد عامیانه سطحی نگر نباشد. ولی اگر بخواهیم این کارها را بکنیم، می توانیم خیابان ها را تعریض دهیم به گونه ای که قلمرو سیستم ها را به هم نریزد. از وسط محله ما، نمی بایست خیابان عبوری که نوعی پل به محله دیگر باشد، داده شود. اگر قرار است این دسترسی ها داده شود، باید در لبه محله ها بچرخانیم و تا عمق بافت ماشین هم ببریم. بازار کرمان اندام ساختاری مهمی در شهر و ستون فقرات آن است. در صدمتری آن مشاور، گذر عبوری داده و دو طرفش هم تجاری است. تصور کنید وقتی در صدمتری این ساختار یک خیابان تجاری ساخته شود. اینها می گویند می خواهیم جایی باشد که مردم به راحتی بروند و بیایند. در بازار سخت است. پیاده باید بروند و دسترسی ندارند. اگر اینها این کار را بکنند، معلوم است که مغازه های نوساز که ماشین جلوی درش

اگر منظور ما از بافت قدیمی شهر، بافتی است که دارای حیات و روح شهری است و زندگی در آن جریان دارد، پس باید پویا و متحول باشد. و الا دید موزه ای به بافت قدیمی از آن ماهیت متفاوتی را عرضه می کند

پارک می کند، مشتری ها همه آنجا می روند و مغازه داران هم می روند آنجا می خرند و بازار خودبه خود شروع به فرسوده شدن می کند؛ یعنی در واقع حیات از بازار خارج می گردد و به آنجا برده می شود. اما چه کار کنیم که آن بازار بتواند با شرایط امروز سازگار شود؟ مثلاً کمپانی سامسونگ هم نمایندگی اش را به بازار ببرد و نه اینکه بیاید بر خیابان جدید بزند. باید مشکل را شناخت، که همین دسترسی است. چه بسا لازم باشد در نزدیکی بازار دسترسی هایی از طرفین ایجاد گردد و پارکینگ بسیار زیادی که امکان آمدن مردم را فراهم کند؛ یعنی همان کاری که در شرایط تاریخی می کردند. طول بازار پر است از ارتباطاتی که به محله ها منتهی می شد. الان آن محله ها فرسوده و مخروبه شده اند و از بین رفته اند و به کارگاه و انبار تبدیل شده اند. می توان برای برخی از اینها پارکینگ داشت و محوریت بازار را در شهر به عنوان اندام ساختاری تقویت کرد. زندگی امروز اقتضا می کند مردم با ماشین تا ۵۰ متری و ۲۰ متری مغازه بروند. می توان چنین کاری کرد و هیچ آسیبی هم به بافت نمی زند. می توان یک پارکینگ طبقاتی درست کرد و نمای آن را خیلی تمیز آرایش داد؛ همان طور که در کاروانسراها اسب ها توقف می کردند و بعد سواران شان می رفتند و خرید می کردند. در بازار هم می توان از چرخ دستی هایی که در فروشگاه های بزرگ به کار می رود استفاده کرد. فروشگاه های بزرگ عرض معبرهای شان بیشتر از عرض بازار هاست. اگر بازار چنین کار کردی داشته باشد، دیگر سامسونگ و ال جی و همه مغازه های لوکس امروزی در آنجا شعبه دایر می کنند.

ایراندوست- پیش از این هم اشاره کردم که ماهیت روند شهرنشینی و توسعه شهری در کشورهای چون ایتالیا و ایران متفاوت است. همان طور

که پیش‌تر اشاره شد، ماهیت سیستمی بودن و کارآمد بودن سیستم را در زمان خود را می‌پذیریم؛ اما این را به عنوان یک واقعیت باید بپذیریم. تیم‌ها در اولین جمله کتاب جغرافیایی شهری خود می‌آورد که «در مورد شهرها تنها یک اصل ثابت است و آن اینکه شهر همواره در حال تغییر و تحول است». در واقع این تغییر تحول تنها منحصر به محله‌های دوره قاجاریه نیست که نسبت به آن نگران هستیم. محله‌ای که ۲۰ سال از عمر آن می‌گذرد نیز با تحولات گسترده‌ای مواجه بوده است. مثلاً مرکز شهر تهران طی چند دهه اخیر به سمت شمال سیر کرده. و مدام در حال تغییر و جابه‌جایی است. به این ترتیب نباید انتظار داشت همواره بازار تهران مرکزیت محلی را - علاوه بر ملی - نیز داشته باشد. هر روز یک عنصر اضافه می‌شود. مثلاً مترو می‌تواند تمام محاسبات را تغییر دهد و این اصول گریز ناپذیر اقتصادی به همراه مجموعه اصول نانوشته، تعیین‌کننده‌اند. اگر قرار است محله‌ای قدیمی در میان محله‌های دیگر شهر سرزنده و با نشاط باشد، نیاز به روح اقتصادی دارد. تجربه چند دهه نشان داده است که حکومت به تنهایی نمی‌تواند تعیین‌کننده باشد، حکومت چون محله‌های غیررسمی شهر می‌تواند نقش تسهیل‌کننده را

**محله‌های قدیمی شهرها
نیاز به شالوده پایدار
اقتصادی دارند که محله را
سودآور کند. مسئله باید از
باز توزیع ثروت به سمت
تولید ثروت سیر کند و این
نیز در گرو استفاده از مزیت
نسبی این محله‌ها است**

بازی کند و زمینه‌های توانمند شدن را فراهم سازد. نقش اصلی را مردم و سازمان‌های غیر دولتی و بخش خصوصی دارند. بخش خصوصی به دنبال منافع اقتصادی است و اگر منافع آن تأمین نشود سرمایه‌گذاری نخواهد کرد. برخورد صرفاً کالبدی هیچ مشکلی را حل نمی‌کند. نیاز است که از دید مسائل انسانی و زیست‌پذیری محیط به این محله‌های نگریسته شود که آن نیز به پویایی اقتصادی و اجتماعی مربوط می‌شود. محله‌های قدیمی شهرها، نیاز به شالوده پایدار اقتصادی دارند که محله را سودآور کند. مسئله باید از باز توزیع ثروت به سمت تولید ثروت سیر کند و این نیز در گرو استفاده از مزیت نسبی این محله‌ها است. مزیت نسبی به آنها توان رقابت با دیگر محله‌های شهری را می‌بخشد. مزیت‌هایی چون موقعیت مناسب، وجود بازار مصرف محلی، پیوند و ارتباط با محله‌های اطراف و وجود منابع انسانی به ویژه نیروی کار ساده از جمله مزیت‌هایی هستند که باید مدنظر برنامه‌ریزان و مدیران قرار گیرند و این در گرو همکاری و تلاش توأم سه بخش دولتی، خصوصی و عمومی است. اگر بحث از مقاوم‌سازی می‌شود آن نیز به ارزش سرمایه‌گذاری در این محله‌ها بستگی دارد و تماماً در گرو باززنده‌سازی محله است که از جنس مهندسی اجتماعی است، و نه باستان‌شناسی و یا صرفاً مرمت.

دکتر سرفراز - باستان‌شناسی راهش جدا است. مهندسان معمار یک قوطی کبریت‌های ساخته‌اند و حالا درمانده‌اند! من و آقای آجورلو یک‌طور دیگر فکر می‌کنیم. وقتی صحبت از بافت و مقاوم‌سازی می‌شود، تا ما بافت تاریخی را شناسیم حق نداریم هیچ کاری کنیم. برای اینکه بافت تاریخی را بشناسیم باید کاوش کنیم و پژوهش کنیم و بعد به تصمیم‌گیری بپردازیم. آقای دکتر طالبیان هم اشاره کردند به یکپارچگی آثاری که در گذشته وجود داشت. از نظر باستان‌شناسی، بافت‌های قدیمی و تاریخی همان آثار باستانی‌اند که فوق‌العاده با ارزش هستند.

دکتر طالبیان - برای حفظ بافت‌های تاریخی، در خیلی از جاهای دنیا مردم اتومبیل را کم‌کم کنار گذاشته‌اند و سعی می‌کنند فضا را پیاده‌کنند

اگر قرار است محله‌ای قدیمی در میان محله‌های دیگر شهر سرزنده و با نشاط باشد، نیاز به روح اقتصادی دارد

اصلاً کسی اتومبیل خود را وارد بافت تاریخی نمی‌کند. مردم می‌خواهند تحرک داشته باشند و پیاده بروند و چیزهای مختلف ببینند.

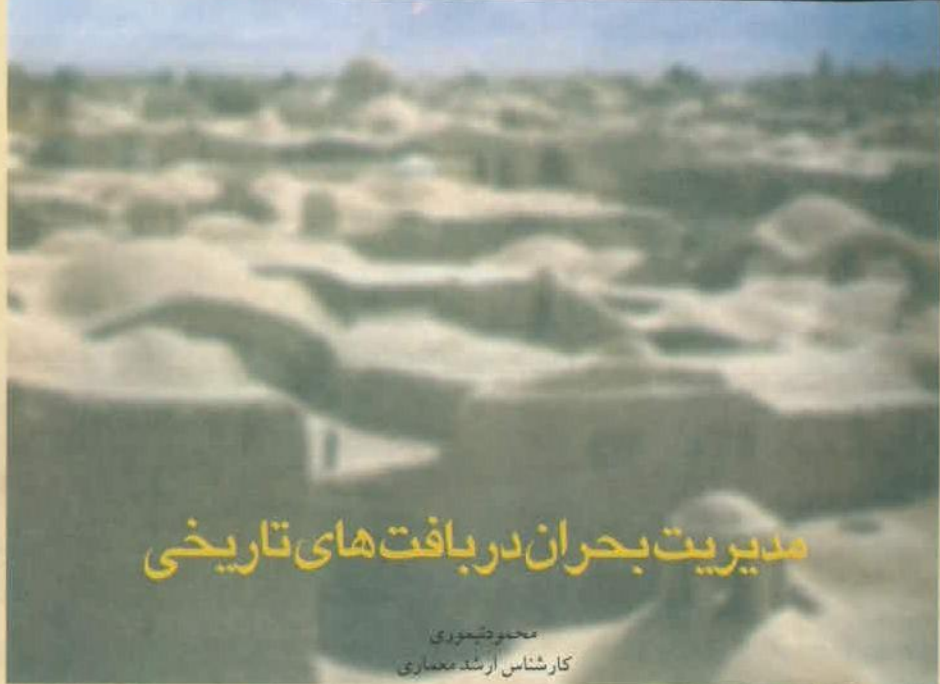
الآن نگرش به بافت تاریخی پویا و دینامیک شده است. من در شیراز زمانی که مدیر بودم، جالب بود که یک روز شهرداری می‌گفت بافت قدیم این مشکل را دارد. حساب کردم و گفتم چقدر شما سهم روی بافت تاریخی گذاشته اید؟ به نظر من پاسخ او سهمی از لحاظ هکتار یا سطح زیر بنایی که باید برای بافت قدیم بگذارد، از بودجه‌ای که برای شهر جدید می‌گذارد کمتر است!

آجورلو- دیدگاه‌های دکتر ولایتی نیز که درباره بافت تاریخی شهر ری کار کرده‌اند، بی‌تردید مفید خواهد بود.

ولایتی- من همیشه در ذهنم این پرسش مطرح بود که چرا ما نتوانستیم بافت‌های قدیمی را در ایران حفظ کنیم و هر روز مشکلات آن اضافه می‌شود. ما به یک مسئله توجه نکرده‌ایم و آن انسان‌هایی هستند که در بافت قدیم زندگی می‌کنند. ما باستان‌شناسان به استادان معمار همیشه می‌گوییم که خیلی فانتزی فکر می‌کنند؛ البته شاید اشتباه می‌کنیم ولی واقعیتی است که باید پذیرفت و ما نتوانستیم این مشکل را تا حالا حل کنیم. شهر ری بافت خیلی زیبایی دارد ولی هر روز خراب‌تر می‌شود. تاکنون هم سازمان میراث فرهنگی و هم شهرداری آنچه را که از دست‌شان برآمده، کرده‌اند. ولی اگر بشود انسان‌هایی که در آن بافت زندگی می‌کنند به آن بافت معرفت پیدا کنند و اهمیت تاریخی و هنری‌اش را بدانند، کمک مؤثری خواهد بود در حفظ و احیای آن بافت‌های تاریخی.

ایراندوست- به خاطر دارم در گذشته دور وقتی مسیری مشخص را در بافت تاریخی طی می‌کردیم از آن اکراه داشتیم. خیلی مسیر سر راستی بود. از یک دالان رد می‌شدیم و کوچه تنگ می‌شد و ما مسیری را که خیلی نزدیک بود حاضر بودیم دور بزنیم و راه دورتری را برویم. بعدها متوجه این واقعیت خیلی تلخ شدم. در مرور زمان رکود این مسیر و فرسایش اجتماعی آن را و از بین رفتن آن را دیدم. چون فقط عبور اتومبیل مطرح نبود بلکه منظور آن امنیتی بود که ارزش آن در میان اجزای دیگر کم‌کم کاهش پیدا کرد و چون ارزش سرمایه‌گذاری نداشت، به تدریج خالی از زندگی شد. چنین سرنوشتی در انتظار بسیاری از محله‌های مرکز شهر است که اکنون وضعیت نسبی دارند. طی سال‌هایی که مدیریت در فکر بافت تاریخی و قدیمی بود، بسیاری از بافت‌های جدید هم‌جوار نیز به بافت مسئله‌دار تبدیل شد.

دکتر منصوری- نکاتی که دکتر ولایتی و دکتر ایراندوست اشاره کردند، درست است؛ ولی ما می‌توانیم آن را به عنوان شرط لازم برای احیای بافت تاریخی برشماریم که بایستی اقتضاهای زمان را درک کنیم. شرایط زندگی جدید را نیز باید درک کنیم. این واقعیت است. آن نکته‌ای که گفتم در طول تاریخ اشاره به این نکته بوده است و آدم باید در شهری زندگی کند که فرزند زمان خودش باشد. این واقعیتی است که نمی‌شود انکار کرد ولی روش منطبق کردن میراثی که از گذشته بوده با اقتضاهای زمان خودمان. این روش نوعی جراحی دقیق است و باید روش مند باشد و فقط در چارچوب نگرش سیستمی است که می‌توان موفق به این کار شد و الاً منعطف خواهیم شد به مرمت سلول‌هایی که احیای آنها معنایش احیای بافت تاریخی نیست.



مدیریت بحران در بافت‌های تاریخی

محمود شعوری
کارشناس ارشد معماری

مقدمه

بافت‌های تاریخی جزئی از سرمایه‌های فرهنگی ما هستند و حکم اندوخته‌هایی متراکم را دارند که گنجینه‌هایی از خاطرات اجتماعی و شیوه‌های اندیشیدن و زیستن گذشتگان ما را در بر گرفته‌اند.

بافت‌های تاریخی علاوه بر اینکه واجد ارزش‌های نادر زیبایی‌شناختی و تداوم خاطرات جمعی و هویت بخش شهرهای ما هستند، هنوز در بسیاری از شهرها محل سکونت و معیشت میلیون‌ها نفر از شهروندان‌اند. اما این بافت‌ها، به همان اندازه که ارزشمند و گرانبها هستند، در مقابل سوانح و بلایای طبیعی که اکثر مناطق شهری کشور را تهدید می‌کنند، ناپایدار و آسیب‌پذیرند.

«کشور ما، به طور متوسط هر پنج سال یک بار با زلزله‌ای به بزرگی ۶ تا ۷ ریشتر مواجه است و ۹۷ درصد شهرهای کشور در معرض خطر نسبی زلزله قرار دارند. بیش از ۳۲۰ شهر کشور نیز از آن جهت که در مجاورت رودخانه‌های طغیان‌کننده واقع گردیده یا در دامنه ارتفاعات البرز و زاگرس بنا شده‌اند، در معرض سیل قرار دارند. علاوه بر سیل و زلزله، ایران در معرض ۲۹ بلای طبیعی دیگر نیز هست.» (۱)

به همین منوال، تقریباً تمام بافت‌های تاریخی کشور در معرض بلایای گوناگون طبیعی قرار دارند.

شبکه ارتباطی و تأسیسات زیربنایی فرسوده و ضعیف در برابر بحران‌ها، قدمت، عمر طولانی اکثر ساختمان‌ها، نبود دانش و تجربه کافی برای مقاوم سازی شهر و ابنیه در الگوهای ساخت و ساز سنتی، بحرانی خاموش را در بافت‌های تاریخی به وجود آورده است و تنها تلنگر یک زلزله یا سیل، کافی است تا این بحران خاموش و خفته را شعله‌ور سازد. مقاوم سازی ابنیه و بافت‌های تاریخی متضمن مخارج اقتصادی بالاست و در بسیاری از موارد به لحاظ فنی ناممکن است. این موضوع، بروز بحران‌های طبیعی در بافت‌های تاریخی را پیچیده‌تر می‌گرداند (تصویر ۱). اما آمادگی برای بروز این گونه بحران‌ها و نیز انجام اقداماتی برای کاهش تأثیرات بلایای طبیعی در بافت‌ها موضوعی است که با مدیریت و برنامه‌ریزی صحیح می‌توان به درستی به آن پرداخت.

تعریف بحران

با توجه به تعاریف مختلف بحران در شرایط گوناگون، بحران در بافت‌های شهری را می‌توان بدین صورت تعریف کرد: «بحران را می‌توان شرایطی غیرعادی دانست که در آن مشکلات ناگهانی و پیش‌بینی‌ناپذیر به وجود می‌آیند و در چنین شرایطی ضوابط و هنجارها و قوانین مرسوم دیگر کارساز نیستند» (۲).

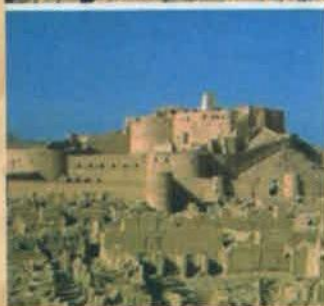
«حادثه‌ای است که به طور طبیعی و یا به وسیله بشر به طور ناگهانی و یا به صورت فزاینده به وجود می‌آید و سختی و مشقتی را به جامعه انسانی تحمیل می‌کند که برای برطرف کردن آن به اقدامات اساسی و فوق‌العاده نیاز است» (۳).
 با جمع‌بندی تعاریف گوناگون، می‌توان بحران را واجد مشخصات و ویژگی‌های زیر دانست:
 - قطع و انفصال روند زندگی عادی؛
 - آثار ناگوار انسانی همچون فوت، بیماری و آسیب دیدگی؛
 - آثار مخرب بر تشکیلات اجتماعی و مدنی همچون از بین رفتن یا خسارت دیدن سیستم‌های دولتی، تأسیسات و سرویس‌های ضروری؛

- وفور نیازهای مردمی به صورت فوری، مانند سرپناه، غذا، پوشاک، کمک‌های پزشکی و درمانی.
 از دیدگاه مدیریتی بحران دارای چهار عامل مهم است:

- ۱- تهدید هدف عالی و حیاتی؛
- ۲- محدودیت زمان واکنش و تصمیم‌گیری؛
- ۳- غافلگیر کردن عناصر و عوامل مؤثر با بروز ناگهانی؛
- ۴- لزوم برخورد خاص و متناسب با ویژگی‌های آن.

انواع بحران‌ها و بلایای طبیعی

با توجه به شرایط اقلیمی و جغرافیایی کشور، بلایای طبیعی عمده را می‌توان در سه بخش به شرح زیر خلاصه کرد:

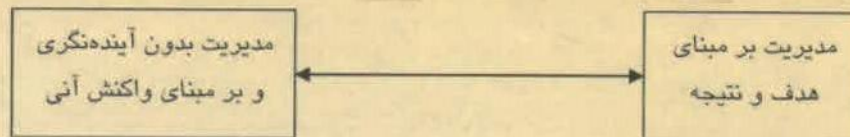


تصویر ۱. تخریب‌های تاریخی بم بر اثر زلزله، ۱۳۸۲

- ۱- خطرهای زمین شناختی، همچون زلزله، حرکت زمین، شکافت زمین، موج های دریایی ناشی از زلزله، آتش فشان، ریزش کوه.
- ۲- خطرهای جوی: سیل، خشکسالی، توفان، گردباد، پیشروی آب دریا.
- ۳- خطرهای محیط زیستی: آتش سوزی طبیعی جنگل ها و بیشه ها، بیماری های شایع، تخریب محیط زیست.

مدیریت بحران

امروزه در روش شناسی مدیریت می توان از بُعد نظری دو حد نهایی برای مدیریت قائل شد: (۴)



در یک سوی این حد «مدیریت بر مبنای واکنش های آنی» قرار دارد. در این نوع مدیریت برنامه ریزی کمی قبل از شروع به اقدام - یا همزمان با اقدام - انجام می پذیرد. یا اینکه اصولاً برنامه ای وجود ندارد و اگر هم وجود داشته باشد حکم آزمایش و خطا را می یابد و نتایجی به مراتب کمتر از منابع مصرف شده خواهد داشت. برای مدیریت با این سبک، تمام امور چونان بحرانی به شمار می آید که او بدون برنامه به مقابله با آنها می پردازد و با اقدامات آنی در صدد رفع آنها برمی آید. البته این نکته را باید در نظر داشت که امروزه به دلیل سرعت شگرف تغییرات محیطی، در برخی موارد لازم است برنامه ریزی و اقدام به صورت همزمان انجام پذیرد. در غیر این صورت برنامه، کارایی خود را از دست خواهد داد؛ اما حتی در چنین مواردی مراحل نظیر هدف گذاری، استراتژی سازی، تبیین وضعیت، شناسایی نقاط ضعف و قوت، از قبل انجام شدنی اند.

در سوی دیگر این حد، «مدیریت بر مبنای هدف و نتیجه قرار دارد که در آن اهداف مطلوب، تعیین و تعریف می گردد و طرح عملیاتی و وسایل نیل به آنها مشخص می شود. در این نوع مدیریت طرحی وجود دارد، تا بتوان بر منابع و محدودیت های محیطی غلبه کرد و در زمان بحران اولویت ها را مشخص ساخت. برخلاف تلقی عمومی از مدیریت بحران، این مدیریت مربوط به هنگام بروز بحران ها و بعد از آن نیست بلکه با توجه به تعریف ارائه شده برای مدیریت و تعاریف مربوط به بحران، مدیریت بحران در درجه اول دربر گیرنده رشته اقدامات و عملیات پیوسته و پویاست و به طور کلی براساس تابع کلاسیک مدیریت - شامل موارد برنامه ریزی، سازماندهی، تشکیلات، رهبری و کنترل - است و در درجه بعد ویژگی مدیریت بحران شرایط خاص آن یعنی شرایط و وضعیت بحرانی است.

بدین ترتیب تعریف جامع مدیریت بحران را بدین شرح می توان ارائه کرد (۵):

«مدیریت بحران علمی کاربردی است که به وسیله مشاهده سیستماتیک از بحران ها پیشگیری می کند و یا در صورت وقوع آن، برای کاهش آثار آن، ضمن آمادگی لازم، برای امداد رسانی سریع و بهبودی و بازسازی اوضاع اقدام می کند.»

بنابراین هدف اصلی سازمانی که مسئولیت مقابله با بحران را بر عهده دارد عبارت است از: پیش بینی، پیش گیری، آمادگی و مقابله با بحران، امداد رسانی، جبران خسارات، استفاده از فرصت‌ها و بازگشت به وضعیت عادی با صرف کمترین زمان و هزینه براساس اولویت‌ها.

جایگاه سازمانی مدیریت بحران بافت تاریخی در ساختار مدیریت بحران کشوری

متأسفانه تا به امروز سیستم و نحوه اجرایی منسجم و با چارت عملیاتی و سازمانی معینی که دقیقاً وظایف و مسئولیت‌ها را در داخل این سیستم مدیریتی و اجرایی تعریف کند، برای کشور در دسترس نبوده و یا حداقل در اختیار محققان قرار نگرفته است. تجربه نشان می‌دهد که عموماً این کار از طریق وزارت کشور بر حسب قوانین مصوب هماهنگ می‌شود و به صورت موردی با کمک دیگر ارگان‌های مسئول اقدام می‌گردد.

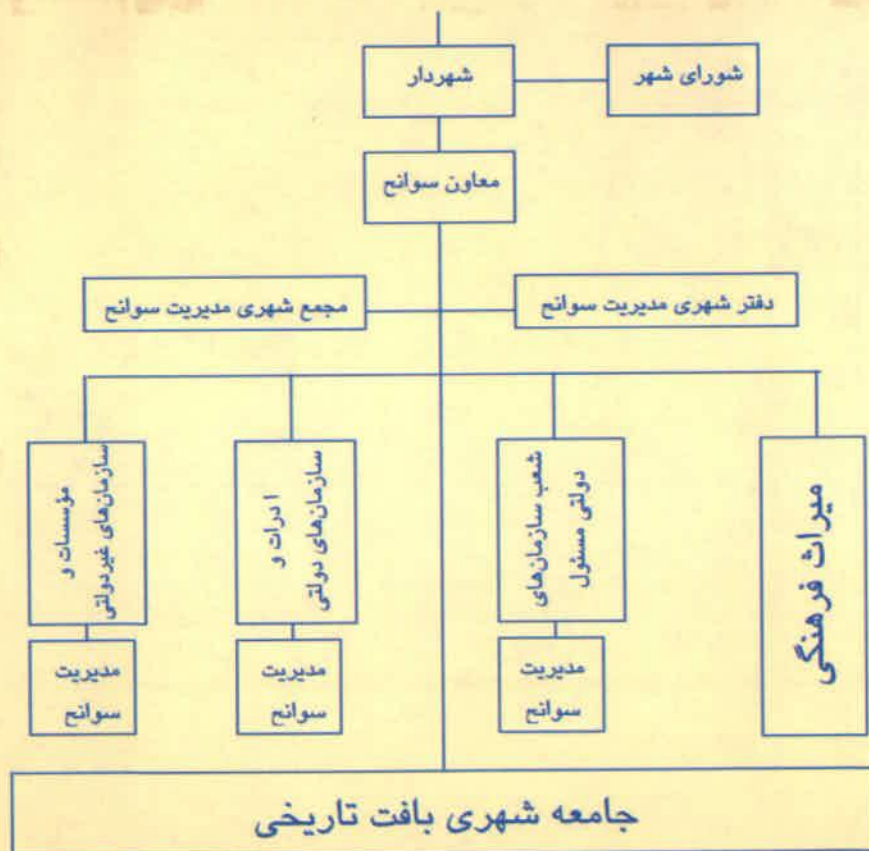
با توجه به مباحث و مدل‌های مختلف بحران و نیز بررسی ساختارهای موجود و مدیریت بحران در کشورهای مختلف، سیستم‌هایی برای چارت سازمانی مدیریت بحران در کشور پیشنهاد شده است (۶).

این سیستم‌ها عموماً در سه سطح ملی (استراتژیک)، استانی (میانی) و شهری - روستایی (عملیاتی) پیشنهاد شده‌اند. مدیریت بحران در بافت‌های تاریخی در سطح سوم سازماندهی، یعنی در سطح عملیاتی مناطق شهری، قرار می‌گیرد.

ستاد بحران شهرها و بافت‌های تاریخی به وسیله معاونان شهرداری‌ها، رؤسای ادارات و سازمان‌های دولتی و غیردولتی و جمعی از اعضای شورای شهر، به ریاست شهردار، تشکیل می‌شود. استفاده از شورایارها، معتمدان محلی و نمایندگان مردم با توجه ساختار اجتماعی بافت تاریخی، نیز برای جلب مشارکت‌های مردمی و حساس‌نگه داشتن موضوع مفید به نظر می‌رسد.

برخی مسئولیت‌های عمده ستاد عملیاتی بحران بافت تاریخی عبارتند از:

- اجرای وظایف محول شده بر طبق برنامه‌های از پیش تعیین شده به وسیله سیستم کلی بحران (سطوح استانی و ملی)



شکل ۱- چارت سازمانی پیشنهادی برای مدیریت بحران در بافت قدیم

- برنامه ریزی به منظور رویارویی با سوانح در سطح عملیاتی.
- توجه خاص به امر پیشگیری و آمادگی و مشارکت در تهیه برنامه بهسازی و عمران بافت تاریخی.
- ترویج برنامه های آموزشی برای خودکفایی و یاری عمومی در بحران.
- ایجاد و انجام سازوکارهای لازم برای پیشگیری و کاهش آسیب پذیری های بافت.

چرخه اصلی مدیریت بحران در بافت تاریخی

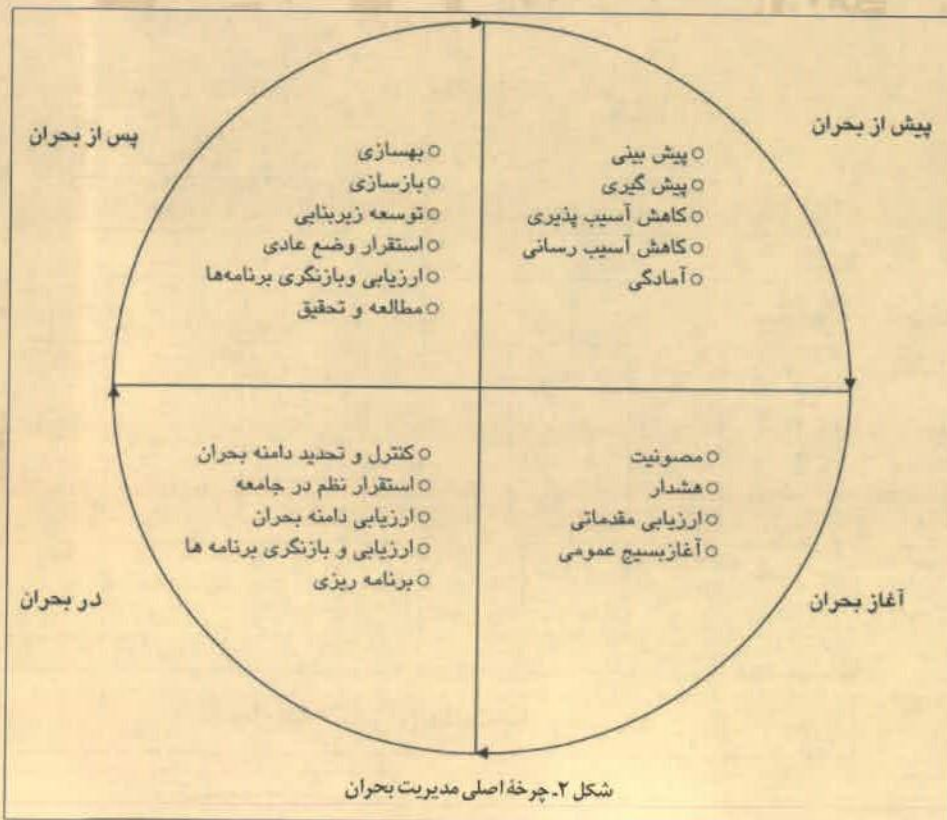
بنابر وظایف و اهداف مدیریت بحران، که در قسمت های قبل تشریح شد، مراحل مدیریت بحران از لحاظ زمانی و عملیاتی این گونه تقسیم می شود (۷) (شکل ۲): پیش از بحران؛ در آغاز بحران؛ حین بحران؛ و پس از بحران. در هر یک از مراحل مذکور اقدامات لازم باید انجام بگیرد، که در ادامه به اختصار به آنها پرداخته می شود.

الف) پیش از بحران

- ۱- پیش بینی: پیش بینی احتمالی زمان، مکان و شدت وقوع بلایای طبیعی.
- ۲- پیشگیری: اقدام عملی برای رفع خطر.
- ۳- کاهش آسیب پذیری: کاهش آسیب پذیری انسان، زیستگاه و جامعه.
- ۴- کاهش آسیب رسانی: کاهش آسیب رسانی مصنوعات بشر بر اثر سوانح.
- ۵- آمادگی: اتخاذ تدابیر لازم و انجام اقدامات عملی به منظور آمادگی و رویایی مؤثر و سریع با بحران ها.

ب) آغاز بحران

- ۱- مصونیت: به کارگیری راهکارهای عملی برای فرار از خطر.
- ۲- هشدار: اعلام خطر و وضعیت غیر عادی به مردم و مسئولان برای آغاز برنامه های عملیاتی.
- ۳- ارزیابی مقدماتی: برآورد سریع دامنه و ابعاد بحران.



شکل ۲. چرخه اصلی مدیریت بحران

۴- آغاز بسیج عمومی: انتخاب نحوه بسیج نیروهای لازم و آغاز شکل‌گیری سازمان‌ذی‌ربط.

ج) حین بحران

- ۱- کنترل بحران و تحدید دامنه آن: اقدام سریع و موثر برای نجات مصدومان و بازماندگان، جلوگیری از گسترش و وقوع خطرهای ثانویه، تأمین غذا و سرپناه و سایر احتیاجات اولیه.
- ۲- استقرار نظم در جامعه: ایجاد سیستم معمولی و منظم در زندگی مردم، راه‌اندازی فعالیت و معیشت روزمره مردم، راه‌اندازی و احیای خدمات و تسهیلات حیاتی و مهم.
- ۳- ارزیابی دامنه بحران: ارزیابی دقیق میزان خسارات وارد شده در کلیه ابعاد.
- ۴- ارزیابی و بازنگری برنامه‌ها: ارزیابی کارایی، اثربخشی، صحت و انطباق با واقعیت عملیات انجام شده و انجام تغییرات و اصلاحات لازم.
- ۵- برنامه ریزی: برنامه ریزی برای بهسازی، بازسازی و بازگشت به وضعیت عادی.

راهبردهای پیشنهادی مدیریت بحران ناشی از زلزله و بلایای طبیعی در بافت‌های تاریخی (۸)

این راهبردها که کلیه فعالیت‌های مرتبط را جهت می‌دهند، در درجه اول برای حفظ نفوس انسانی در نظر گرفته می‌شوند و حفظ و صیانت از کالبد زندگی نظیر شهر، ساختمان‌ها و تأسیسات گوناگون در درجه دوم اهمیت قرار دارد. به علاوه، این راهبردها با حداکثر تأکید و فعالیت در زمینه پیش‌بینی، پیشگیری، کاهش آسیب‌پذیری و آسیب‌رسانی بلایای طبیعی در بافت‌های تاریخی تعیین شده‌اند. به منظور ایجاز و اختصار، از ارائه راهبردهای مراحل دیگر مدیریت بحران خودداری شده است. ایجاد حداکثر همخوانی بین راهبردهای مدیریت بحران با راهبردهای بهسازی و نوسازی بافت‌های تاریخی و نیز حداکثر استفاده از تلاش و مشارکت‌های مردمی و سازمان‌های محلی و غیر دولتی فعال در حوزه مربوط، در سطح عملیاتی باید مورد توجه قرار گیرد.

فعالیت ۱: پیش‌بینی زمان، مکان، بزرگی و نوع بلایای طبیعی در سطح شهر و منطقه. در این فعالیت مراحل زیر به ترتیب انجام می‌گیرند:

● انجام تحقیقات علمی به منظور نیل به امکان پیش‌بینی زمان و مکان، نوع و بزرگی خطرهای طبیعی، با استفاده از اطلاعات و تحقیقات مراکزی از قبیل سازمان هواشناسی، شورای پژوهش‌ها علمی کشور، وزارت نیرو، کمیته ملی کاهش آثار بلایای طبیعی، مراکز مطالعات و برنامه‌ریزی مقابله با سوانح طبیعی ایران، سازمان زمین‌شناسی، پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله، مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران.

● تعیین دوره زمانی تکرار بلایا و وقایع طبیعی در مقیاس شهر. این دوره در اغلب موارد با بررسی تاریخی وقوع خطر مشخص می‌شود.

● تهیه نقشه پهنه‌بندی خطرات مختلف تهدیدکننده بافت تاریخی در مقیاس شهر. به عنوان مثال، نقشه پهنه‌بندی خطر زلزله برای کشور مطابق تصویر شماره ۲ تعیین شده است و به همین ترتیب می‌توان برای هر شهر و منطقه آن نیز (با توجه به مقیاس خطرهای تهدیدکننده) نقشه پهنه‌بندی خطر زلزله را با استفاده از مطالعات زمین‌شناسی، موقعیت‌های گسل‌های خرد و کلان تهیه کرد. در مورد سیل نیز می‌توان با استفاده از داده‌های

بافت‌های تاریخی جزئی از
سرمایه‌های فرهنگی ما هستند و
حکم‌اند و خسته‌هایی متراکم را
دارند که گنجینه‌هایی از
خاطرات اجتماعی و شیوه‌های
اندیشیدن و زیستن گذشتگان ما
را در بر گرفته‌اند



تصویر ۲. نقشه پهنه‌بندی خطر زلزله در کشور

جغرافیایی، شیب زمین، وضعیت هواشناسی، پوشش گیاهی بافت و منطقه و اطلاعات مربوط به مسیل‌ها، مناطق مورد تهدید را می‌توان پهنه‌بندی کرد.

فعالیت ۲- بررسی و ارزیابی خطرهای ثانویه ناشی از وقوع یک یا چند نوع از بلایای طبیعی در سطح شهر. این فعالیت می‌تواند با توجه به نوع خطر، شامل مراحل زیر گردد:

- بررسی امکان به وجود آمدن سنگریزش و ریزش کوه و مشخصات آن.
- بررسی امکان جاری شدن سیل در اثر شکستن سدها و مشخصات آن.

- بررسی امکان به وجود آمدن لغزش زمین و مشخصات آن.
- بررسی امکان به وجود آمدن روانگرایی و مشخصات آن.
- بررسی امکان طغیان رودخانه‌ها و مشخصات آن.

● تهیه نقشه ریز پهنه‌بندی برای نواحی مختلف شهر و بافت تاریخی آن، شامل جزئیات پارامترهای زمین‌شناسی، هواشناسی، هیدروژئولوژیکی که تمام خطرهای و بلایای ثانویه ناشی از حوادث بعد از آن را نشان می‌دهد.

● آماده سازی نقشه‌های خلاصه شده از خطرهای و نقشه‌های ریز پهنه‌بندی برای بافت قدیمی و تاریخی شهر.

فعالیت ۳- بررسی و ارزیابی آسیب‌پذیری ساختمان‌های بافت تاریخی در مقابل بلایای طبیعی. بررسی و ارزیابی آسیب‌پذیری الگوی سنتی ساخت و ساز در بافت تاریخی:

در بافت تاریخی شهرهای ما، الگوی واحدی برای انواع ساختمان‌ها و کاربری‌های مختلف تحت تأثیر اقلیم، نوع مصالح بومی و تجربیات گذشته معماری شکل گرفته است. با تحلیل مجرد این الگو و مشخصات ساختاری، مصالح، ویژگی‌های معماری می‌توان نقاط ضعف و قوت آن را یافت و در مراحل بعدی مدیریت بحران مثل کاهش آسیب‌رسانی مورد استفاده قرار داد.

از دیدگاه اقلیمی، چهار نوع الگوی ساخت و ساز سنتی در بافت‌ها و شهرهای تاریخی ایران شکل گرفته‌اند، که در ادامه به اختصار مطرح می‌گردند (۹):

الف- بناهای سنتی در کرانه جنوبی دریای خزر: بام ساختمان‌ها به صورت شیب‌دار ساخته می‌شود و در اطراف ساختمان ایوان یا غلام‌گرد قرار گرفته است.

ساختمان‌ها برون‌گرا هستند، زیرزمین وجود ندارد و طبقه همکف بالاتر از سطح طبیعی زمین ساخته می‌شود. نوع مصالح ساختمان‌های سنتی این مناطق بیشتر از چوب و گیاهان بومی است. ساختار اصلی ساختمان‌ها از چوب درخت است. نوع پوشش بام‌های شیب‌دار، از سفال، گالی پوش و ساقه برنج پوشیده شده و دیوارها از خشت، گل، آجر یا نثار و دارورچین ساخته شده‌اند (۱۰).

ب) الگوی سنتی در کرانه شمالی خلیج فارس و دریای عمان: الگوی سنتی این مناطق دارای حیاط مرکزی و نیمه درون‌گراست، ارتفاع اتاق‌ها زیاد است و پنجره‌ها بلند و کشیده‌اند. بناها معمولاً زیرزمین ندارند. ایوان‌ها وسیع و مرتفع‌اند و طاق‌ها غالباً مسطح ساخته می‌شوند. از مصالح چوبی در ساخت سقف و در و پنجره‌ها و مصالح بنایی (آجر و خشت) در بدنه ساختمان‌ها استفاده شده است.

ج) الگوی سنتی نواحی کوهستانی و مرتفع فلات ایران: الگوی سنتی معماری در این مناطق دارای حیاط مرکزی و درون‌گراست. ارتفاع اتاق‌ها کم است و بام‌ها اغلب مسطح ساخته شده‌اند. بازشوها، ایوان‌ها و حیاط‌ها هم نسبتاً کوچک و دیوارها قطور هستند. بناها اغلب دارای زیرزمین‌اند. مصالح این الگو، با توجه به وضعیت اقتصادی و بومی، از سنگ، چوب و آجر و خشت تشکیل می‌گردد.

د) دشت‌های فلات: الگوی سنتی این مناطق، به صورت کاملاً درون‌گرا و محصور شکل گرفته است. کلیه بناها (بجز حمام‌ها) دارای حیاط مرکزی، ایوان، و بادگیر هستند. طاق‌ها غالباً قوسی و گنبدی بر روی دیوارهای قطور ساخته می‌شوند. کف ابنیه و خصوصاً حیاط، پایین‌تر از سطح معابر است. مصالح مورد استفاده در این منطقه عمدتاً گل، خشت و آجر است.

● تعیین شیوه‌های فنی تقویت ساختمان‌ها و ابنیه تاریخی.

● یافتن شیوه‌های فنی احداث ساختمان‌های جدید به صورت مقاوم در برابر خطرهای طبیعی.

● تعیین وضعیت ساختمان‌های موجود بافت تاریخی از لحاظ مقاومت در برابر آسیب‌های گوناگون:

در این مورد پس از ارزیابی و ثبت نوع سازه، مصالح و عمر ساختمان‌های منطقه و میزان استحکام آنها، در نقشه‌ای و در سه طبقه خوب، متوسط و ضعیف مشخص می‌شوند (۱۱) (تصویر شماره ۳).

در انجام این فعالیت می‌توان از تحقیقات و مطالعات وزارت مسکن و شهرسازی، بنیاد مسکن، دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی معماری و شهرسازی استفاده کرد.

فعالیت ۴- بررسی و ارزیابی آسیب‌پذیری و آسیب‌رسانی تأسیسات زیربنایی بافت تاریخی.

این فعالیت شامل مراحل و موارد زیر می‌گردد:

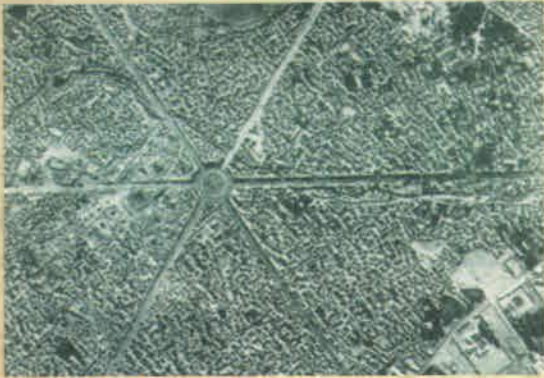
● ارزیابی آسیب‌پذیری و آسیب‌رسانی تأسیسات زیربنایی مختلف موجود در بافت تاریخی، شامل:



تصویر ۳. تعیین وضعیت استحکام و مقاومت ساختمان‌های موجود



- گاز شهری: پست های تقلیل و افزایش فشار شبکه توزیع شامل مسیر لوله ها، موقعیت و مشخصات فنی آنها.
 - پست ها و مسیر توزیع شبکه برق و مشخصات و موقعیت آنها.
 - مخازن، موتورخانه ها، چاه های اصلی و شبکه توزیع آب شهری.
 - شناسایی و بررسی وضعیت تأسیسات شهری قدیمی همچون قنات ها، از لحاظ مسیر، تعداد چاه ها و سایر مشخصات.
 - ایستگاه ها و تأسیسات مخابراتی با سیم و بی سیم، شبکه مخابرات باسیم.
 - دسترسی های داخل بافت قدیمی و خارج از آن، از قبیل دسترسی های زمینی (سواره) و زیرزمینی و پل ها.
 - تعیین شیوه های فنی احداث تأسیسات زیربنای مقاوم و مناسب و مورد نیاز بافت قدیمی.
 - فعالیت ۵- بررسی و ارزیابی نقش فرم بافت قدیمی و تاریخی شهر، با هدف کاهش آسیب رسانی و آسیب پذیری در مقابل بلایای طبیعی. این فعالیت باید با استفاده از نیروهای متخصص و مشارکت سازمان های مختلف صورت گیرد و شامل موارد زیر می گردد:
 - بررسی و ارزیابی عوامل طبیعی از قبیل شکل زمین، اقلیم، زمین شناسی که بر شکل گیری بافت تاریخی اثر مستقیم داشته اند.
- انواع بافت های تاریخی کشور بر اساس پهنه بندی اقلیمی ایران، به چهار دسته تقسیم می گردند (۱۲):
- الف- بافت های تاریخی شهری در کرانه جنوبی دریای خزر: در این مناطق به علت نزدیکی به سواحل دریا و بارندگی زیاد، رطوبت هوا بسیار



تصویر ۵. بافت تاریخی شهر همدان در اقلیم کوهستانی

زیاد است و وجود کوران در فضای شهری ضروری است. لذا ساختمان‌های بافت تاریخی این شهرها، مجزا از هم ساخته می‌شوند، با حیاط‌ها و فضاهای باز و وسیع که حصار آنها اغلب کوتاه‌تر از قد انسان است. کوچه‌ها نسبتاً عریض و مراکز شهری به هم متصل‌اند (تصویر ۴).
 ب- بافت‌های تاریخی کرانه شمالی خلیج فارس و دریای عمان: بافت‌های تاریخی این مناطق، نیمه متراکم هستند که در شهرهای ساحلی در امتداد کنار ساحل شکل گرفته‌اند. فضاهای شهری نیمه محصورند و بدنه معابر نسبت به عرض آنها برای ایجاد کوران، زیاد است.

ج- بافت‌های تاریخی نواحی کوهستانی و مرتفع فلات: در این اقلیم سرمای زیاد عامل تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری بافت تاریخی بوده است. بدین ترتیب فضاهای شهری این بافت‌ها، کوچک و محصور است و ابنیه بافت متراکم و متصل به هم‌اند. نحوه استقرار بناها مطابق جهت تابش خورشید و عوارض زمین قوام یافته است (تصویر ۵).

د- بافت‌های تاریخی واقع در دشت‌های فلات ایران: اقلیم گرم و خشک، باعث شده است تا بافت تاریخی این مناطق، بسیار متراکم باشند. فضاهای شهری کاملاً محصور، کوچه‌ها باریک و نامنظم و بعضاً پوشیده با طاق و ساختمان‌های متصل به هم ساخته شده‌اند (تصویر ۶).

● بررسی و ارزیابی شرایط اجتماعی - فرهنگی بافت‌های تاریخی: شامل جمعیت و تغییر و تحولات آن، قومیت‌ها و محله‌بندی‌ها در بافت، وجود تفاهم یا تقابل در بافت، شیوه زندگی و سکونت‌های مختلف در بافت.

● بررسی و ارزیابی سیمای فیزیکی بافت تاریخی، که شامل موارد ذیل می‌شود:
 - شبکه ارتباطی: الگوی ارتباطی، دسترسی‌های مناسب و کارآمد، ابعاد و تناسبات.

- فضاهای باز: میزان (نسبت به جمعیت، سطح کاربری‌ها و سطوح بسته)، پراکنش.

- کالبدی: ابعاد و تناسبات، نوع پوشش سطح، هندسه.

- کاربری‌ها: همجواری‌ها (براساس سازگاری یا عدم سازگاری). میزان (نسبت



تصویر ۶. بافت تاریخی در شهر زواره

به جمعیت، سطح کاربری‌های مختلف). پراکنش کاربری‌های مختلف.

- ایمنی و آسیب‌پذیری یا آسیب‌رسانی انواع کاربری‌ها در برابر حوادث.



تصویر ۷. تعیین وضعیت آسیب پذیری و آسیب رسانی کاربری ها

- تعیین تراکم جمعیت در کاربری های مختلف: به عنوان مثال، مناطق مسکونی در طول روز و شب دارای تراکم جمعیتی اند ولی بعضی مناطق و کاربری ها همچون بازار، کاربری های آموزشی و اداری و خدماتی، در طول روز تراکم جمعیت در آنها مشاهده می گردد (تصویر ۷).

- نماها: هندسه، مصالح، عناصر ترکیبی، محدوده خط نما، تجانس.

- تعیین شیوه های کاهش آسیب پذیری و آسیب رسانی در کلیه اجزا و عناصر شهری
- تعیین شیوه بهینه اصلاح فرم شهر (اجزا و عناصر شهری)
- فعالیت ۶- اصلاح مکان در بافت های تاریخی:

با استفاده از نتایج بررسی های مراحل و فعالیت های پیشین، اصلاح مکان در بافت برای پیشگیری از آثار مخرب سوانح طبیعی در مراحل زیر صورت می گیرد:

- تغییر مکان تأسیسات، کاربری ها و شبکه هایی که در مناطق خطرناک قرار دارند.
- تغییر کاربری های زمین های خطرناک به کاربری ها بدون آسیب پذیری مثل فضای سبز.
- تأثیر مطالعات مربوط به خطرهای طبیعی در طرح های جامع شهری، طرح های بهسازی و عمران بافت تاریخی در جهت اصلاح مکان.
- می توان از قانونگذاری و تدوین ضوابط مورد نیاز، مخصوص نواحی بافت های تاریخی به وسیله سازمان میراث فرهنگی یا شورای شهر برای هدایت اصلاح مکان استفاده کرد. در صورت تملک خصوصی بر کاربری ها و مکان های خطرناک بافت های تاریخی، آگاه ساختن مردم از خطرهای تهدید کننده در این گونه مناطق و تشویق آنها برای تغییر کاربری اماکن همراه با ارائه تسهیلات لازم به آنان، نیز پیشنهاد می گردد.
- فعالیت ۷- مقاوم سازی تأسیسات زیربنایی بافت قدیم برای پیشگیری از آثار مخرب حوادث طبیعی بر آنها:

این فعالیت به علت تخصصی بودن، نیازمند آموزش مهندسان و دست اندرکاران، برای اجرای استانداردهای طراحی و ساخت و نیز نظارت مؤثر و دقیق تخصصی بر طراحی و ساخت آنهاست. این فعالیت مراحل ذیل را شامل می شود:

- مقاوم سازی و تقویت تأسیسات زیربنایی موجود در مقابل خطرهای مختلف.
- مقاوم سازی و تقویت تأسیسات در حال احداث.
- طراحی و ساخت تأسیسات زیربنایی جدید به صورت مقاوم.
- مقاوم سازی تأسیسات زیربنایی قدیمی و تاریخی با ارزش بافت، همچون قنات ها و کانال های تقسیم آب، در مقابل خطرهای گوناگون، تحت نظارت سازمان میراث فرهنگی.

● اصلاح جنس و شبکه تأسیسات در نقاط خطرناک و در مواقع ضروری، تعویض و نوسازی آنها.

● فعالیت ۸- اصلاح ساختار و تراکم جمعیتی در نواحی مختلف بافت تاریخی برای کاهش آسیب پذیری در برابر بلایای طبیعی: این فعالیت بسته به نوع خطر و بلیه شامل مراحل و موارد زیر است:

● کاهش تراکم جمعیت در مناطق خطرناک بافت.

● حذف همسایگی های جمعیتی در جوار عوامل آسیب زسان.

● تشویق مهاجرت به مناطق آسیب پذیر و افزایش مهاجرت از آنها.

در هر یک از این موارد، باید از طریق آموزش و آگاه کردن مردم، آنها را با خطرهای ناشی از ساختار خطرناک و تراکم جمعیتی آشنا ساخت و آنها را به اصلاح تشویق کرد. به علاوه، در صورت لزوم، می بایست قوانین و ضوابط مورد نیاز برای ایجاد الزام در کاهش تراکم جمعیتی در بافت تاریخی، وضع گردند.

فعالیت ۹- اصلاح فرم بافت تاریخی برای کاهش آسیب پذیری و آسیب رسانی به هنگام وقوع سوانح طبیعی. این فعالیت می بایست با استفاده از بررسی ها و مطالعات فعالیت شماره ۵، که ذکر گردید، انجام پذیرد.

● اصلاح شبکه ارتباطی: معیارهای ذیل در اصلاح شبکه ارتباطی باید مورد توجه باشند:

- هر چه تعداد تقاطع ها بیشتر باشد آسیب رسانی و آسیب پذیری شبکه کمتر است.

- هر چه نسبت سطح معابر به سطح ساخته شده بیشتر باشد، آسیب رسانی کمتر است.

- هر چه شبکه ارتباطی انطباق کمتری بر گسل ها داشته باشد آسیب پذیری کمتر است.

- هر چه تعداد معابر بن بست کمتر باشد، آسیب رسانی کمتر است.

- هر چه نسبت عرض یک معبر به ارتفاع بدنه آن متناسب تر باشد، آسیب رسانی و آسیب پذیری آن کمتر است (تصویر ۸).

- هر چه تعداد پل ها در شبکه ارتباطی بیشتر باشد آسیب پذیری بیشتر است.

- هر چه مصالح به کار رفته در بدنه معبر پایدارتر باشد، آسیب پذیری کمتر است.

- هر چه کاربری های جدار معبر خطرناک تر باشند، آسیب پذیری بیشتر است.

پس از ارزیابی کلی بافت، باید مسیرهای ارتباطی اصلی را که شامل کاربری های امدادی و نظامی و پل های ارتباطی است مشخص ساخت و در صورت مستحکم نبودن، مسیرهای دیگری را در نظر گرفت که تماماً در نقشه ای معرفی می گردند تا در صورت تخریب پل ها و دسترسی ها بتوان به صورت جایگزین استفاده کرد. در موارد و مواضعی که اصلاح دسترسی ها امکان پذیر نیست، باید مکان هایی باز را برای فرود و برقراری ارتباط هوایی در بافت در نظر گرفت.

● اصلاح فضاهای باز: معیارهایی که لازم است مورد توجه قرار گیرند، عبارتند از:

- هر چه تناسب فضایی در فضای باز بیشتر باشد، آسیب رسانی و آسیب پذیری کمتر است.

- هر چه سازگاری کاربری های محاط بر فضای باز بیشتر باشد آسیب پذیری کمتر است.

- هر چه میدان متقارن تر باشد و وحدت شکلی و حجمی و نیز آسیب پذیری جداره های فضای باز بیشتر باشد، آسیب پذیری کمتر است.



تصویر ۸. تعیین وضعیت آسیب پذیری معابر

- اصلاح کاربری های مسکونی: پس از تقویت و پیشگیری در این کاربری، معیارهای ذیل در اصلاح باید مورد توجه قرار گیرند:
 - هر چه کاربری های همجوار با کاربری مسکونی با آنها بیشتر سازگار باشد، آسیب پذیری کمتر است.
 - هر چه تخلیه کاربری مسکونی با سرعت بیشتری امکان پذیر باشد، آسیب پذیری کمتر است.
- اصلاح کاربری غیر مسکونی: برای اصلاح کاربری های غیر مسکونی بافت قدیم، می توان موارد زیر را با توجه به بررسی ها و خطرهای تهدید کننده انجام داد:
 - تغییر کاربری مکان ها و کاربری ها ناسازگار با همجواری.
 - استحکام بخشی و تقویت مراکز و کاربری های اصلی بافت تاریخی، همچون مدارس، مساجد و بیمارستان ها در فاصله زمانی مشخص و تجهیز کردن آنها به وسایل و امکانات ایمنی و پناهگاه های زیرزمینی در صورت لزوم.

در بافت تاریخی شهرهای ما، الگوی واحدی برای انواع ساختمان ها و کاربری های مختلف تحت تأثیر اقلیم، نوع مصالح بومی و تجربیات گذشته معماری شکل گرفته است. با تحلیل مجرد این الگو و مشخصات ساختاری، مصالح، ویژگی های معماری می توان نقاط ضعف و قوت آن را یافت و در مراحل بعدی مدیریت بحران مثل کاهش آسیب رسانی مورد استفاده قرار داد

- تقویت ارتباط کاربری ها غیر مسکونی با شبکه ارتباطی.
- تقویت ارتباط بین کاربری هایی که فعالیت آنها مکمل یکدیگر است.
- اصلاح نماها و بدنه های شهری در بافت تاریخی: با توجه به معماری بومی بافت باید معیارهای ذیل را در نظر گرفت:
 - هر چه پیش آمدگی و عناصر الحاقی به نما بیشتر باشد، آسیب پذیری و آسیب رسانی کمتر است.
 - هر چه نماها همگن تر، بسته تر، متقارن تر و ساده تر باشند، آسیب پذیری آنها کمتر است.
 - هر چه نما شفاف تر باشد، آسیب پذیری بیشتر است.
 - هر چه توزیع جرم در نما یکنواخت تر باشد، آسیب پذیری کمتر است.
- خط مشی های اجرایی که در فعالیت اصلاح فرم شهر و بافت تاریخی می تواند مورد توجه قرار گیرد:
 - ۱- آموزش و آگاهی عمومی از خطرها و تشویق آنها به اصلاح موارد مذکور.
 - ۲- قانونگذاری به منظور ایجاد الزام برای اصلاح فرم بافت.
 - ۳- توجه به استانداردها و آموزش مهندسان و دست اندرکاران.
- فعالیت ۱۰- کاهش آسیب رسانی داخل و خارج ساختمان های قدیمی در بافت تاریخی:

- در این فعالیت با استفاده از دستاوردهای مطالعات فعالیت شماره ۳، موارد زیر شناسایی می شوند :
- نقاط ایمن و محل های گریز از خطر در هنگام بروز موانع طبیعی.
 - نحوه استقرار اثاث و نصب لوازم، برای ایمنی بیشتر.
 - جمع آوری اشیایی که در نمای خارجی ساختمان ها احتمال ریزش دارند، و یا استحکام آنها در اتصال به نما.
- این موارد پس از شناسایی و بررسی باید از طریق فعالیت های مناسب همچون مانورهای آموزشی، دوره های عمومی و رسانه های تصویری به مردم ساکن بافت تاریخی آموزش داده شوند.
- فعالیت ۱۱ - کاهش آسیب رسانی تأسیسات زیربنایی به بافت تاریخی بر اثر حوادث طبیعی.
- به هنگام بروز بلایای طبیعی، تأسیسات زیربنایی همچون آب، برق و گاز، با توجه به نوع آسیب پذیری ساختمان های بافت تاریخی می توانند باعث بروز سوانح ثانویه ای شوند و موجب بروز بحران های جدید گردند. آتش سوزی های ناشی از نشت و شکستگی لوله های گاز شهری و اتصال سیم های برق یا شایع شدن بیماری های مسری خطرناک به علت آلوده شدن شبکه آب شهری را می توان از جمله این حوادث ذکر کرد.
- برای جلوگیری از چنین بحران هایی موارد زیر باید انجام گیرد :
- استفاده از سیستم های قطع کننده، در نقاط مناسب شبکه های آب، برق و گاز شهری. این نقاط می توانند به دو صورت مورد استفاده قرار گیرند :
 - (الف) به وسیله گروه هایی که قبلاً در این مورد آموزش دیده اند.
 - (ب) به طور خودکار در هنگام خطر عمل شود.
 - کاهش امکان انفجار و آتش سوزی در منابع و مواضع اصلی تأسیسات زیر بنایی مانند پست های تقلیل و تقویت فشار گاز.
 - انجام محافظت و کنترل مناسب از منابع تأمین آب شهری.

پانوش:

- ۱- م. ذ. پور، علی، ص ۱۳۷۸، ۱.
- ۲- ن. ک. بحرینی، ۱۳۷۳، ص ۱۶.
- ۳- ن. ک. ناطقی الهی، ۱۳۷۸، ص ۴.
- ۴- ن. ک. بحرینی، ۱۳۷۳، ص ۲۳.
- ۵- ناطقی الهی، ص ۱۳۷۸، ۵.
- ۶- ن. ک. بحرینی، ۱۳۷۳، ص ۱۸۲ و ناطقی، ص ۱۳۷۸، ۱۳۳.
- ۷- بحرینی، ۱۳۷۳، ص ۹۵.
- ۸- این راهبردها با استفاده از راهبردهای پیشنهادی این منبع تدوین شده اند: (بحرینی، ۱۳۷۳، ص ۹۹).
- ۹- قبادیان، ۱۳۷۳، ص ۳۸.
- ۱۰- ن. ک. قبادیان، ۱۳۷۳، ص ۴۸.
- ۱۱- بلیقروشان، ۱۳۷۴، ص ۱۲۹.
- ۱۲- قبادیان، ۱۳۷۳، ص ۷۲.

منبع

- بناطقی الهی، فریدون مدیریت بحران زمین لرزه در ایران، پژوهشگاه زلزله شناسی و مهندسی زلزله، تهران، ۱۳۷۸.
- بحرینی، سید حسین نگاربرد مدیریت بحران در کاهش ضایعات ناشی از زلزله، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۳.
- بلیقروشان، محمدرضا، پیشگیری و آمادگوسانی و اسکان موقت در بحران، مجموعه مقالات کنفرانس زلزله شناسی و مهندسی زلزله، پژوهشگاه زلزله شناسی، تهران، ۱۳۷۲.
- قبادیان، وحید، بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران، دانشکده تهران، تهران، ۱۳۷۳.
- صالحی، اسماعیل، راهنمای مدیریت بحران در وقایع طبیعی، مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری، وزارت کشور، تهران، ۱۳۷۷.
- نوذریور علی، یادداشت سردبیر، ماهنامه [شهرداریها]، شماره ۵، سازمان شهرداری های وزارت کشور، تهران، ۱۳۷۸.

روش‌های حفظ و احیای بافت‌های تاریخی شهرها

علی‌خانی
کارشناس ارشد معماری

مقدمه

بهسازی و مرمت بافت‌های شهری، به طور مجزا و مستقل از بناهای تاریخی و به عنوان عنصر شهری زنده و پویا، تا قبل از جنگ جهانی دوم هیچ‌گاه مورد توجه کنگره‌های مرمت قرار نگرفته بود.

اولین سمینار بین‌المللی که آشکارا به مرمت و حفاظت و بهسازی بافت‌های شهری توجه کرد، کنگره گوینو (۱۹۶۰) بود (۱).
تدوین کنندگان منشور جهانی آمستردام (۱۹۷۵) خواستار تغییرات وسیعی در موازین قانونی و مقررات اجرایی شدند، به نحوی که بتوانند در آشتی دادن فضاهای کالبدی قدیمی با فضای زندگی مدرن توفیق یابند (۲).

بدین ترتیب، از منشور آتن در ۱۹۳۱ تا قطعنامه آمستردام در ۱۹۷۵، بارون‌دی تکاملی، این مقوله کم‌کم از انحصار جنبه‌های صرف هنری خارج شد و به همراه توجه به تک‌بنا به عنوان اثر تاریخی منحصر به فرد، به مجموعه مسائل اجتماعی-اقتصادی در بناها و بافت‌های تاریخی شهری گسترش یافت.
مهم‌ترین ابعاد بافت قدیم در شهرها عبارتند از (۳):

۱- وجود مرکزیت همیشگی برای وحدت بخشی به تمام پیکره شهر، که ضامن زندگی روان و سالم شهری است.



تصویر ۱- موقعیت عناصر مرکزی و محور ساختاری احیا شده بافت تاریخی موستار

۲- بافت قدیم با ارزش کالبدی، تاریخی و فرهنگی نهفته در خود، بهترین نشانه هویت شهری است.

۳- حیات و رشد بافت قدیم مانع فرسودگی شهر از درون و همچنین توسعه بی رویه آن می گردد.

۴- بافت کهن شهرها به دلیل جایگاه خود در مرکزیت شهر، از بهترین محدوده ها برای تمرکز خدمات تجاری، اداری، سیاسی و اقتصادی به شمار می آید.

مرکز شهرهای کهن به دلیل دارا بودن ویژگی های ساختاری، موجب وحدت سازمان فضایی شهر خواهند شد.

جنبش جهانی حفاظت میراث تاریخی، در دوره های اولیه خود در عرصه مرمت تک بناها، پاسداری از ارزش های محیط شهری، مجموعه های تاریخی و مناظر طبیعی و سرانجام کل شهر تاریخی

تجربه های بی شماری اندوخته است. با این حال، در مورد نگهداری ارزش های تاریخی، به ویژه در چارچوب زندگی جدید شهری، موضوع های حل نشده هنوز بی شمارند و روزانه بر تعداد آنها افزوده می شود. این پدیده در کشورهای در حال رشد، به سبب گسست فرهنگی - تاریخی از یک سو، و سرعت تغییرات امروز از سوی دیگر، ابعاد فاجعه باری یافته است.

تئوری های مرمت شهری

در باب مرمت شهری و مجموعه های تاریخی، مطالب زیادی نوشته شده و تئوری هایی نیز تدوین و عرضه شده است، که در موارد زیادی در قالب اسلوب های عملی ویژه ای هم عینیت یافته اند. توفیق این کارها در جلب اقبال عمومی و نظر خواص متفاوت بوده و موارد درخور بحثی را نیز حادث شده است. شرایط ناهمگن حاکم بر کلیت یک اثر و تأثیرات متفاوت زمینه ای، مراتب اهمیت، جهت گیری های اجتماعی و نسبی بودن رویکردهای ارزشی و عرفی جامعه، فاکتورهای متغیر اهداف و آرمان های جمعی و نظایر اینها سبب شده اند که هیچ یک از نظریه ها و روش های مرمتی به تنهایی پاسخگوی موارد مطلوب نباشد و در عمل تلفیقی آگاهانه از آنها به کار رود.

از طرفی، احیای حیات واقعی یک اثر یا مجموعه تاریخی به گونه ای که عنصر بااهمیتی در فرایندهای محیطی قلمداد شود، ناگزیری پذیرش تغییرات و ایجاد کارکردهای همسنخ با پیشینه تاریخی و نیز تحولات جدید، لزوم بازاندیشی و آشنایی زدایی از تئوری های نظری و اسلوب های عملی را انکارناپذیر می سازد.

در این نوشتار به کلی ترین شیوه های مرمت شهری اشاره می شود و مبانی تئوریک آنها تا حد امکان مورد بررسی قرار می گیرد. این شیوه ها عبارتند از:

۱- نگرش موزه ای؛

۲- نگرش سلولی؛

۳- نگرش ارگانیکی.

۱- نگرش موزه‌ای

این دیدگاه بر شالوده حفاظت از میراث فرهنگی استوار است و مداخله در بافت‌های تاریخی یا قدیمی را جز در جهت «حفاظت» از آنها نمی‌پذیرد. در این نگرش حفظ هویت و میراث نیاکان بر مقتضیات زندگی معاصر ترجیح داده می‌شود. در نتیجه ساکنان این گونه بافت‌ها به دلیل عدم اعمال تغییرات مقتضی زندگی روزمره معاصر و نیز کاستی‌ها و نارسایی‌های زیرساخت‌های شهری که ریشه در چنین پیشی دارد، ناگزیر به ترک بافت می‌شوند. به دنبال از هم پاشی بافت اجتماعی، بافت کالبدی نیز در معرض تخریب قرار می‌گیرد.

نگرش موزه‌ای در تسلسلی منطقی به تهدید فرصت‌های زندگی منجر می‌شود و در مواردی نسلهای بعدی محکوم به زندگی با ارزش‌های دیگران می‌شوند. بدین ترتیب، در فضاهایی به سر می‌برند که از ضرورت‌های زندگی آنها ناشی نشده است.

فرایند سیر نگرش موزه‌ای شهر را به موزه‌ای صلب و تغییرناپذیر بدل می‌سازد. چنین چیزی با روح تحولات معماری و شهرسازی معارض است و در واقع به حاکمیت استبدادی نوعی جزم‌اندیشی نوستالژیک یا مرتجعانه منجر می‌شود. از سوی دیگر، خود آثار تاریخی نیز از زندگی تهی می‌شوند و در درازمدت به نمادهای تأویلی بدل می‌گردند. از طرفی اعمال چنین شیوه‌ای نمی‌تواند قابل بسط باشد، چرا که در گذر زمان، کارکردهای شهری مختل می‌گردد و حیات شهری به جد تهدید می‌شود.

بافت قدیم با ارزش کالبدی، تاریخی و فرهنگی نهفته در خود، بهترین نشانه هویت شهری است

معصل نگرش موزه‌ای، وقتی که به جای تک بناها قسمتی از بافت شهری یا مجموعه‌ای تاریخی مطرح است، بیشتر رخ می‌نماید؛ چرا که اتخاذ چنین دیدگاهی مجموعه‌های با ارزش تاریخی را که بایستی به ارتقای کیفیت‌های کارکردی - فضایی زندگی شهری کمک کنند، به معضل‌های اغماض‌ناپذیر شهری تبدیل می‌کند و تأثیرات وجودی آنها را در حیات شهری تا حد پادگان‌های نظامی پایین می‌آورد. مثال

باز در این خصوص مجموعه‌های تاریخی کاخ گلستان و باغ ملی (میدان مشق) است که به رغم ارزش‌های تاریخی به دلیل عدم تلفیق با ساختار شهری قلمروهای قابل بحث، ضمن از بین بردن پیوستگی فضایی به خوانایی قلمروهای بلافصل لطمه زده‌اند. این مجموعه‌ها در شرایط فعلی فاقد هرگونه نقش مطلوب شهری‌اند و جز تشدید معضلات دسترسی پیاده و تأثیرات نامطلوب فضایی ناشی از آن، کارکرد جدی دیگری ندارند. از مباحث مطرح شده چنین برمی‌آید که پرداخت به محدوده‌ای از شهر، هر چند هم که کوچک باشد، جز با شناخت جایگاه و نقش آن در کل ساختار شهری امکان‌پذیر نیست.

هر اثر معماری و هر فضای شهری، با تمام پیشینه‌ای که دارد، زاده ضرورت‌های کارکردی زمان خود (کالبدی، زیبایی‌شناختی و جز آن) است و در ایجاد آنها ارتقای کیفیت کارکردی محیط و تعالی فضایی مدنظر بوده است. لذا بایستی از قابلیت‌های این آثار در جهت مطلوبیت‌های کالبدی - کارکردی فضاهای شهری بهره جست.

عمده کردن این آثار و تأکید صرف بر حفظ آنها و بی‌توجهی به نقشی که می‌توانند در روند زندگی واقعی بافت پیرامون داشته باشند، نادیده گرفتن



ظرفیت‌های توسعه آثار تاریخی و بافت پیرامونی است و از تحقق کیفیت‌های مطلوب ناشی از رابطه تعاملی آنها در حیات شهری جلوگیری می‌کند. به این ترتیب، روند و دیالکتیک بین اثر تاریخی و قابلیت‌های محیطی عقیم می‌ماند و اصل بازگشت فلاسفه محقق نمی‌شود (۴). نتیجه آنکه نگرش با جنبه‌های افراطی حفاظتی به خطری مهلک برای حیات واقعی آثار تاریخی تبدیل شده و ارزشهای قابل نشر آنها را از درون تهی می‌کند.

تأثیر محدود برخورد موزه‌ای در حفظ آثار تاریخی و فقدان برنامه‌ها و راهبردهای زمینه‌گرا به توسعه‌های نامناسب مجاور این آثار امکان بروز می‌دهد (۵). آدام فرگوسن حفظ آثار تاریخی بدون توجه به بافت پیرامونی آنها را به کوهی بدون کوهپایه یا شاهکار نقاشی بدون قاب محافظ تشبیه می‌کند (۶).

صیانت موزه‌ای ناتوان از مقابله با تخریب‌های اجتماعی، فرهنگی و کالبدی ناشی از سیاست‌های پاکسازی، طرح‌های تفصیلی توسعه مجدد، طرح‌های راه‌سازی و نظایر اینهاست و همواره در معرض تهدید مرزهای توسعه است (۷).

به عقیده برتشنا (Burtenshaw)، ناکافی دریافتن کاربری‌های جدید برای ساختمان‌های حفاظت شده، شهر را به حضوری موزه‌گونه در فضای آزاد محکوم می‌کند (۸).

به این ترتیب، تعمق در مورد ویژگی‌های عملکردی زمینه‌های محیطی و کاربری اقتصادی فعال ساختمان‌های حفاظت شده، علاوه بر دارا بودن کیفیت بصری، معمارانه و تاریخی، به مثابه مقوله‌ای حراستی نیز مطرح می‌شود.

در نگرش موزه‌ای تلاش معطوف به حفظ جنبه‌های کالبدی - فضایی اثر تاریخی است و از بقیه جنبه‌های حیاتی اثر یا بافت تاریخی غفلت می‌شود.

۲- تجزیه‌گرایی یا نگرش سلولی

مکتب اتمیسم یا تجزیه‌گرایی از قدیمی‌ترین شیوه‌های جهان‌بینی است. اصل مسلم رویکرد تجزیه‌گرایانه به جهان، این بوده است که یک موجودیت را، هر قدر که پیچیده باشد،

می‌توان به اجزایی تقسیم کرد و از راه تدقیق در وجود و رفتار آن اجزا به شناخت موجودیت اصلی آن نائل آمد (۹).

در مکتب تجزیه‌گرایی، خواص موجودیت‌ها از روی خواص عناصر تشکیل‌دهنده‌شان تعیین می‌شود و خود موجودیت نیز براساس تعاریف و مشخصات مربوط به اجزایش تعریف می‌گردد.

در عصر ایمان، کنجکاوی گناهی کبیره محسوب می‌شد. این تصور که وظیفه فرد جست‌وجوی حقایق چیزهاست، در آن زمان بسیار بعید بود.

تصویر ۲- سایت پلان بافت تاریخی موستار و عناصر تاریخی احیا شده

رسانس که در سده چهاردهم و پانزدهم رخ داد، بیداری مجدد یا به عبارتی نوزایی بود. به بیانی، انسان دوباره با چشم گشودن، کنجکاو گردید و با تفحص در جهان و طبیعتی که در آن زندگی می کرد، وارد جهان طبیعی شد و شیوه اصلی پژوهش بر تجزیه و تحلیل پدیده ها استوار گردید.

فرایند تجزیه و تحلیل مبتنی است بر (۱۰):

۱- از هم گشودن چیزی که باید شناخته شود؛

۲- مطالعه رفتار اجزای گشوده شده؛ و

۳- سعی در جمع بندی رفتار اجزا برای درک کل.

نگرش اتمیستی (یا سلولی) در عصر رسانس با مفاهیمی چون تقلیل پذیری و جبرگرایی آغاز گردید و با تصورات مکانیکی و انقلاب صنعتی به اوج خود رسید.

تقلیل پذیری

اعتقاد به عناصر، از مبانی اساسی جهان بینی عصر ماشین است. نظریه مدافع این اعتقاد تقلیل پذیری خوانده می شود: تمام واقعیت و تجربه ما را نسبت به آن، می توان به اجزا یا عناصر نهایی تجزیه ناپذیر، تجزیه کرد.

بر این مبنا فریود نیز برای توضیح رفتار آدمی سه عنصر - نهاد، خود و فراخود - و انرژی یا لیبدو را به کار برد (۱۱).

زبان شناسی هم کوشید که زبان را به عناصر مجرد صدا - یعنی واج ها - کاهش دهد و دانش های دیگر هم بر همین قیاس (۱۲). علوم عصر ماشین جهادی بود که هدف مقدس آن عنصر شمرده می شد.

جبرگرایی

هر پدیده باید به عنوان معلول علتی تلقی می شد؛ در غیر این صورت

ربط دادن و شناخت آنها ممکن نمی گردید. به این نظریه جبرگرایی گفته می شود. در این نظریه وقوع هر چیز از طریق احتمال یا انتخاب ناممکن است. حال اگر هر چیز در عالم علتی دارد، لاجرم هر علت خود معلول علت دیگری است (۱۳).

در این نگرش علت برای تشریح کامل معلول کافی است و به چیز دیگری - حتی محیط - نیازی نیست. بنابراین تفکر عصر ماشین تا حدود بسیاری آزاد از محیط بود.

شاید تا حدودی گرایش آزاد از محیط علوم عصر ماشین، ناشی از طبیعت محل پژوهش آنها، یعنی آزمایشگاه بوده است. آزمایشگاه اصولاً به شکلی ساخته می شود که تأثیر محیط از آن حذف گردد (۱۴).

تصور مکانیکی

استفاده انحصاری از روش تحلیلی و نظریات تقلیل پذیری و جبرگرایی، مفهومی مکانیکی از عالم به دست می داد. جهان نه تنها شبیه ماشین، بلکه

نگرش موزه ای در تسلسلی منطقی به تهدید فرصت های زندگی منجر می شود و در مواردی نسل های بعدی محکوم به زندگی با ارزش های دیگران می شوند

چونان ماشین واقعی انگاشته می شد.

شناخت پدیده‌ها در مکتب تجزیه‌گرایی از بسیاری جهات همواره بر پیش مکانیستی از جهان استوار بوده است. تنها اطلاعات جدید در این ترکیب (پیش مکانیستی) افزون بر شناخت خود اجزا، درک چگونگی ارتباط عناصر و شناخت سلسله علت و معلول وقایع می‌باشد. از جهان بینی مکانیستی به جهان بینی مادی نیز تعبیر شده است.

انقلاب صنعتی

در این دوره فکر را کار نمی‌دانستند، زیرا با کاربست انرژی بر ماده مربوط نمی‌شد. در این راه انسان نیز به کارهای ساده و تکراری گماشته شد و لذا به رفتاری شبیه ماشین محکوم گردید. کار غیر انسانی شد و این موجب بروز یکی از دشوارترین مسائل بشر امروز، یعنی بیگانگی از کار گردید.

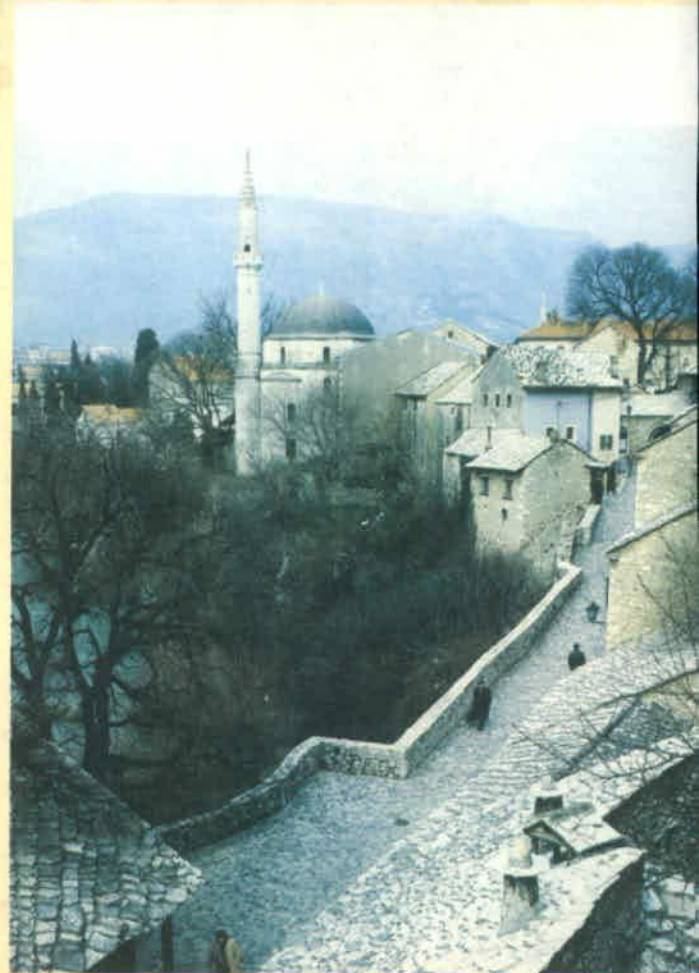
«مرمت شهری یا هدف توانمندسازی شهری» (۱۵) معادل منصفانه و اندیشمندانه‌ای از احیای بافت‌های تاریخی به شیوه سلولی در اختیار می‌گذارد.

هرآینه فضای ساخته شده شهری را در محوطه‌هایی خاص، در مرکز، بازار، محله‌های مسکونی تاریخی و ارزشمند شهرها به مثابه میراثی برای شهر در جهت استفاده برای تقویت وضعیت اقتصادی و اجتماعی شهر در نظر گیرند، آن‌گاه بینشی خاص بر شهر و سرنوشت آن چیره خواهد شد که معمولاً به طور منظم و بی‌وقفه فضای ساخته شده فرسوده و آسیب دیده تاریخی شهرها را هدف دگرگونی‌هایی خاص می‌کند.

در این بینش، حتی بدون هشدار یا اظهار نظر، یادمان‌های تاریخی موجود در پیکره بناهای قدیمی ارزشمند شهر، به مثابه ابزاری برای توان بخشی اقتصادی به شهر مورد توجه قرار می‌گیرند و انگیزه اصلی حفاظت و مرمت آنها، نوسازی ساختار اقتصادی شهر است.

در این گونه اقدامات برای مرمت شهری، به شرط تضمین بهره‌جویی‌هایی که هم اقتصادی و هم خواستار دستیابی به بهبود بخشیهایی در شرایط اجتماعی شهروندان اند، از هر گونه امکانی که مفید به نظر رسد بهره گرفته می‌شود. زمینه تدبیر برای مرمت شهری بیشتر روی به نوسازی و نوسازی - بهسازی فضای ساخته شده تاریخی شهر دارد و کمتر به بهسازی و احیای آن، با نگاه محیطی و محیط انسانی می‌پردازد.

نقطه حرکت یا سرآغاز این تدبیرها، احیا و بهسازی بخش‌هایی از شهر است که توان



تصویر ۳- محور اصلی ساختاری بافت مرکزی شهر موستار، پس از احیا.

کارایی خود را به دلیل فرسودگی کالبدی و عدم دسترسی به شبکه‌های خدمات رسانی فنی-رفاهی مدرن از دست داده‌اند و به همین دلیل، ساکنان و شاغلان و مراجعان به آنها رغبت خاص به زندگی در این گونه پیکره‌های شهری ندارند.

در چنین محوطه‌ها یا محله‌های شهری که موضوع یا ابزاری برای تقویت اقتصادی شهرها می‌شوند، از آنچه به عنوان بناها یا بافت ارزشمند تاریخی موجود شناخته می‌شوند، از طریق نوسازی و مرمت پیکره‌های کالبدی آنها، حفاظت می‌گردد.

اقدام‌هایی مرمتی از این دست - که حداکثر توجه را به کیفیت کارهای ساختمانی مبذول می‌دارد - وجه ظاهری بازسازی شده یا بهسازی شده بناها و بافت‌ها را به عنوان ارزش می‌نگرد که همگان می‌توانند از آنها بهره‌برداری کنند.

در این راه، ایده مقید به استمرار ارزش‌های فرهنگی - عاطفی - اجتماعی به چشم نمی‌خورد؛ ساکنان و شاغلان (ونه مالکان) معمولاً در پژوهش‌ها، بررسی‌ها و تصمیم‌گیری‌هایی که به طراحی مرمت شهری ربط می‌یابند، مداخله داده نمی‌شوند و دست‌قادری برای پس‌زدن «بولدوزرها» در میان نیست (۱۶).

تجربه‌هایی که در این نگرش می‌توان کرد، بیش از همه جا در پاریس نیمه دوم سده بیستم‌اند و در نوسازی‌هایی که در دوران کوتاه میان دو جنگ جهانی اول و دوم در شهرهای مهم ایتالیا و اسپانیا یافت می‌شود، و از نوع تجربه‌هایی است که، با ظرافت و تحلیلی بس کمتر، در شهر مشهد نیز به چشم می‌خورد (۱۷).

«... در مشهد به جای اینکه شهر به عنوان نظامی ارگانیک نگریسته شود، با آن برخورد مکانیکی صورت گرفته است. بین دیدگاه ارگانیک و رفع نیازهای جدید منافاتی وجود ندارد...» (۱۸).

«... با وجود مشکلات فراوانی که در شهر مشهد وجود دارد، توجهات همه به بازسازی حرم معطوف شده است و با آن به عنوان پدیده‌ای موضعی (سلولی) برخورد کرده‌اند.» (۱۹)

مشخصه‌های اساسی «مرمت شهری با هدف توانمندسازی شهری» (۲۰) یا روش سلولی، عبارتند از:

- نگهداشت نسبی پیکره کالبدی بناها؛

- تقویت مواضع یا مکان‌های مرمتی؛

- ادغام بافت مرمت شده با فضاهای مجاور؛

- استقلال اقدام‌های شهرسازی از شهروندان و بافت اجتماعی شهر؛ و

- محدودیت در فضای علمی و معرفتی طرح.

برخوردهای سلولی با بافت تاریخی به دلیل ماهیت موضعی که دارند ممکن است در اثر سهل‌انگاری‌های مطالعاتی و عمده کردن وجه اقتصادی پروژه، نظم کارکردی شهری را برهم زنند و آشفتگی‌های موجود در سازمان فضایی شهر را تشدید کنند.

۳- نگرش ارگانستی (ارگانیکی)

انسان متفکر در طی قرون اخیر، به‌رغم حاکمیت مطلق تشنت‌گرایی، سعی و تمایل بر این داشته است تا تصورات خویش را از هستی در قالبی واحد

به صورت جهان‌شناسی کلی شکل دهد.

اندیشه‌های کل‌گرایانه در تاریخ فرهنگ‌های باستانی چین و هند و ایران و یونان ریشه‌های عمیقی دارند. نیروهای نظام‌آفرین طبیعت که در مکتب رواقی در بطن هستی جای داشتند، در مکتب نوافلاطونی در ورای جهان محسوس تصور شده‌اند. به گفته دیگر، در مکتب کل‌گرای نوافلاطونی، وحدت وجود رواقیون به پیشی از جهان به عنوان موجودیتی قانونمند که نظام آن را قوایی خارج از طبیعت تأمین می‌کرده‌اند مبدل شده است. گیتی در نظر حکمای قدیم، ارگانیسمی کلی بوده و اجزای گیتی نیز خود ارگانیسم‌هایی کوچک به‌شمار می‌آمده‌اند که از هر لحاظ ما به ازایی از جهان بزرگ بوده‌اند. رویکردهای کل‌بینانه و ارگانیستی که در فرهنگ‌های چین و هند و ایران و یونان باستان اساس جهان‌بینی‌ها را تشکیل می‌داد، در طی قرون پانزدهم تا نوزدهم در بوته فراموشی قرار گرفت.

تنها در اوایل قرن بیستم بود که کمبودهای ینش مکانیستی در مسائل زیستی آشکار شد و پس از مدتی تدریجاً مکتب ارگانیستی بر نگرش‌های مکانیکی تسلط یافت.

شیوه تفکر ارگانیستی، بر مفاهیم جدیدی چون کلیت، نظام، سلسله مراتب و پویایی پدیده‌های زیستی تأکید فراوان دارد. از این نظر گاه، موجود زنده، در واقع ارگانیسمی کلی است که بسیاری از صفات آن نه از جمع خواص اجزا بلکه از تمامیت و کلیت آن ناشی می‌شود. موجود زنده، سیستمی متعالی است و می‌تواند نظام خودش را به‌رغم عوامل آنتروپی افزا محفوظ دارد و با تبادلات ماده و انرژی و اطلاعات با محیط خارج، از گرایش به بی‌نظمی و انهدام جلوگیری کند (۲۱).

صیانت موزه‌ای ناتوان از مقابله با تخریب‌های اجتماعی، فرهنگی و کالبدی ناشی از سیاست‌های پاکسازی، طرح‌های تفصیلی توسعه مجدد، طرح‌های راه‌سازی و نظایر اینهاست و همواره در معرض تهدید مرزهای توسعه است

عصر سیستم‌ها

نگرش ارگانیستی زیربنای جهان‌بینی سیستمی را به عنوان نوعی جهان‌بینی وحدت‌بخش فراهم کرده است. عصر سیستم‌ها حاصل پیشی جدید، رسالتی جدید و روشی جدید است. عصر سیستم‌ها با ظرافت ویژه‌ای از عصر ماشین زاینده می‌شود. عصر ماشین خود نوعی تز است و معنا و کاربرد آن تنها زمانی روشن می‌شود که آنتی‌تز آن کاملاً شکل گرفته و بسط یافته باشد. عصر سیستم‌ها، سنتز عصر ماشین و آنتی‌تز آن است، که هنوز رو به سوی شدن دارد.

جنگ جهانی دانش و دانشمندان را از آزمایشگاه به «دنیای واقعی» آورد تا به مسائل پراهمیت سازمان‌های بزرگ و پیچیده بپردازند. دانشمندان کشف کردند که مسائل موجود را نمی‌توان به نحوی تجزیه کرد که هر یک از اجزای آن کاملاً به رشته‌ای تخصصی مربوط شود.

در دهه ۱۹۵۰، فعالیت‌های علمی میان رشته‌ای کثرت فراوانی یافت. در اواسط این دهه عموماً روشن شد که منبع مشابهت‌های میان رشته‌ها،



تصویر ۴- جزئیات اجرایی مصالح بوم آورد که از زیبایی شناسی محلی اقتباس شده است

اشتغال آنها به رفتار سیستم‌ها بود. این مفهوم به تدریج به عنوان روشی که با آن می‌توان مجموعه‌های مختلف و افزایش یابنده فعالیت‌های علمی را سازمان داد، شناخته شد. این دوران در حال ظهور را عصر سیستم‌ها نامیده‌اند (۲۲).

نهضت سیستمی بر آن است تا میان جهان بینی‌های مختلف و شیوه‌های گوناگون اندیشه درباره هستی ارتباط و وصلت پدید آورد و شعب معرفت را از قید جدایی و پراکندگی که بدان دچار شده‌اند برهاند و مقدمات وحدت در معرفت انسانی را فراهم سازد.

ماهیت سیستم‌ها

سیستم مجموعه‌ای از دو یا چند جزء است که این سه شرط را داشته باشد (۲۳):

- ۱- رفتار هر جزء، بر رفتار کل تأثیر دارد.
- ۲- رفتار اجزا و تأثیر آنها بر کل، به هم وابسته‌اند.
- ۳- بدون توجه به نحوه تشکیل گروه‌های فرعی، هر کدام از گروه‌های فرعی، بر رفتار کل تأثیر دارند، و تأثیر هیچ کدام از آنها مستقل نیست. اجزای هر سیستم چنان به هم متصل‌اند که گروه‌های فرعی مستقل در آنها شکل نمی‌گیرد. بنابراین، سیستم کلیتی است که نمی‌توان آن را به اجزای مستقل از هم تفکیک کرد. از این امر، دو خاصیت مهم دیگر به دست می‌آید:

۱- هر بخش از سیستم دارای خواصی است که اگر از سیستم جدا شود، از دست می‌روند.

۲- هر سیستم خواصی - ضروری - دارد که هیچ کدام از بخش‌ها آن را ندارند (هیچ کدام از اجزای انسان، خود انسان نیست بلکه فقط کل آن انسان است). خاصیت‌های لازم هر سیستم به عنوان کل، از تأثیر متقابل اجزای آن ناشی می‌شود و نه از فعالیت‌های جداگانه اجزا. بنابراین، وقتی که سیستمی به اجزا تفکیک می‌شود، خاصیت‌های ضروری خود را از دست می‌دهد. به این دلیل، سیستم در واقع کلیتی است که شناخت آن با تحلیل امکان‌پذیر نیست. انسان و جوامع انسانی، از نظر گاه‌های جدید، سیستم‌هایی باز هستند که همانند سایر سیستم‌های متعالی دارای خواصی چون سلسله مراتب، نظام، قانونمندی و پویایی‌اند.

تغییر و پویای انسان‌ها و جوامع انسانی تصادفی نیست بلکه هر گونه تحولی در آن سیستم‌ها نتیجه نیاز سیستم به تطبیق با جهان خارج و بقای سیستم است. یک ارگانیسم صرفاً مجموع عناصر جداگانه نیست بلکه سیستمی است که نظام و کلیت دارد.

به اعتقاد برتالنی (بنیانگذار اصلی مکتب ارگانیسمی و واضع نظریه عمومی سیستم‌ها با رویکرد ارگانیسمی) (۲۴) اصول ترمودینامیک کلاسیک را که برای سیستم‌های بسته صادق‌اند، نمی‌توان مستقیماً در مورد ارگانیسم‌های زنده، که به عقیده وی سیستم‌هایی باز هستند، به کار برد.

مسائل زیستی عموماً سیستم‌هایی با متغیرهای بسیار زیاد هستند. که حذف و ادغام آنها ممکن نیست. سیستم‌های زنده، برخلاف مکانیسم‌ها، مجموعه‌های نظام‌دار پیچیده‌ای هستند که تبدیل آنها به سیستم‌های مکانیستی باعث انهدام بسیاری از صفات مشخصه‌شان می‌شود. رفتار سیستم‌های زنده را نمی‌توان با روابط یک بعدی علت و معلولی تبیین کرد. در این گونه سیستم‌ها، تعامل میان متغیرها و عناصر بسیار قوی است و ساده‌سازی‌هایی نظیر آنچه که در علوم کلاسیک به عمل می‌آمده در این قبیل مسائل ممکن نیست. همان‌طور که تحلیل یا تفکیک چیزها جوهر تفکر عصر ماشین بود، سنتز یا ترکیب چیزها جوهر تفکر سیستمی است. تفکر سیستمی ترتیب سه مرحله‌ای شناخت پدیده‌ها در عصر ماشین را معکوس می‌کند.

در رویکرد سیستمی نیز سه مرحله وجود دارد (۲۵):

۱- تعیین مجموعه یا سیستمی فراگیر، به نحوی که آنچه باید تشریح شود، بخشی از آن باشد.

۲- تشریح رفتار یا خواص مجموعه فراگیر.

۳- تشریح رفتار یا خواص پدیده مورد نظر، بر حسب نقش‌ها یا وظیفه‌های آن در مجموعه فراگیر. در این ترتیب، تلفیق بر تحلیل مقدم است.

تفکر عصر ماشین، تنها با تعامل اجزای پدیده سروکار داشت؛ و تفکر سیستمی نیز همین اشتغال را دارد، ولی علاوه بر آن به ارتباط‌های متقابل پدیده با پدیده‌های دیگر در محیط، و به خود محیط نیز می‌پردازد.

مفهوم «سازمان فضایی» ما به ازای قابل اعتمادی از نگرش ارگانیستی به شهر در اختیار می‌گذارد. تمام ویژگی‌های یک سیستم در سازمان فضایی شهر تناظر یک به یک مفهوم می‌و در عرصه حیات کالبدی-اجتماعی شهری معادل عینی می‌یابند (۲۶). احیای پایدار بافت‌های تاریخی از طریق تعیین نقش آنها در سازمان فضایی کلیت شهری جایگاه معنادار و قابل دفاعی پیدا می‌کند.

ویژگی‌های معرف سازمان فضایی شهر نشان‌دهنده جایگاه ویژه کل‌های کوچک‌تر و عناصر ساختاری در کلیت

شهری است. لذا پرداخت به مفهوم احیای بافت‌های تاریخی می‌تواند با توجه ویژه به مفاهیم یاد شده همراه شود، چرا که بافت‌های تاریخی عموماً محل پیدایش و انشای ساختار شهری‌اند و خود آنها نیز در قالب کلیتی که دارای ویژگی‌هایی است، به مرکزیت فیزیکی-ذهنی قلمرو شهری شکل داده‌اند. با اعمال نگرش ارگانیستی از طریق تبیین نقش بافت‌های تاریخی در سازمان فضایی شهر این بافت‌ها از حالت زون بسته تاریخی (سیستم بسته) خارج می‌شوند و از طریق تبیین درست و ساماندهی ارتباط‌شان با قسمت‌های جدید شهر به جایگاه والای ساختاری خود در شهر دست پیدا می‌کنند.

در این زمینه اتصال بین دو بخش بافت بایستی به آرامی، با ظرافت و تدریجی انجام گیرد، تا شهر دچار مشکلات عملکردی از نظر آلوده‌شدن و خدمات رسانی و دسترسی به مراکز خدماتی در سطوح مختلف نگردد. به این ترتیب، احساس دوگانگی نیز در شهر به وجود نخواهد آمد و یادست کم این حالت دوگانگی تضعیف خواهد شد. اما اگر اتصال ضعیف باشد، همین ضعف اتصال، شکنندگی روانی و عملکردی را به وجود می‌آورد، که خود متعاقباً به تشدید دوگانگی و جدایی دو بخش بافت می‌انجامد (۲۷).

**برخوردهای سلولی با بافت
تاریخی به دلیل ماهیت
موضعی که دارند ممکن
است در اثر
سهل‌انگاری‌های مطالعاتی و
عمده‌کردن وجه اقتصادی
پروژه، نظم کارکردی شهری
را برهم زنند و آشفتگی‌های
موجود در سازمان فضایی
شهر را تشدید کنند**

با نگرش سازمانی ظرفیت‌ها و نیز اولویت‌های اقدامات احیای بافت‌های تاریخی مشخص می‌شوند و خلاقیت‌های راهبردی امکان‌بروز می‌یابند. برخورد با مراکز ارزشمند تاریخی و بافت‌های قدیمی باید با توان سنجی بافت مورد نظر صورت گیرد؛ یعنی فارغ از اقدامات اراده‌گرایانه، توان نهفته در بافت نیز می‌بایست به درستی و درایت ارزیابی شود و ضمن مشخص کردن نقش سازمانی بافت در قلمرو شهری به اتخاذ شیوه‌های متناسب احیاء همت گماشته شود.

بهسازی، نوسازی، تجدید حیات و روانبخشی بافت قدیمی بایستی متضمن پیوند حیات گذشته و امروز شهر گردد و سمت و سوی توسعه‌های آینده آن را نیز تعیین کند (۲۸).

در احیای بافت‌های تاریخی می‌بایست موضعی عمل کرد و از اقدامات گسترده که الزامات مالی، اجرایی، حقوقی و حتی مدیریتی گسترده‌ای می‌طلبد پرهیز کرد (۲۹).

اقدامات بیشتر باید مرمت بافت را مورد توجه قرار دهد، نه مداخله گسترده را. مرمت باید از طریق برگزیدن درست کانون‌های مداخله صورت پذیرد. تا این کانون‌ها در پیرامون خود سبب توسعه گردند.

برای مثال، در پاریس طی دو دهه اخیر، پروژه‌هایی برای نقاط معینی به عنوان پروژه‌های برانگیزاننده توسعه، تهیه و اجرا شدند. این پروژه‌ها به صورت نقطه‌ای و موضعی به اجرا درآمدند. بعداً این پروژه‌ها در پیرامون خود سبب توسعه شدند و به تدریج و در طی زمان، شاید حدود ده سال، با مشارکت مردم هاله وسیعی پیرامون نقاط انتخاب شده، احیا و تجدید حیات شد (۳۰).

بافت تاریخی در ذات خود هماهنگ است؛ چون به صورت ارگانیک و در طول زمان شکل گرفته است. در ارتقای کیفیت شهرهای تاریخی امروز، ضرورت ترکیب نیازمندی‌های شهری در توسعه‌ای ارگانیک در درون کالبد قدیم و جدید مطرح است. بازشناسی ارزش‌های میراث تاریخی باید نقطه حرکتی برای شهرهای امروز باشد، به طوری که بتوان به هسته‌های تاریخی و بخش جدید شهر از طریق روش واحد و یکپارچه کیفیتی نو بخشید. از نظر تاریخی تا دوره قاجار، ساختار فرهنگی و اجتماعی ما - و به تبع آن ساختار شهرنشینی ما - ساختاری سنتی بود. شهرهای سنتی در تمام فرهنگ‌ها و تمدن‌ها ساختاری سیستمی به مفهوم امروزی داشته‌اند. طبق این نگرش، کل سیستم را باید با هم دید و تفکیک اجزای آن برای واری و اتخاذ تدابیر مقتضی مجاز نیست.

با تغییر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی، و غلبه نگرش مدرن، شهرنشینی و شهرسازی دچار تغییرات عمده‌ای شد. دیدگاه سنتی، نگرشی کل‌گرا، قیاسی و ترکیبی است که امروزه با نظریه سیستم‌ها تبیین می‌گردد؛ ولی دیدگاه مدرن جزء نگر، استقرایی و تحلیلی است (۳۱).

«مرمت شهری با هدف توسعه پایدار» (۳۲) قرابت فراوانی با احیای بافت‌های تاریخی به شیوه ارگانیکی دارد. ویژگی‌های اصلی مرمت شهری در این شیوه عبارتند از:

- نگهداشت پیکره‌های کالبدی بناها؛
- یکسان‌سازی شرایط شهر زیستی؛
- ادغام مجدد مراکز و بافت‌های قدیمی شهری در محیط؛



تصویر ۵- بازار میوه که به منظور پاسخگویی به نیازهای کارکردی بافت مرکزی شهر موستار ایجاد شده است

- مشارکت دادن شهروندان در مرمت شهری؛ و

- طرح موضوع بهسازی شهری در محافل چند رشته‌ای.

شهر کلیتی واحدی است که تحت شرایط کلی خود رشد می‌کند و این ویژگی نه تنها در بزرگ‌ترین مقایس، بلکه در هر یک از جزئیات آن نیز احساس می‌شود و بدین ترتیب کلیت رشد یابنده‌ای، دارای کنترلی از درون می‌شود (۳۳).

هر میزان کار ساخت و ساز در شهر رشد یابنده، باید چنان طراحی شود که کلیت را در تمامی سطوح حفظ کند؛ از بزرگ‌ترین سطح فضای عمومی و کلیت‌های واسطی در مقیاس ساختمان‌های جداگانه گرفته، تا کوچک‌ترین کلیت‌هایی که در جزئیات بنا پدید می‌آیند.

در این نگرش، خلق نظامی برای آفرینش فعالانه کلیت شهری بیشتر جنبه برنامه‌ای و مدیریتی دارد.

سعی بر این است که کلیه تحولات تکوینی یا فرایندهای محقق شهری به سمت و سوی متصور (ناشی از اهداف برنامه‌ای - کالبدی) هدایت شوند. از کارهای جزئی گرفته تا کلی، بایستی چنین فرایندی (خلق کلیت) مدنظر قرار گیرد.

در نگرش ارگانیک بایستی ارزش‌های تاریخی و معماری، به عنوان بخشی از ارزش‌های کلی حیات شهری، در تعامل زنده با شهر و شهروندان در نظر گرفته شود و حفاظت فیزیکی با حفاظت اجتماعی و علاقه عمومی توأم گردد.

هر چند گذر زمان و حیات تاریخی به بناها و فضاها ارزش می‌بخشد (فاصله‌گذاری سارتری) (۳۴) ولی زندگی و حیات روزمره مردم شهر نیز پراهمیت است و با تولید ارزش‌های ویژه خود می‌تواند پیوند گذشته و آینده را تضمین کند و از گسست‌های تاریخی جلوگیری به عمل آورد. به همین دلیل، از دیدگاه شهرسازی، حفظ ارزش‌های تاریخی - فرهنگی فقط به معنای حفظ بناها و یادبودهای قدیمی نیست، بلکه با گسترش روح آنها در کالبد بافت‌های جدید همراه است (۳۵).

ارزش‌های تاریخی و قدیمی، بخش معینی از ارزش‌های عمومی هر شهر را تشکیل می‌دهد و در نظر گرفتن ویژگی‌های مهم‌تر دیگری که استمرار حیات شهری مستلزم توجه عمیق به آنهاست، راهکارهای واقع‌گرایانه‌ای را در بر خورد با آثار تاریخی پیش رو می‌نهد.

طراحی و برنامه‌ریزی شهری معاصر - یاسامدرن - بر اهمیت زمینه‌های محلی طرح از طریق تداوم مشخصه‌های محلی و نیز بافت تاریخی والگویی معابر تأکید می‌ورزد.

به گفته رابینز (۳۶)، «حسی عمیق در این زمینه وجود دارد که شهرسازی مدرن، با جهان‌گرایی و نیز گرایش‌های انتزاعی همراه بود، در حالی که پسامدرن‌گرایی با برانگیختن حس مکان، ارزیابی مجدد و احیای آنچه دارای ارزش محلی و ویژه است سروکار می‌یابد.»

یکی از ابعاد این موضوع توجه به مناطق شهری، یا در معنای تخصصی‌تر بریتانیایی اش، «دهکده‌های شهری» (۳۷) است، که معادل مفهوم محله در

شهرسازی ایرانی است.

احیای ابنیه ارزشمند تاریخی به تنهایی به تقویت سازمان فضایی و سیمای شهر کمک می‌کند ولی چنانچه حیات بخشی به آثار تاریخی با توجه به زمینه‌های محیطی و تلفیق کالبدی-کارکردی آنها با بافت زمینه صورت پذیرد، تأثیرات مرمتی مقیاس کلی تری به خود می‌گیرد و ساماندهی و قوام بخشی به سازمان فضایی کلیت شهری را مورد هدف قرار می‌دهد.

برخوردهای ارگانیکی با تئوری‌های جدید ساماندهی‌های شهری همخوان است و در مرحله‌ای عمیق‌تر از زیبایی‌شناسی و انتظام شهرسازی باروکی (فرا تر از ارتباطات بصری نظم آفرین) این کنش‌ها در بستری از کارکردهای حیاتی شهری، معنی پیدا می‌کنند.

این گرایش در برابر نگره‌های کارکردی و واقع‌گرایی‌های سفت و سخت که اهمیتی برای مباحث معمول زیبایی‌شناختی قائل نیستند، ما به ازای موجه بنیادینی ارائه می‌کند و با ایجاد تباین‌های مختلف فضایی، زمینه قوام بافته‌ای برای برقراری نظام زیبایی‌آفرین از طریق نشانه‌های شهری در اختیار می‌گذارد. اعتقاد به کل‌های کوچک‌تر (یا مجموعه‌های نیمه مستقل شهری) گریز از اعمال شیوه‌های یکنواخت ساماندهی‌های شهری را تا حدودی تضمین می‌کند. در این شیوه اجرای هر پروژه کوچک شهری نیازمند شناخت و بررسی اجمالی سازمان فضایی قلمرو بلاواسطه در وهله نخست و قلمروهای بزرگ‌تر، و در نهایت کلیت شهری در مراحل بعدی خواهد بود.

یکی از نمونه‌های موفق احیای بافت تاریخی به روش ارگانیک، در بخش قدیمی شهر موستار (Mostar) صورت گرفته و تا سال ۱۹۷۸ بخش عمده‌ای از آن تکمیل شده است (۳۸).

موستار یکی از شهرهای جمهوری بوسنی و هرزگوین (یوگسلاوی سابق) بوده، که در فاصله ۵۶ کیلومتری از دریای آدریاتیک قرار گرفته است و رودخانه نرتووا (Neretva) آن را به دو بخش تقسیم می‌کند.

جمعیت این شهر در زمان تکمیل پروژه حدود ۸۵/۰۰۰ نفر بوده است. مرکز تجاری و پل معروف شهر ۵۰۰ سال پیش در دوره عثمانی‌ها بنا شده و بستری برای توسعه‌های آتی شهر فراهم آورده است.

مرکز و بخش‌های مهمی از عناصر ساختاری این شهر جوابگوی تحولات کارکردی نبوده و به لحاظ کالبدی نیز رو به فرسودگی و انهدام بوده است. لذا در اتفاق نظر منحصر به فردی که میان نهادهای مختلف تصمیم‌گیری و مشارکت مردمی صورت گرفته، احیای بافت تاریخی مرکزی موستار به تجربه‌ای یگانه تبدیل شده است.

در جریان احیای بخش‌های یاد شده، ضمن بازسازی و بهسازی کالبدی، قابلیت‌های کارکردی مجموعه نیز توسعه یافته است. تغییرات کاربری عناصر مهم ساختاری که در طی زمان حادث شده بود، مطابق نقش فعلی آنها در ساختار بافت مرکزی اصلاح گردید. در موارد دیگر نیز باززنده‌سازی، غیر از جنبه‌های ظاهری به ویژگی‌های کارکردی و عناصر و نقش آنها در ساختار جدید شهری نیز معطوف شد. به کارگیری مصالح محلی با رنگ متمایز، در کنار مباحث اقلیمی، فرهنگی و اقتصادی در کنار حفظ وحدت و یکپارچگی بافت شهری، بخشی از سیر تحول شهر را نیز بازگو می‌کند.

احیای مرکز تاریخی موستار مبتنی بر علائق عموم مردم و مشارکت جدی آنها بوده و در جلب اقبال توریست‌ها نیز توفیق داشته است.

در بخش های مختلف بناهای مرمت شده، به کارگیری جزئیات استفاده از مصالحی نظیر سنگ و چوب مبتنی بر زیبایی شناسی معماری محلی بوده است (تصاویر ۵-۱).

شهر، شماره ۱، پاییز ۱۳۷۹، صص ۸۴-۸۳.
 ۲۱- فرشاد، مهدی، نگارش سیستمی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲.
 ۲۲- ایکاف، راسل، برنامه ریزی تعاملی، ترجمه سهراب خلیلی شوری، کتاب ماد، نشر مرکز، ۱۳۸۰.
 ۲۳- همان منبع.
 ۲۴- فرشاد، مهدی، نگارش سیستمی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲.
 ۲۵- ایکاف، راسل، برنامه ریزی تعاملی، ترجمه سهراب خلیلی شوری، کتاب ماد، نشر مرکز، ۱۳۸۰.
 ۲۶- منصوری، سیدامیر، سازمان فضایی شهر (در دست انتشار).
 ۲۷- رضازاده، راضیه و مصطفی عباس زادگان، «نگاهی به طرح حفظ و احیاء و بازسازی بافت تاریخی سمنان»، فصلنامه هفت شهر، شماره ۴، تابستان و پاییز ۱۳۸۰.
 ۲۸- یکن، ادموند، طراحی شهرها، ترجمه فرزانه طاهری، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران، ۱۳۷۶.
 ۲۹- برگ پور، ناصر، شهر قدیمی، زندگی امروزی، گفت و گو با فرخ زوزی، ماهنامه «شهرداریا»، شماره ۷، آذر ماه ۱۳۷۸.
 ۳۰- همان منبع.
 ۳۱- برگ پور، ناصر، سنت و تجدید در شهرسازی، گفتگو با لادن اعتضادی، ماهنامه «شهرداریا»، شماره ۲۴، اردیبهشت ۱۳۸۰، صص ۲۵-۲۲.
 ۳۲- فلاسکی، محمد منصور، «مرمت شهری»، فصلنامه هفت شهر، شماره ۱، پاییز ۱۳۷۹، صص ۸۱-۸۲.
 ۳۳- کریستوفر، الکساندر و همکاران، تئوری جدید طراحی شهری، مهندسان مشاور طاش، پاییز ۱۳۷۳.
 ۳۴- ترولو، فرانسا، سینما به روایت هیچکاک، ترجمه پروین دولی، انتشارات سروش، ۱۳۶۵.
 ۳۵- مهدی زاده، جواد، نظری اجمالی به سامانه های مرکز شهر تهران، فصلنامه هفت شهر، شماره ۳، بهار ۱۳۸۰، صص ۶۳.
 ۳۶- تیزدل، استیون و تیراک و تیم هیث، «مجله های تاریخی، ترجمه حمید خادمی، فصلنامه هفت شهر، شماره ۱، پاییز ۱۳۷۹، صص ۹.
 ۳۷- همان منبع، صص ۱۱.
 38- Serageldin, Ismail, Spacia for Freedom, 1986, Pages 103-117.

منابع:
 ۱- غریباهی، زهرا، «سابقه نوسازی و بهسازی بافت قدیم شهری در ایران و اروپا»، ماهنامه «شهرداریا»، شماره ۴۹، خرداد ۱۳۸۲، صص ۱۸.
 ۲- رضا زاده، ریحانه، شهری در حصار، گفت و گو، ماهنامه «شهرداریا»، شماره ۱۸، آبان ۱۳۷۹.
 ۳- نیجه، فردریش ویلهلم، چنین گفت زرتشت، ترجمه فارپوش آشوری، انتشارات آگاه، تهران ۱۳۷۸.
 ۴- تیزدل، استیون Steven Tiesdell و تیراک و تیم هیث (Tim Heath)، «مجله های تاریخی شهری»، ترجمه حمید خادمی، فصلنامه هفت شهر، شماره ۱، پاییز ۱۳۷۹، صص ۵۳.
 ۵- فرشاد، مهدی، نگارش سیستمی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲.
 ۶- ایکاف، راسل، برنامه ریزی تعاملی، ترجمه سهراب خلیلی شوری، کتاب ماد، نشر مرکز، ۱۳۸۰.
 ۷- وولن، پیترو، نشانه ها و معنا در سینما، ترجمه عبدالله تربیت و بهمن طاهری، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۷۶.
 ۸- فلاسکی، محمد منصور، «مرمت شهری»، فصلنامه هفت شهر، شماره ۱، پاییز ۱۳۷۹، صص ۸۲-۸۱.
 ۹- برگ پور، ناصر، سنت و تجدید در شهرسازی، گفت و گو با لادن اعتضادی، ماهنامه «شهرداریا»، شماره ۲۴، اردیبهشت ۱۳۸۰، صص ۲۴ و ۲۵.
 ۱۰- منصوری، سیدامیر، سازمان فضایی شهر (در دست انتشار).
 ۱۱- رضازاده، راضیه و مصطفی عباس زادگان، «نگاهی به طرح حفظ و احیاء و بازسازی بافت تاریخی سمنان»، فصلنامه هفت شهر، شماره ۴، تابستان و پاییز ۱۳۸۰.
 ۱۲- یکن، ادموند، طراحی شهرها، ترجمه فرزانه طاهری، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران، ۱۳۷۶.
 ۱۳- برگ پور، ناصر، شهر قدیمی، زندگی امروزی، گفت و گو با فرخ زوزی، ماهنامه «شهرداریا»، شماره ۷، آذر ماه ۱۳۷۸.
 ۱۴- کریستوفر، الکساندر و همکاران، تئوری جدید طراحی شهری، مهندسان مشاور طاش، پاییز ۱۳۷۳.
 ۱۵- ترولو، فرانسا، سینما به روایت هیچکاک، ترجمه پروین دولی، انتشارات سروش، ۱۳۶۵.
 ۱۶- مهدی زاده، جواد، نظری اجمالی به سامانه های مرکز شهر تهران، فصلنامه هفت شهر، شماره ۳، بهار ۱۳۸۰، صص ۶۳.
 ۱۷- تیزدل، استیون و تیراک و تیم هیث، «مجله های تاریخی، ترجمه حمید خادمی، فصلنامه هفت شهر، شماره ۱، پاییز ۱۳۷۹، صص ۸۳.
 ۱۸- همان منبع.
 ۱۹- برگ پور، ناصر، سنت و تجدید در شهرسازی، گفت و گو با لادن اعتضادی، ماهنامه «شهرداریا»، شماره ۲۴، اردیبهشت ۱۳۸۰، صص ۲۴.
 ۲۰- همان منبع، صص ۲۵.
 ۲۱- فلاسکی، محمد منصور، «مرمت شهری»، فصلنامه هفت

Ismael ; Spacia for Freedom, 1986, P.P. 103-117, v Serageldin .
 پاتوش:
 ۱- غریباهی، زهرا، «سابقه نوسازی و بهسازی بافت قدیم شهری در ایران و اروپا»، ماهنامه «شهرداریا»، شماره ۴۹، خرداد ۱۳۸۲، صص ۱۸.
 ۲- رضا زاده، ریحانه، شهری در حصار، گفت و گو، ماهنامه «شهرداریا»، شماره ۱۸، آبان ۱۳۷۹.
 ۳- نیجه، فردریش ویلهلم، چنین گفت زرتشت، ترجمه فارپوش آشوری، انتشارات آگاه، تهران ۱۳۷۸.
 ۴- تیزدل، استیون Steven Tiesdell و تیراک و تیم هیث (Tim Heath)، «مجله های تاریخی شهری»، ترجمه حمید خادمی، فصلنامه هفت شهر، شماره ۱، پاییز ۱۳۷۹، صص ۵۳.
 ۵- فرشاد، مهدی، نگارش سیستمی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲.
 ۶- ایکاف، راسل، برنامه ریزی تعاملی، ترجمه سهراب خلیلی شوری، کتاب ماد، نشر مرکز، ۱۳۸۰.
 ۷- وولن، پیترو، نشانه ها و معنا در سینما، ترجمه عبدالله تربیت و بهمن طاهری، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۷۶.
 ۸- فلاسکی، محمد منصور، «مرمت شهری»، فصلنامه هفت شهر، شماره ۱، پاییز ۱۳۷۹، صص ۸۲-۸۱.
 ۹- برگ پور، ناصر، سنت و تجدید در شهرسازی، گفت و گو با لادن اعتضادی، ماهنامه «شهرداریا»، شماره ۲۴، اردیبهشت ۱۳۸۰، صص ۲۴ و ۲۵.
 ۱۰- منصوری، سیدامیر، سازمان فضایی شهر (در دست انتشار).
 ۱۱- رضازاده، راضیه و مصطفی عباس زادگان، «نگاهی به طرح حفظ و احیاء و بازسازی بافت تاریخی سمنان»، فصلنامه هفت شهر، شماره ۴، تابستان و پاییز ۱۳۸۰.
 ۱۲- یکن، ادموند، طراحی شهرها، ترجمه فرزانه طاهری، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران، ۱۳۷۶.
 ۱۳- برگ پور، ناصر، شهر قدیمی، زندگی امروزی، گفت و گو با فرخ زوزی، ماهنامه «شهرداریا»، شماره ۷، آذر ماه ۱۳۷۸.
 ۱۴- کریستوفر، الکساندر و همکاران، تئوری جدید طراحی شهری، مهندسان مشاور طاش، پاییز ۱۳۷۳.
 ۱۵- ترولو، فرانسا، سینما به روایت هیچکاک، ترجمه پروین دولی، انتشارات سروش، ۱۳۶۵.
 ۱۶- مهدی زاده، جواد، نظری اجمالی به سامانه های مرکز شهر تهران، فصلنامه هفت شهر، شماره ۳، بهار ۱۳۸۰، صص ۶۳.



خدمات شهری در بافت‌های تاریخی شهرها

وحید حیدر نتاج
کارشناس ارشد معماری

مقدمه

با پیشرفت همه‌جانبه انسان‌ها و مدرن شدن زندگی بشر، نحوه معیشت و شیوه‌های زیست دگرگون شده است. زندگی سنتی ابزاری خاص خود را می‌طلبیده و فضاها و فضاهای شهری و کالبد‌های آن بر اساس آنها شکل می‌گرفته است؛ ولی با پیشرفت، افزایش سطح رفاه و پدید آمدن نیازهای جدید، شغل‌های نو و ابزار مدرن در خدمت بشر، فضاها و بناهای سنتی دیگر پاسخگو نبوده‌اند و به همین خاطر این امر همراه با سایر معضلات و مشکلات دیگر سبب تخلیه بافت‌های قدیمی شهرها شده‌اند. بافت‌های جدید با شیوه‌ای کاملاً متضاد در خدمت وسیله‌ای تازه به نام اتومبیل درآمده‌اند. لزوم دسترسی اتومبیل به تمام نقاط بافت شهر و ارائه خدمات به شهروندان سبب طراحی و ایجاد خیابان‌هایی شد که بیشتر در خدمت این وسیله بودند تا در خدمت پیاده‌ها. در این مقاله مشکلات بافت‌های تاریخی از این نظر بررسی می‌شود و رویکردهای گوناگون در این زمینه بیان می‌گردند و در خاتمه راهبردها و سیاست‌های ساماندهی و احیای بافت ارائه می‌گردد.

معضل خدمات‌رسانی در بافت قدیم

بافت‌های کهن شهری جز ارزش‌های مثبت تاریخی - هویتی برای شهر، دارای ویژگی‌های منفی بسیاری نیز هستند، که از آن جمله است:

بافت های کهن شهری
جز ارزش های مثبت
تاریخی - هویتی برای
شهر، دارای ویژگی های
منفی بسیاری نیز هستند

الف - قابل استفاده نبودن کالبد بافت و سیمای آشفته شهری؛

ب - نبود راه های ارتباطی مناسب و دسترسی های لازم برای ماشین؛

ج - بهره مند نبودن از تأسیسات و تجهیزات شهری مناسب؛ و

د - آشفته گی در ساخت اجتماعی و فرهنگی اکثریت ساکن در آنها.

به طور خلاصه می توان انواع مشکلات بافت قدیم را که سبب تخلیه بافت شده اند، این گونه برشمرد (۱):

۱- افزایش جمعیت، رشد بی رویه افقی شهر و بی توجهی دولت به بافت قدیم.

۲- ناهماهنگی مقیاس و ظرفیت کالبد و فضاهای بافت با الگوی زندگی امروز.

۳- عدم امکان دسترسی مناسب سواره و مشکلات خدمات رسانی به بافت.

۴- فرسودگی بافت به دلایل گوناگون که در ادامه به آنها اشاره می شود:

الف - فرسودگی کالبدی - سازه ای: این وضع، با قرار گرفتن بافت بنا در مسیر افت کیفیت ناشی از گذشت ایام، تأثیر آب و هوا، جابه جایی

زمین، ارتعاشات ناشی از رفت و آمد اتومبیل ها، یا نگهداری نامناسب و نامطلوب به وجود می آید. چنین بنایی به تعمیر و نگهداری نیازمند است.

ب - فرسودگی کارکردی: ممکن است بافت بنا برای کارکردی که به خاطرش طراحی شده است، یا برای استفاده جاری، مناسب نباشد. در

این بنا باید تسهیلات مدرن ایجاد گردد تا برای همان کاربری یا کاربری جدید مهیا شود. در بافت هم ممکن است فضای کافی برای توقف اتومبیل

در محل یا خیابان های پیرامون وجود نداشته باشد؛ یا به خاطر وجود خیابان های باریک یا ازدحام ترافیکی دسترسی به محل دشوار باشد. از این

روست که این گستره باید بتواند نیازهای امروزی ترافیک و دسترسی را تأمین کند.

ج - فرسودگی در تصویر ذهنی: در گذر زمان، با ایجاد تحول در محیط انسانی، اجتماعی، اقتصادی یا طبیعی، بافت بدون تغییر تاریخی در

نظر مردم امروز تناسب خود را با نیازهایی که در خدمت آن است از دست می دهد. این برداشت نوعی داوری ارزشی است و ممکن است در

واقعیت فاقد جوهره واقعی باشد.

د - فرسودگی قانونی و رسمی: این نوع فرسودگی به ابعاد کارکردی و کالبدی ربط پیدا می کند و مثلاً هنگامی روی می دهد که بنگاهی

عمومی، استانداردهای حداقلی را برای کارکرد تعیین کند. از این قرار است که رواج استانداردهای جدید بهداشت و ایمنی، آتش سوزی یا

مقررات ساختمانی ممکن است یک بنا را محکوم به فرسودگی کند.

هـ - فرسودگی مکانی: هنگامی که بنا ساخته می شود، مکان آن با توجه به دسترسی پذیری به سایر کاربری ها، بازارها و تأمین کنندگان نیازهای

آن، امکانات حمل و نقل و جز اینها انتخاب می شود؛ اما ممکن است مکان انتخاب شده در طول زمان و به دلیل فعالیت هایی که بنا با توجه به آنها

ساخته شده، فرسوده شود. فرسودگی مکانی در نتیجه بدون تغییر ماندن یک مکان خاص نسبت به تغییراتی روی می دهد که در الگوی وسیع

مکانی در مقیاس های گوناگون پدید می آیند. (۲)

از بین تمامی مشکلات و معضلات ذکر شده، ناهماهنگی بین فضاهای بافت قدیم و زندگی امروز که سبب عدم امکان خدمات رسانی مناسب

به بافت می‌شود، مهم‌ترین عامل تخلیه بافت هاست. بافت‌های مذکور فاقد آسایش و تجهیزات برطرف کردن نیازهای مادی و زیستی اولیه‌اند. از این رو ساکنان آنها تنها به برآورده ساختن نیازهای اولیه می‌پردازند و نسبت به زیبایی‌های بافت بی‌توجه می‌گردند. این در حالی است که همین بافت‌ها در زمان شکل‌گیری، علاوه بر زیبایی و تأمین آرامش روانی، آسایش مادی ساکنان خود را نیز تأمین کرده‌اند. بر اساس درجه‌بندی نیازهای انسانی به وسیله مازلو، انسان تا نیازهای مادی و اولیه معیشتی خود را مرتفع نکند، دیگر نیازهای روانی و زیبایی‌شناختی و حتی پرداختن به استحکام و احیای بنا را نیز نادیده می‌گیرد.

محدوده‌های قدیمی و تاریخی شهرها که اغلب دارای بافتی متراکم و خیابان‌ها و کوچه‌های پیچ‌درپیچ و باریک بودند و در زمان خود برای نیازهای دیگری طراحی شده و به درستی نیز پاسخگو بودند، نتوانستند خود را با شرایط جدید وفق دهند. در پی آن روز به روز این قسمت از بافت ارزشمند شهر مهجورتر شد و ساکنان آن به بافت‌های جدید رو آوردند. تخلیه بافت به ناهنجاری‌های دیگری نیز دامن زد و ساکنان اصیل بافت که ریشه دار و متعلق به بافت بودند، آنجا را ترک گفتند و ساکنان غیربومی و مهاجر به آن روی آوردند. عدم وابستگی ساکنان جدید به بافت و بی‌توجهی به آن، علاوه بر افزایش فرسودگی در بافت، دگرگونی‌های اجتماعی، ناهنجاری‌های اخلاقی و بزهکاری‌هایی را به ارمغان آورد و در نهایت عدم اتصال مناسب کالبدی و اجتماعی بین بافت قدیم و جدید به شکست بافت قدیم انجامید.

عدم دسترسی مناسب به همراه عوامل ذکر شده اطمینان سرمایه‌گذاری را در این بافت‌ها از بین می‌برد، منطقه از لحاظ اقتصادی تنزل شدیدی می‌کند، مزیت مکانی از بین می‌رود و سطح فعالیت‌های اقتصادی در بافت افول پیدا می‌کند؛ یا به عبارتی، بافت از لحاظ اقتصادی نیز فرسوده می‌شود و رغبت مردم و مسئولان در رسیدگی به آن کاهش می‌یابد.

با توجه به گفته‌ها و نظر به ارزش‌های زیبایی‌شناختی و هویتی و سایر ارزش‌های بافت تاریخی، لزوم احیا و باز زنده‌سازی آن بیش از پیش احساس می‌شود. بافت قدیمی تازمانی که با زندگی امروزی هماهنگ نگردد و نتواند نیازهای جدید را برآورده کند، قابل زیستن نیست. این واقعیت انکارناشدنی است و حال اگر با هر روشی به بازسازی و احیای بافت پرداخته شود، منجر به شکست می‌گردد. حضور انسان در محیط و استفاده بهینه و مناسب روز از فضاها و کالدها، تنها راهی است که بافت را احیا می‌کند.



تصویر شماره ۱- تراکم بافت در اطراف مسجد جامع بزد خدمات‌رسانی به این ناحیه را دچار مشکل کرده و بافت در حال تخریب است.

رویکرد جهانی

شهرهای پیش از دوران صنعتی و بافت‌های قدیمی، مرکزی برای ارائه خدمات کشاورزی بودند و این در واقع عملکرد اصلی به شمار می‌آمد. ساختار شهر هم هیچ مشکلی برای این گونه خدمات نداشت. شهر صنعتی تحت سلطه بخش‌های فرعی (ثانوی) و خدمات مربوط به آنها قرار داشت و ساختارش نیز ناشی از همان بود. لذا تمرکز یک نسل بر نیازهای تقریباً در هم کوبنده برای خانه‌سازی جدید و زیرساخت‌های تازه، به گسستی ناگهانی در تحول چندصدساله بافت کالبدی شهرها منجر شد. گذشته و ارزش‌های آن نیز به خاطر دنیایی تازه و باشکوه که خلق آن با تهدید به نابودی تمام آثار دستاوردهای معماری پیشین توأم بود، بدین ترتیب به دور انداخته شد.

در محله‌های تاریخی شهری، چشم انداز کالبدی که متناسب با ضروریات یک دوران تاریخی طراحی شده بود، ناگزیر بود با ضروریات دوران دیگری تطبیق یابد. تغییر سریع این روند سبب تصمیم‌گیری‌های عجولانه

شد و با نادیده گرفتن بافت ارگانیک، ارزش‌های بسیاری از بین رفت. در بافت‌های جدید، توجه بیش از اندازه به مالکیت بی‌چون و چرای اتومبیل و نادیده گرفتن عنصر اصلی شهر یعنی شهروندان و انسان‌ها به عنوان یک سرطیف، و در بافت‌های قدیمی عدم امکان دسترسی ماشین و مالکیت صرف پیاده در سر دیگر طیف، هر دو سبب بروز مشکلات فراوانی در مجموعه شهری شده است.

بافت‌های تاریخی شهرها برای راهیابی اتومبیل به درون آنها مثله و نابود گردیدند و ارائه طرح‌های بازسازی جامع در مقیاس گسترده و جاده‌سازی وسیع، هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی بزرگی را به جوامع شهری تحمیل کرد. فضاهای پیاده و ارزش‌های فضایی بافت‌های قدیمی در این میان مورد بی‌مهری و غفلت قرار گرفت. در پی این روند بافت‌های تاریخی یا به طور کامل در اثر هجوم جاده‌ها و خیابان‌های تازه احداث از بین رفتند، یا همچنان همان مشکل سابق را در خود داشتند و مشکلات جدید اجتماعی نیز به آنها افزوده شد. جاده‌سازی‌های عمده برای تسخیر هر چه بیشتر شهر به وسیله اتومبیل دامنه نفوذ خود را به بافت متراکم تاریخی نیز کشاند و آینده بسیاری از محله‌های تاریخی را به خطر انداخت. (۳) بدین ترتیب، با افزایش مالکیت اتومبیل، هم بافت‌های جدید دچار مشکل شدند و هم بافت‌های قدیم؛ یعنی در واقع چالش عمده این عصر، در سازگاری بیش از حد اتومبیل و شهرهای جدید و ناسازگاری بین اتومبیل و بافت‌های قدیمی شهری نهفته است. لذا پس از فهم این مطلب و به دنبال ارائه قوانین مؤثر در حوزه برنامه‌ریزی، امر سازگاری با اتومبیل به شکل‌گیری طرح‌های مربوط به ایجاد مسیرهای اتومبیل‌رو و نیز سایر اقدامات بهبودبخشی حمل و نقل در شهرهای موجود انجامید. توسعه پیاده در بافت‌های جدید و توسعه سواره در بافت‌های متراکم تاریخی، هر دو بافت را به صورت متعادلی درآورده و شهر همگنی را فراهم کرده‌اند.

رویکرد داخلی

در شهرهای ایران نیز از مهم‌ترین عوامل نابسامانی این گونه بافت‌های شهری، همانا شبکه ارتباطی قدیم است که با مقتضیات امروزی انطباق نیافته و همین امر مانع خدمات‌رسانی مناسب به بافت‌ها شده است. در این مورد دو دیدگاه یکسونگر افراطی و تفریطی به وجود آمد که سایر

ناهماهنگی بین فضاهای بافت قدیم
و زندگی امروز که سبب عدم
امکان خدمات‌رسانی مناسب به
بافت می‌شود، مهم‌ترین عامل
تخلیه بافت‌هاست. بافت‌های
مذکور فاقد آسایش و تجهیزات
برطرف کردن نیازهای مادی و
زیستی اولیه‌اند

دیدگاه‌ها را می‌توان بینابین این دو قطب افراط و تفریط دید.

نخستین حرکت سیاست‌های حفاظتی، با هدف نگهداری از ساختمان‌ها و بناهای پراکنده و خاص صورت پذیرفت. این گونه حفاظت‌ها بسیار مجزا از یکدیگر و به عبارتی تک‌موردی صورت پذیرفتند و پاسخگوی نیازهای بافت نبودند و تنها به کالبدی خاص توجه داشتند. این دیدگاه، یعنی دیدگاه موزه‌ای، بر شالوده حفاظت از میراث فرهنگی استوار است و مداخله در این بافت‌های تاریخی یا قدیمی را جز در جهت حفاظت آنها نمی‌پذیرد. این دیدگاه مقتضیات زندگی معاصر را نادیده می‌گیرد و ساکنان این گونه بافت‌ها را به زندگی در فضای کهنه با همان سازوکار فراموش شده محکوم می‌کند. در این روند بافت خالی از سکنه می‌گردد و چه بسا مشکلات آن افزوده می‌شود. دیدگاه دوم که شامل تخریب کامل بافت و دوباره‌سازی آن است، در تمام مباحث زیبایی‌شناختی و هویتی - تاریخی شهر تردید روا می‌دارد. در مورد خدمات رسانی و بهبود دسترسی نیز برخی معتقدند که با کشیدن یک خط یا چندین خیابان عریض در میان بافت‌های قدیمی و کوچه‌های

بافت‌های تاریخی متشکل از مجموعه پیچیده‌ای از مسائل اجتماعی، فرهنگی و کالبدی‌اند که هر یک راه‌حل‌های ویژه خود را می‌طلبند

بیچ دربیچ، می‌توان حال و هوای حیات و زندگی امروز را در آن دمید و آن را دوباره به منطقه‌ای پررونق و آباد تبدیل کرد. این نگرش که از زمان پهلوی اول تا اواخر حکومت پهلوی دوم و بعضاً در زمان حاضر نیز رواج داشته است، در اکثر موارد نشان داده که به اندازه کافی کارآمد نیست. خیابان البته نوعی رونق به بار می‌آورد، اما این رونق معمولاً به لایه نازکی از بدنه آن منحصر می‌شود و بافت مخروبه و مسئله‌دار در پشت این لایه همچنان باقی می‌ماند. لذا هیچ یک از دو روش عنوان شده پاسخگوی مناسبی برای زندگی بخشیدن به بافت قدیم نیست.

در نهایت می‌توان گفت که طراحان امروزی اغلب به برتری معابر و فضاهای عمومی محله‌های قدیم نسبت به طراحی محله‌های جدید اذعان دارند؛ اما راه‌حلی که ارائه می‌دهند منجر به از هم گسیخته شدن فضاهای قدیم می‌شود. بدین ترتیب، طراحی بافت خواه و ناخواه تحت الشعاع شبکه‌ای از معابر سواره قرار می‌گیرد که از لحاظ شکل هندسی، فاصله از یکدیگر، نحوه اتصال به شبکه معابر اصلی در پیرامون بافت و جز اینها تابع ملاحظات خاص خود است. اما در طراحی صحیح معابر می‌توان بنا به شدت و نوع ترافیک سواره‌ای که در آنها وجود دارد، به درجات متفاوتی حضور و ارتباط متقابل افراد را در نظر گرفت. (۴)

خدمات رسانی به بافت قدیم

در شرایط امروزی توجه به بافت‌های کهن شهری، و تحول و دگرگونی در آنها ضرورتی مطلق است و دستیابی به روش‌های متعادلی در رشد شهر از درون امری است که در محور کار قرار دارد. استفاده مطلوب از موقعیت‌های شهری موجود در بافت‌های کهن شهری، می‌تواند زمینه ساز رشد شهر - از رشدی همه‌جانبه و در همه سطوح - از درون باشد.

برنامه های بهسازی و احیای بافت های تاریخی باید در بردارنده سه جزء اصلی بدین شرح باشند:

۱- طرح راهبردی؛

۲- بازشناسی محدوده های اقدام ویژه؛ و

۳- ایجاد نهادهای دولتی و ساختاری برای نظارت عملیاتی که نیازمند قدرت اجرایی لازم برای از میان برداشتن سریع موانع بسیاری است که موجب کندی اقدامات می شوند.

از این رو شناختن کل شهر و ارائه طرح راهبردی برای تمامی بافت شهر ضروری است، چرا که پروژه هر چقدر هم در ابعاد کوچکی باشد، بدون در نظر گرفتن در کل محدوده شهر و ارتباط آن با محله های مجاور و بلوک های شهری همسایه، قابل طراحی و اجرا نخواهد بود. بررسی دقیق گستره طرح شامل تمام کلیات و جزئیات برای اقدام بهسازی و احیا ضروری است. هر یک از بافت ها ممکن است راه حل منحصر به فردی با توجه

یکی از کاربری های مناسب برای مراکز قدیمی شهر، ایجاد فضاهایی برای تولید و عرضه کالاها و خدمات سنتی است، که از نظر اقتصادی و نیز اجتماعی و فرهنگی به رونق مکانی می افزاید

به موقعیت، امکانات و محدودیت های داخل خود داشته باشد. لذا باید از پیچیدن نسخه ای کلی و واحد برای تمامی بافت ها به شدت پرهیز کرد. ساماندهی بافت برای پذیرا شدن امکانات و خدمات شهری و ورود اتومبیل به آن برای تسهیل در امر دسترسی و تردد می بایست به عنوان مهم ترین استراتژی احیای بافت در دستور کار سازمان های ذی ربط قرار گیرد. بناهای تاریخی، سرشت کالبدی محله های تاریخی و هویت مکانی آنها دارای ارزش هایی معنوی است که نسل کنونی را به تاریخ و فرهنگ گذشته خود پیوند می دهد و نسل های کنونی و آتی از تماشای آنها خرسند می شوند. به همین خاطر می بایست به این خصایص به مثابه کالایی عمومی نگریست که وظیفه حافظت از آن را بخش عمومی به عهده دارد.

در این میان نقش دولت، نقش مدیریتی است. دولت باید به نحوی مشارکت جوید که با حداقل دخالت و حضور، حداکثر تأثیر را بگذارد. دولت باید تلاش کند تا اولاً از طریق اعمال سیاست ها، قوانین و مقررات مناسب این کار و در نظر گرفتن امتیازهایی که برای این مناطق تعریف می کند، حداکثر مشارکت مردم و مالکان و ساکنان این مناطق را برانگیزد. همچنین باید گرایش و علاقه مندی بخش خصوصی را برای سرمایه گذاری در این مناطق فراهم آورد؛ یعنی باید به گونه ای سیاست گذاری کرد که بیشترین سهم مداخله از آن مردم و در اولویت بعدی برای بخش خصوصی باشد. در مرتبه بعدی نهادهای عمومی و سازمان های غیردولتی و سپس شهرداری ها مطرح می گردند و در نهایت دولت است که واردکار می شود.

دولت می بایست به منظور ایجاد جاذبه برای مردم، مزیت هایی را برای این مناطق تعریف کند. اقداماتی از جمله معافیت های مالی را می توان از این گونه مزیت ها برشمرد. مرحله بعدی ایفای نقش دولت، ارائه الگو به مردم است. این کار یعنی روشن کردن این موضوع که مردم چگونه

می‌توانند در عین حفظ ارزش بافت‌های قدیمی در آنها ساخت و ساز کنند، و به نوسازی و مرمت واحدهای قدیمی و باارزش خود بپردازند. این هم از اقدامات دیگری است که بر عهده دولت و نهادهای محلی است که با الگوسازی مناسب راه را برای پای نهادن مردم به صحنه و فعال شدن بخش خصوصی بگشایند.

تلاش برای احیای مناطق تاریخی باید متوجه روند فرسودگی بافت باشد و آن را درمان کند؛ آن هم نه فقط درمان تک بناها، چرا که قرار دادن تعداد بیش از حدی از ساختمان‌ها در فهرست بناهای حفاظت شده می‌تواند به همان اندازه انتشار خیر احداث قریب الوقوع یک جاده اصلی از داخل بافت قدیمی، به بافت صدمه بزند. علاوه بر این، در فرایند نوسازی باید کوشید تا ناسازگاری ناشی از فرسودگی میان خدمات شهری ارائه شده از سوی بافت و نیازهایی که دیدگان امروزی مشاهده می‌کنند، مرتفع گردد. منشأ این ناسازگاری یا بافت شهری (کالبد) و یا تغییر فعالیت‌های اقتصادی در این بافت است. اصلاح این ناسازگاری نیازمند تغییر در عرضه یا الگوی تقاضا - یا هر دو - است.

در فرایند احیای بافت‌های قدیمی و اصلاح ناسازگاری‌های مختلف و فرسودگی بافت و کالبد، مجموعه اقدامات دفعی و ضربتی نمی‌تواند یکباره به تجدید حیات و روان بخشی مراکز شهرها بینجامد. تداوم از اصول مهم این گونه طرح‌هاست. طرح‌های تجدید حیات باید بتوانند به تدریج

پیوند بین ارزش‌های گذشته را با حال و آینده برقرار سازند؛ نه اینکه فقط در حد نوسازی اولیه و رساندن خدمات محدود باقی بمانند بلکه می‌بایست با تداوم خود امید و حس مشارکت را در میان ساکنان افزایش دهند.

در هر نوع رهیافت به موضوع بهسازی، باید منابع مختص هر مکان را شناسایی و از آن بهره‌برداری کرد. حس مکان و خصلت نهفته در محله‌های تاریخی شهری با آنکه منبعی کمیاب به شمار می‌آید، لیکن نیازمند محافظت و مدیریت، چه در حفظ و چه در بهره‌برداری از مشخصه‌های مثبت آنهاست. شناخت امتیازها و منابع موجود در هر محدوده و تشخیص نقشی شایسته و مناسب برای محله، از ضروریات اصلی بهسازی موفقیت‌آمیز به شمار می‌آید. این خود نیاز به نگرش و بینشی دارد که به درستی تشخیص دهد کجا نیازهای بالقوه نهفته است و چه کاربری‌هایی برای محله‌ای خاص و شهری خاص مناسب می‌نماید.

محله‌های تاریخی شهری معمولاً حکم مناطق کارکردی خودگردان را دارند و به این ترتیب نمی‌توان آنها را صرفاً از بعد ریخت‌شناسی مرزبندی کرد. آنها بخشی یکپارچه از در هم تافتگی کارکردی و صوری محدوده مرکزی به شمار می‌آیند و علاوه بر اینکه نباید به تنهایی درباره آنها اندیشیده



تصویر شماره ۲- ایجاد فضای شهری در بافت قدیم و سهولت در امر دسترسی با ورود ایستگاه مترو میسر شده است.



تصویر شماره ۳- ورود ایستگاه مترو سبب رونق یافت تراکم قدیمی شده است.

شود، باید تمامی خدمات و عملکردها را در آن مستقر ساخت و از ایجاد محله های تک عملکردی پرهیز کرد. بهسازی باید از طریق عملکردهای متنوع و کاربری های متفاوت صورت پذیرد.

چگونگی خدمات رسانی

احیا و بازسازی بافت قدیم برای پذیرا شدن انواع خدمات شهری مناسب زندگی جدید، می بایست پس از مطالعات همه جانبه و گسترده شهر و موقعیت مکانی، اجتماعی و اقتصادی بافت مذکور در شهر و بررسی امکانات و فرصت هایی که بافت ایجاد می کند، صورت پذیرد. نیازهای هر بافت تاریخی با توجه به عوامل مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مناسب همان بافت سنجیده می شود. در ادامه به بررسی چند راهبرد کلی برای ساماندهی بافت پرداخته می شود. بدیهی است در هر بافت می توان از یک یا چند راهبرد و راهکار مناسب استفاده کرد و استفاده از این راهبردها به صورت یک سان برای تمامی بافت ها بدون در نظر گرفتن نیازهای خاص هر بافت، اشتباهی محض و چه بسا خطر ساز است.

الف. ساماندهی شبکه های رفت و آمد و دسترسی اتومبیل به بافت

مهم ترین عامل در فرسودگی بافت و فقدان سیستم خدمات رسانی مناسب، تراکم این گونه بافت ها و نبود شبکه ها و خیابان های دسترسی سواره است. لذا تدوین سلسله مراتب شبکه ارتباطی و دسترسی آن به هر تقسیم کالبدی مطلوب، نتیجه منطقی باززنده سازی استخوان بندی بافت های کهن شهری است و لازم است محورهای انتظام بخش در سراسر شهر امروزین تدارک دیده شود. در این محورها تسلسل و توالی فضاهای شهری با گسستگی و پیوستگی فضاهای قدیم و جدید تعریف می شود.

همان طور که می دانیم، رابطه مستقیمی میان عرض کم معابر و کیفیت نامناسب بناها و ارزش زمین وجود دارد. اولویت تردد پیاده، ایجاد تسهیلات دسترسی به اتومبیل با فاصله ای مناسب، حفظ و نگهداری ابنیه با ارزش داخل بافت و حفظ هویت تردد کالبدی فضاهای باز در بهسازی معابر باید در نظر گرفته شود. طرحی که با تعریض کم برخی از معابر، حداکثر تسهیلات دسترسی به اتومبیل را فراهم آورد و در عین حال اولویت را به عابر پیاده دهد، مدنظر است. در این طرح تمامی واحدها به اتومبیل دسترسی نخواهند داشت ولی فاصله آنها با توقفگاه اتومبیل در حد مناسبی خواهد بود. (۵)

در طرح های تجدید حیات باید با اعمال تغییرات خاص در شبکه های گذر بندی، پیوندهای درون بافت شهر را برقرار ساخت و به آن صراحت بخشید. این امر فقط در دسترسی به مکان ها خلاصه نمی شود، بلکه ایجاد افق دید مداوم و امکان حرکت آسوده شهروندان در شهر و همچنین برقرار کردن همپوندی بین مرکز قدیمی و تاریخی و کل بافت شهر را هدف قرار می دهد. (۶)

طرح های اصلاح دسترسی ها و شبکه رفت و آمد در بافت باید با رویکرد استفاده پیاده در محله ها صورت پذیرد. همچنین باید تنها نیازهای سواره را برآورده سازد نه اینکه تشویق به حضور سواره کند، از این رو با ایجاد شبکه های پیاده مرکزی در بافت به صورت محورهای جاذب برای مردم، باید حرکت پیاده را تشویق و اشاعه کرد.

سایر اقدامات لازم را در طراحی شبکه دسترسی و حل معضلات رفت و آمد، می توان این گونه برشمرد:

۱- ایجاد ایمنی و آسایش فیزیکی و آرامش افراد پیاده داخل بافت، چرا که تفکیک حرکت سواره و پیاده در معابر باریک بافت در برخی از موارد امکان پذیر نیست.

۲- ایجاد محیط زیست پاکیزه و عاری از آلودگی های وسایل نقلیه، با ارائه طرحی که به موجب آن از رفت و آمد ماشین های افراد و محله های دیگر شهر خودداری شود، و در واقع مسیرهای پیشنهادی نقش عبوری ماشین های سایر مناطق را نداشته باشد.

۳- تقویت نقش وسایل نقلیه عمومی برای کاهش تردد وسایل نقلیه شخصی. به دلیل تراکم بافت و سیاست دخالت حداقل در بافت، استفاده از وسایل نقلیه عمومی زمینی مانند اتوبوس در بسیاری از موارد مقدور نخواهد بود؛ لذا ایجاد سیستم حمل و نقل زیرزمینی یا هوایی می تواند در بافت های بسیار باارزش کارساز باشد. به ویژه ایجاد مترو در این بافت ها علاوه بر اینکه بسیاری از معضلات رفت و آمد و خدمات رسانی به بافت را حل می کند، به ارزش های تاریخی و زیبایی شناختی بافت نیز لطمه ای وارد نمی سازد.

از حداقل فضاهای باز موجود در بافت می توان برای ایستگاه مترو استفاده کرد. فواصل ایستگاه ها باید به گونه ای باشد که دسترسی منطقی واحدها به آن به صورت پیاده وجود داشته باشد. این روش در بسیاری از کشورهای اروپایی به کار گرفته شده و نتیجه مطلوبی نیز دربرداشته است. در تمام این نمونه ها پس از احداث ایستگاه مترو، بافت اطراف آن به سرعت ارزش اقتصادی - و در پی آن ارزش های اجتماعی و فرهنگی - یافت. به علاوه، عامل مهمی برای رجوع جمعیت ساکن قبلی بافت ایجاد شد و بافت بدون کمترین دخالتی به صورت بافتی زنده درآمد (تصویر ۲).

شهر میلان ایتالیا می تواند نمونه بسیار خوبی برای این موضوع باشد. ورود



تصویر شماره ۲- تجهیزات و مبلمان ایستگاه با سادگی، زیبایی و ظرافت شان همگی در خدمت فضای کوچک جمعی در داخل بافت قدیم اند.



تصویر شماره ۵- ایجاد پارک فرهنگی کودکان، روحیه ای کاملاً متفاوت با گذشته به بافت داده است.

ایستگاه های مترو به شهر قدیمی میلان به میزان زیادی چهره شهر را تغییر داده و سبب ارتقای کیفی شهر شده است. برای مثال، ایستگاه امانوئل (تصویر ۳) حاصل گشایش اندک فضایی در بافت متراکم شهر است. پروژه مذکور به صورت فضایی کاملاً متقارن و چهارگوش شامل نواری از درختان توت، نیمکت هایی برای نشستن و چراغ های خیابانی در چپ و راست میدان و در امتداد ورودی های مترو است که به یک بنای مونومنتال مکعبی شکل ختم می شود. ساماندهی و گشایش در خیابان به صورت میدانی کوچک به دلیل ورود ایستگاه مترو، سبب احیا و رونق بافت قدیم شده است (تصویر ۴). (۷)

ب. اصلاح کالبد قدیم و پیشنهاد کاربری جدید مناسب بافت

بافت های تاریخی متشکل از مجموعه پیچیده ای از مسائل اجتماعی، فرهنگی و کالبدی اند که هر یک راه حل های ویژه خود را می طلبد. در هر بافت، زمین های قابل توسعه باید بررسی گردد و بناهای باارزش تاریخی و دارای ارزش زیبایی شناختی شناخته شوند. با توجه به اینکه برای بالا بردن میزان بهره برداری از بنا سه شیوه عمل ممکن شامل تخریب و بازسازی، اصلاح بنا برای کاربری جاری و تغییر و تبدیل بنا برای کاربری جدید وجود دارد، باید به تناسب نیازها و قابلیت های بافت به ایجاد کاربری های مناسب و سازگار با ارتباطی منطقی و تنگاتنگ به منظور دستیابی به بافتی ارزنده، پرتحرک و فعال اقدام کرد. طراحی کاربری های جدید در بافت قدیم می تواند با تبدیل کاربری های بناهای قدیمی به موزه، رستوران سنتی و یا حتی کاربری های آموزشی - فرهنگی همچون دانشکده هنر و معماری صورت پذیرد.

یکی از کاربری های مناسب برای مراکز قدیمی شهر، ایجاد فضاهایی برای تولید و عرضه کالاها و خدمات سنتی است، که از نظر اقتصادی و نیز اجتماعی و فرهنگی به رونق مکانی می افزاید. زمینه های مناسب بسیاری برای چنین فعالیت هایی در بافت های قدیمی وجود دارد و از آن رو که این فعالیت ها با فضاهای بافت هماهنگ اند، سبب احیای آن نیز می گردند.

ج. طراحی فضاهای شهری و عمومی

فضاهای شهری و عمومی بافت قدیم به مرور زمان و با از دست دادن جمعیت ساکن و فرسودگی بافت عملکرد مناسب خود را از دست

داده‌اند، که باید به نحوی مطلوب با نگاه جدید و نیازهای محله طراحی گردد. برخی از مراکز محله‌ها هنوز کانون بروز حیات شهری‌اند. از این رو هر گونه دخالت در معابر شهری باید این کانون‌ها را مدنظر قرار دهد. بافت‌های بسیار فرسوده و مخروبه که فاقد ارزش‌های تاریخی - هنری باشند، می‌توانند تخریب گردند و فضاهای باز و عمومی و امکانات و تأسیسات و تجهیزات شهری در آنجا مستقر گردد.

با کاهش خدمات ناسازگار، می‌توان فعالیتها و خدمات فرهنگی، تفریحی و فراغتی را در مرکز شهر افزایش داد. این امر نه تنها به رونق و تحرک اقتصادی آن کمک می‌کند، بلکه به اعتلا و حفظ ارزش‌های تاریخی و فرهنگی بافت قدیمی شهر نیز منجر می‌شود. در اغلب بافت‌های قدیمی امکانات بالقوه فراوانی برای ایجاد و گسترش مشاغل و فعالیت‌های فرهنگی - تفریحی وجود دارد. با این هدف باید کاربری‌های مورد نیاز را در وهله اول شناسایی کرد و پس از یافتن بناها و بافت‌های مخروبه، در آنجا به طراحی فضاهای مورد نیاز بافت پرداخت. ایجاد فضاهایی با عملکردهای مختلط چون مسکونی، تجاری و جز اینها نیز می‌تواند کیفیت محیطی را ارتقا بخشد.



تصویر شماره ۶- همراه با ایجاد پارک، بافت اطراف نیز ساماندهی و احیاء شده است.

استفاده‌های بسیاری از بافت‌های فرسوده می‌توان کرد که همگی باعث احیای بافت و آسان‌تر کردن خدمات‌رسانی به بافت می‌شوند. از آن جمله می‌توان موارد ذیل را برشمرد:

- ۱- ساماندهی و رفع کاربری‌های مزاحم و هماهنگی منجر به توزیع متعادل و مطلوب فعالیت‌ها در طول ساعات شبانه‌روز.
 - ۲- ایجاد فضاهای سبز و باز کوچک و متعدد، و نظام بخشیدن به آنها.
 - ۳- ایجاد پارکینگ در فواصل مناسب برای دسترسی آسان‌تر به بافت.
 - ۴- توزیع امکانات و نیازهای اولیه و روزمره در بافت به صورت واحدهای تجاری، تا از تردد بی‌مورد در نواحی مختلف بافت خودداری شود.
- پارک فرهنگی کودکان در مصر نمونه بسیار جالبی از احیای بافت و رونق بخشیدن به آن است. پارک مذکور در محله متروک و قرون وسطایی سیده زینب قاهره احداث شد که منظره متمایز و خیره‌کننده آن، با جلب کودکان منطقه، کانون سرزنده و شادابی را ایجاد کرد. در این پارک تمامی امکانات آموزشی - تفریحی از قبیل کتابخانه، سالن تئاتر، بازی‌های کامپیوتری و زمین بازی برای کودکان وجود دارد (تصویر ۵).
- این پارک در واقع نوعی مداخله در بافت است، آن هم مداخله‌ای رؤیایی، که متروک بودن این بخش از قاهره را از بین برده است. (تصویر ۶). (۸)

د. طرح تجمیع

آخرین راه‌حلی که می‌تواند در بافت قدیمی کارساز باشد، طرح تجمیع است. این طرح تنها در زمانی توصیه می‌گردد که نه بناهای موجود در

بافت دارای ارزش باشند نه بافت ارزشمندی را ارائه دهند و نیز دلایلی چون فرسودگی های مختلف دیگر به هیچ طریقی قابل استفاده نباشند. با توجه به دیدگاه این طرح در بخش هایی که به دلایل گوناگون امکان احیای سلول به سلول وجود ندارد، آن محدوده از بافت که فاقد ارزش و در عین حال مخروبه است، تملیک می گردد و پس از تجمیع املاک به عنوان مجموعه ای منسجم مجدداً طراحی و بازسازی می شود. این طرح نیازمند مطالعات گسترده ای است تا در روند کار، بنا یا بافت با ارزشی از بین نرود.

جمع بندی

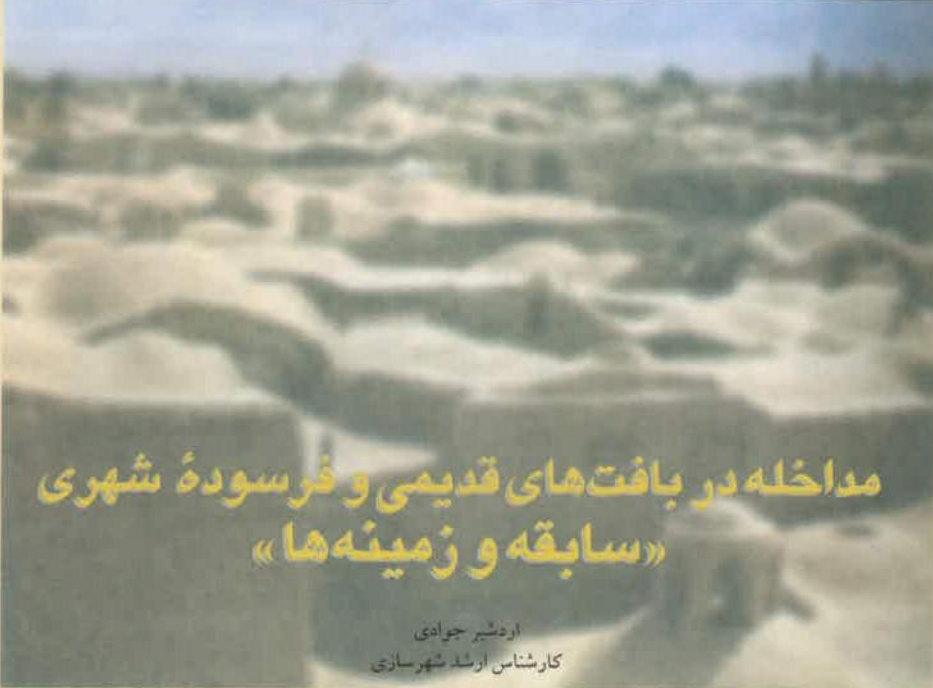
اساساً بزرگ ترین مشکل و مهم ترین سد در مقابل خدمات رسانی به بافت تاریخی، فقدان دسترسی های مناسب سواره و عدم هماهنگی بافت با نیازهای جدید ساکنان است. اگر اتومبیل نتواند به بافت قدیمی راه یابد، بافت محکوم به نابودی می گردد. در این زمینه باید بافت را با کمترین دخالت در شکل کلی پذیرای این وسیله کرد و یا فعالیت هایی را در آن مستقر ساخت که برای پیاده جاذب باشد و بدون ورود ماشین به بافت، بافت احیا گردد. باید توجه داشت که هر اقدامی نیازمند مطالعات گسترده در بخش تاریخی، موقعیت آن در کل شهر، دسترسی های موجود به بافت و مسیرهای داخلی بافت، فضاهای باز موجود، آثار با ارزش و قابل نگهداری، آثار و بناهای مخروبه که نگهداری شان ناممکن است، فرصت ها و امکانات و بالاخره نیازهای ساکنان بافت است. لاجرم پس از مطالعات، این نتیجه دست خواهد داد که هر بافتی راه حل ویژه خود را برای احیا می طلبد.

منابع:

- تیزدل، استیون (الف) «ارزیابی مجدد کیفیت محله های تاریخی شهری»، ترجمه حمید خادمی، فصلنامه هفت شهر، وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان عمران و بهسازی شهری، شماره دوم زمستان ۱۳۷۹.
- تیزدل، استیون (الف) «چالش های اقتصادی محله های تاریخی شهری»، ترجمه محمدحسین زاده مطلق، فصلنامه هفت شهر، وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان عمران و بهسازی شهری، شماره دوم زمستان ۱۳۷۹.
- حیدرتاج، وحید شهر و احیای بافت های تاریخی، ماهنامه شهرداریا، فصلنامه شماره ۵۲، ویژه نامه شماره ۹ «میراث فرهنگی و مدیریت شهری»، آبان ۱۳۸۲.
- فرخ زبوزی، عباس «ضرورت نوزایی شهری»، فصلنامه هفت شهر، وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان عمران و بهسازی شهری، شماره چهارم، تابستان و پاییز ۱۳۸۰.
- نویسنده «مجموعه طراحی شهری در بافت قدیم، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی، چاپ اول، تهران ۱۳۶۸.
- وزیرین، مهدعلامه «سامانه های شهری، نشر درخشش، مشهد، ۱۳۷۸.
- مصفاپاش، کامران «پیشنهادهای روش طراحی نوسازی در بافت های قدیمی، مجموعه مقالات همایش تخصصی بافت های شهری، وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۶.
- شهیدی، محمدحسین «مدیریت ترافیکی بافت های مرکزی شهرهای بزرگ، مجموعه مقالات همایش تخصصی بافت های شهری، وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۶.
- حجتی نوذر شهر کهن، ماهنامه شهرداریا، شماره ۱۸، حجتی نوذر شهر کهن، آبان ۱۳۷۹.
- مصفاپاش، عباس «نگاهی به طرح حفظ احیا و بهسازی بافت تاریخی سنان»، فصلنامه هفت شهر، شماره چهارم، تابستان و پاییز ۱۳۸۰.
- Daenias, Antonia, New Architecture (6), SQUARES, Published by Pico Asensio, Spain 1992.

پانویس:

- ۱- برای توضیحات بیشتر، ان. که. حیدرتاج، ویژه نامه میراث فرهنگی و مدیریت شهری، ۱۳۸۲.
- ۲- استیون تیزدل، ۱۳۷۹، ص ۲.
- ۳- استیون تیزدل، ۱۳۷۹، الف.
- ۴- مصفاپاش، ۱۳۷۶.
- ۵- فرخ زبوزی، ۱۳۸۰.
- ۶- فرخ، ۱۳۸۰.
- ۷- برگرفته از کتاب New Architecture (6), SQUARES, Published by Pico Asensio.
- ۸- برگرفته از ماهنامه شهرداریا، شماره ۱۸، حجتی نوذر شهر کهن.



مداخله در بافت‌های قدیمی و فرسوده شهری «سابقه و زمینه‌ها»

اردشیر جوانی
کارشناس ارشد شهرسازی

مقدمه

برای حل مشکل مسکن، یکی از امکانات مورد نیاز وجود زمین‌های شهری برای این کاربری است که تاکنون به صورت سستی در اراضی بایر یا دایر مجاور شهرها مکان‌یابی شده است. در سال‌های اخیر نظرها به سمت شهرهای جدید با فواصل دور یا نزدیک شهرهای بزرگ و پر مسئله متوجه گردیده، که البته با موفقیت همراه نبوده است.

از سوی دیگر، در اغلب طرح‌های شهری که تاکنون تهیه شده از ظرفیت اراضی موجود و نیز بافت‌های مرکزی شهرها (که عمدتاً فرسوده‌اند) از زاویه ارزش‌های تاریخی-فضایی و ساختمانی به عنوان نوعی مجموعه نگریسته شده است و براساس بینش طراحان و کارفرمایان مکانی در طیفی وسیع می‌یابد. در یک سوی این طیف حفاظت کامل آنچه در بافت وجود دارد (حتی زودودن تغییرات معاصر از چهره آنها) و سوی دیگر را وارد کردن حداکثر تغییرات برای احیای زندگی بخشی مجدد به بافت تشکیل می‌دهد و برای حفظ ارزش‌های بافت به نگهداری و مرمت چند تک بنا بسنده می‌کند.

آنچه تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته، استفاده از امکانات و ظرفیت‌های بافت‌های مرکزی فرسوده برای تأمین نیازهای سکونتی شهر است (۱) در برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، توسعه پیوسته-خصوصاً توسعه درونی- و استفاده از بافت‌های مرکزی شهرها برای برنامه‌ریزی‌های توسعه شهری به صورت

رهیافتی قابل استفاده در سطح سرزمین در مقایسه با رهیافت‌های پیشین تفکر جدیدی را مطرح کرده است. هدف این مقاله، جامه عمل پوشاندن به همین رهیافت است که با تهیه طرح‌های جامع مرمت شهری می‌توان به آن دست یافت.

تعریف انواع بافت

الف. بافت تاریخی

بافت تاریخی، مناطقی واقع در بخش‌های قدیمی شهرها هستند که تا پیش از آغاز قرن حاضر، یعنی شروع شهرنشینی جدید در ایران، سطح شهر را تشکیل می‌دادند. این گونه بافت‌ها که در زمان حاضر در مرکز شهرها واقع‌اند، جایگاه و موقعیت ویژه‌ای در شهر دارند. سطح نسبتاً گسترده و عملکرد نیز و مند (عملکردهای فراشهری و در مقیاس منطقه‌ای و ملی) بر اهمیت آنها افزوده است. بازارهای سنتی شهری به عنوان مراکز دادوستد و بناهای با اهمیت دیگر مانند مراکز مذهبی در این بافت‌ها واقع شده‌اند (۲).

ب. بافت قدیمی

این گونه بافت در اطراف هسته اولیه شهرها (یعنی بافت تاریخی) و پیوسته به آن شروع به شکل‌گیری کرد. این بخش از شهر که در حد فاصل گذار از شهرنشینی آرام به شهرنشینی سریع شکل گرفت، نه چندان تاریخی است و نه چندان جدید. حتی سازمان‌یابی فضایی آن چیزی در حد فاصل فضایی بافت تاریخی و جدید است. می‌توان تصور کرد که کالبد شهرهای ایران در سه دهه اول قرن چهاردهم (ه.ش. ۱۰۰۰) از بافت تاریخی و قدیمی تشکیل شده بود.

ج. بافت جدید

در اوایل دهه چهل رشد شهرهای ایران سریع‌تر از دهه‌های پیشین و در اطراف بافت قدیمی آغاز شد و در ابتدا این رشد معمولاً در اطراف خیابان‌هایی که عناصر جدید را به شهر متصل می‌کرد صورت می‌گرفت و اگر در اطراف شهرها عناصر جاذب طبیعی، تاریخی و مذهبی وجود می‌داشت، شهر به طرف آنها نیز گسترش می‌یافت. در دهه چهل شهرهای ایران از سه بخش مختلف تشکیل می‌شد.

۳- گونه‌شناسی بافت‌های تاریخی و قدیمی در شهرهای ایران

با توجه به موجود نبودن ساخته‌های قبل از دوران صفویه در بافت شهری امروز، از پرداختن به ویژگی‌های قبل از این دوران خودداری شده و زمان بررسی، از ساخت شهر در عهد صفوی تا قرن حاضر و آخرین تحولات این چنددهه محدود گردیده است. بنابراین با توجه به توضیحات مذکور، هفت دوره را می‌توان در تحولات این دو قرن به شرح ذیل تشخیص داد:

الف. بافت دوره اول - بافت دوران صفوی، قاجار تا سال ۱۳۰۰ ه.ش.

بافت شهری دوران صفوی یا به تعبیری «دورنمایی از آرمان شهر ایرانی» با عناصر اصلی آن همچون ارک، مساجد و مدارس، بازار، میدان و محله‌ها به عنوان تجسمی از عناصر و عملکرد دزیربنای شهر، حکومت، مذهب، اصناف و امت، در ترکیب با بافت دوران قاجار، گونه‌ای است که در پیکره فعلی شهری بارز است.

ب. بافت دوره دوم، ۱۳۰۴-۱۳۲۰ (پهلوی اول)

پس از کودتای ۱۲۹۹ ه.ش. شهرها در دل دیوارهای عهد ناصری و در همان ترکیب فضایی به سر می‌برند و از اندام‌های شهری شالوده‌ای که در این عهد شکل گرفته است تغذیه می‌کنند. در این دوره زمانی، دولت جدید ناشی از کودتا که پرچمدار «نوگرایی» و دگرگونی سازمان کهن زیست و تولید است، در اولین برخورد خود

دگرگونی کالبد شهر را در دستور کار قرار می دهد.

ب. بافت دوره سوم، ۱۳۲۰-۱۳۳۲

در این دوران شهر در توسعه ای آرام و عمدتاً در طول مسیر خیابان های ایجاد شده در دوره قبلی به سر می برد. این توسعه بی هیچ ضابطه و یا قاعده ای در نقاط مختلف شهر جریان دارد. سیمای شهر آرام آرام با حضور معماران و مهندسان به عنوان نمایندگان معماری نو و سبک بین الملل و سرمایه شهر و ندان بسیار «تجدد طلب» در حال دگرگونی است.

ت. بافت دوره چهارم، ۱۳۳۲-۱۳۴۵

این دوره که با کودتای ۲۸ مرداد ماه پهلوی دوم آغاز می گردد، مبدأ دگرگونی ها و تغییرات ماهیتی در نظام شهر سازی است. وابستگی کامل ساختار اقتصادی کشور و تمایل به سمت بهره‌وری مالکانه از تولید نفت (اقتصاد مصرفی) از اصلی ترین محورهای این دوران به شمار می آید. حاصل تحولات این دوره، رشد بی رویه و شتابان شهری، فرسوده شدن بافت های شهری، تحول بنیادی در شیوه های زیست، مهاجرت و شروع بحران زاغه نشینی و حضور بر نامه ها و طرح های توسعه ناهمگون است که خارجیان آن را تهیه و اجرا می کنند.

ث. بافت دوره پنجم، ۱۳۴۵-۱۳۵۷

در این دوران سازمان فضایی-کالبدی، الگوهای شهری، توسعه شهر، عملکرد شهری و سایر ویژگی های شهرنشینی تحت تعاریف طرح های جامع حرکت می کنند و تغییر می یابند. این طرح ها الگوی شان را از شهرهای غربی عاریت گرفته اند و بی توجه به مکان و زمان و تفاوت های فرهنگی و اجتماعی، میل به جهانی شدن دارند. در این طرح ها بافت های ارزشمند شهری که در جریان «تجدید طلبی» سال های ۱۳۱۰ جراحی را متحمل شده بودند تخریبی تلقی می گردند و مورد تخریب جدی قرار می گیرند. نتیجه اقدامات این دوره، آشفتنگی و هرج و مرج در سازمان فضایی-کالبدی بافت هاست. رشد شهرک های بدون ضابطه و قارچ گونه در اطراف شهر هدایت توسعه شهر را بر عهده می گیرند.

ج. بافت دوره ششم، ۱۳۵۷-۱۳۶۳

این دوره با رخداد عظیم انقلاب اسلامی ایران شروع می گردد. مقاومت دولت انقلاب در برابر قدرت های جهانی، فشارهای سیاسی-اقتصادی بر کشور وارد می کند و شروع جنگ عراق با ایران، شهر سازی این دوره را با رشد بی رویه و بدون برنامه روبرو می سازد. این توسعه که بیشتر نواحی خارج از محدوده های شهری را شامل می گردد، حاصل پدیده بد مسکنی در خارج شهر و رشد بی هویت و شتابان بافت شهری است.

چ. بافت دوره هفتم، ۱۳۶۳ تا کنون

به دنبال بحران های ناشی از تحولات بعد از انقلاب و برنامه ریزی در جهت اهداف متعالی انقلاب دوران جدیدی از تهیه طرح های شهری و برنامه ریزی آغاز می گردد. اما به رغم همه تلاش ها در این دوره نیز بافت های قبل علاوه بر مسایل مختلف خود دچار هجوم و هرج و مرج های ناشی از ساخت و ساز بدون ضابطه و بی هویت در این دوره می گردند. بافت شهری حاصل این دوره-اعم از بافت های برنامه ریزی شده طرح های توسعه و عمران، آماده سازی ها و شهرهای جدید-گونه ای یکسان دارند. بحران هویت، کاهش کیفیت ساخت و فقدان مبانی صحیح شهر سازی، همچون تعاریف فضا و سیمای شهر و جز اینها، از مهم ترین مشخصات این دوره به شمار می رود (۴).

روند مداخله در بافت‌های شهری در ایران

این بخش سعی در شناسایی مجموعه رخدادهای قرن حاضر در عرصه بافت‌های شهری دارد و با این هدف، چهار دوره مشخص مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف. دوران شروع مداخله (۱۳۲۰ - ۱۳۰۴ ه. ش.)

دخالت در حوزه بافت‌های فرسوده، مخروبه و نابسامان شهری با شروع نوگرایی در سازمان فضایی - کالبدی بافت کهن بعد از سال‌های ۱۳۰۴ آغاز می‌گردد. در این دوره دولت وقت با ایجاد دگرگونی در سازمان تولید، زمینه دگرگونی‌های کالبدی شهر را فراهم می‌کند. بافت‌های شهری همساز با بنیادهای زندگی اجتماعی خود یکباره با تحمل عناصر و فضاهای زندگی شهرنشینی جدید رویه‌رو می‌شود.

مهم‌ترین رخدادهای این دوره بدین شرح است:

- تهیه نقشه خیابان‌های شهر تهران، در سال ۱۳۰۹؛

- تخریب دیوارهای کهن تهران در سال ۱۳۱۱؛

- تصویب قانون تعریض و توسعه معابر و خیابان‌ها در سال ۱۳۱۲؛

- اصلاح قانون تعریض و توسعه معابر در سال ۱۳۲۰؛

همچنین ساخت خیابانها و میدان‌ها با ساختاری کاملاً متفاوت از ساختار شهر کهن، تخریب محله‌ها، تهیه نقشه گنر بندی و توسعه و اصلاح بعضی از معابر.

ب. دوران فترت توجه به بافت‌های شهری (۱۳۴۵ - ۱۳۲۰)

دوران فترت و دخالت در بافت‌های شهری از دهه ۲۰ آغاز شد و تا دهه ۴۰ ادامه یافت. هر چند در این فاصله دو برنامه عمران ملی (۳۴ - ۱۳۲۷ و ۱۳۴۱ -

۱۳۳۴) تدوین شد ولی به دلیل فقدان بخشی معین و مستقل برای عمران شهری، مجموعه اقدامات انجام یافته دستاورد چندانی در برداشت.

بخشی از رویدادها و اقدام‌های انجام شده در این دوره (۱۳۴۵ - ۱۳۲۰) چنین‌اند:

- لغو قانون گرفتن جواز برای مهاجرت از شهری به شهر دیگر و شروع پدیده زاغه‌نشینی، در سال ۱۳۲۱.

- تصویب لایحه قانونی تشکیل شهرداری‌ها و انجمن شهر در سال ۱۳۲۸.

- تصویب قانون ۹۰ ماده‌ای شهرداری در سال ۱۳۳۱.

- ورود مستشاران اصل چهار ترومن به ایران، و تهیه طرح‌های جامع اصفهان، سنج، ارومیه، کرمان در سال ۱۳۳۳.

- تصویب قانون تملک اراضی برای اجرای برنامه‌های عمران شهری (در جهت تجدید بنای محله‌های قدیمی و غیر بهداشتی در سال ۱۳۳۹).

- تشکیل دفتر فنی و دفاتر طرح‌های هادی در وزارت کشور، در سال ۱۳۳۶.

- تأسیس وزارت آبادانی و مسکن در سال ۱۳۴۳.

- شروع طرح‌های جامع شهری در سال ۱۳۴۴.

ج. دوره تکوین توجه به نوسازی و عمران شهری (۱۳۵۷ - ۱۳۴۵)

دوره سوم، فاصله میان سال‌های ۱۳۴۵ تا پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ را در برمی‌گیرد. در این دوره برای نخستین بار دولت در چارچوب برنامه چهارم

عمرانی کشور (۱۳۵۱ - ۱۳۴۷) به ساماندهی محله‌های مسکونی رده‌های کم درآمد و نوسازی محله‌های قدیمی در قالب طرح‌های جامع توجه کرد. اما طرح‌های جامع در این دوره با الگوهای غربی بدون توجه به مکان و زمان، عاری از ویژگی‌های انسانی و طبیعی و بی تفاوت نسبت به مسائل فرهنگی-اجتماعی دوره خود، باعث آشفتگی در سازمان فضایی کالبدی شهر می‌شوند.

د) دوره از سال ۱۳۵۷ به بعد

پس از انقلاب اسلامی به خاطر شرایط انقلاب و تحولات سیاسی و به ویژه به علت آغاز و تداوم جنگ تحمیلی، نظام برنامه‌ریزی کشور در بیشتر بخش‌ها و از جمله در بخش عمران شهری دچار بی‌نظمی شد و متعاقب آن شهرنشینی و توسعه شهری نیز آشفته و بی‌نظم گردید. در این دوره لزوم حفظ و باززنده‌سازی بافت‌های قدیمی و بهسازی و نوسازی مراکز قدیمی شهرها در قالب تهیه و اجرای طرح‌های روان‌بخشی به وسیله وزارت کشور مورد تأکید قرار گرفت و طرح‌های روان‌بخشی برای مراکز قدیمی شهرهای سمنان، شاهرود، اصفهان، اردکان تهیه شد.

تهیه طرح‌های جامع و تفصیلی در این دوره، عدم توجه طرح‌های جامع و تفصیلی به بافت‌های قدیمی و ارائه پیشنهادی طرح جامع برای بافت‌های مرکزی همانند سایر محدوده‌های شهری، از ویژگی‌های این دوره است. سازمان میراث فرهنگی نیز در همین دوره - در سال ۱۳۶۸ - تأسیس شد.

توجه برنامه دوم توسعه اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۷۷-۱۳۷۳) بر دو بخش مسکن و عمران شهری به مقوله بافت قدیم شهر از دیگر ویژگی‌های این دوره به شمار می‌آید. از دیگر موارد قابل ذکر در دوره مذکور، ایجاد ساختار تشکیلاتی «شرکت عمران و بهسازی شهری» به عنوان یکی از بازوهای فنی-اجرایی - مدیریتی وزارت مسکن و شهرسازی در سال ۱۳۷۸ است.

تبعات مداخله در بافت‌های مرکزی شهرها

هر گونه مداخله در بافت‌های شهری، دارای تبعات منفی و مثبت است. بنابراین برخورد علمی و عقلانی با موضوع و نیز استفاده از تجارب دیگران و انتخاب روش‌ها و گزینه‌های مناسب و کم‌خطر، ضروری می‌نماید. در این بخش از مقاله به این امر پرداخته می‌شود، ابتدا مزایا و معایب مداخله بافت‌های مرکزی ذکر می‌گردد و سپس به مقوله جابه‌جایی مردم در هنگام مداخله در بافت‌ها اشاره می‌شود.

از جمله مسائل اساسی مداخله در بافت‌های شهری، جابه‌جایی مردم است - که گاه گریز ناپذیر می‌نماید؛ و آنچه جای بحث و تردید دارد، نوع نگرش و طرز تلقی نسبت به این موضوع است.

در مجموع سه نوع جابه‌جایی را می‌توان برای بافت‌ها برشمرد: جابه‌جایی بدون جبران خسارت (اخراج)؛ جابه‌جایی اجباری با جبران خسارت؛ و جابه‌جایی برانگیخته. در هر حال جبران خسارت‌های مستقیم جابه‌جایی می‌تواند به شکل پرداخت پول، تدارک زمین و یا مسکن و یا به اشکال دیگر باشد ولی خسارت‌های غیر مستقیم جابه‌جایی را نمی‌توان به آسانی مشاهده و پیش‌بینی کرد و جبران آنها نیز کاری دشوار و در مواردی امکان‌ناپذیر است. به عبارت دیگر، هر تلاشی که به نقل مکان مردم از محیط فیزیکی و اجتماعی و اقتصادی موجود آنان منجر شود، گاه تأثیرات جبران‌ناشدنی به زندگی آنها وارد می‌سازد، که از آن جمله است گسیختن پیوندهای اجتماعی، به هم ریختن ساختار مشخص قدرت و مدیریت و ساختار اقتصادی، و کم‌رنگ شدن حس تعلق به مکان و نظایر اینها.

تجارب عملی مداخله در بافت‌های مرکزی در دنیا و ایران

این قسمت از مقاله به تجارب دنیا (عمدتاً تجارب کشورهای امریکا و اروپا و همچنین یک کشور آسیایی) و ایران در زمینه مداخله در بافت‌های مرکزی می‌پردازد.

الف. تجارب دنیا

مداخله در بافت‌های مرکزی به مفهوم امروزی آن به اواخر قرن نوزدهم و قرن حاضر، به ویژه پس از جنگ جهانی دوم، برمی‌گردد. فرایند صنعتی شدن در غرب که موجب رشد سریع شهرنشینی و ازدحام جمعیت در شهرها گردید، به تدریج شرایط زندگی را در آنها دشوار ساخت. ظهور اتومبیل و استفاده گسترده از آن سبب شد که به تدریج گروه‌های مرفه و متوسط اجتماعی از سکونت در محله‌های شلوغ و پرازدحام قسمت داخل شهر دست بشویند و به حومه‌های خلوت و خوش آب و هوا روی آورند؛ و در مقابل گروه‌های اجتماعی کم‌درآمد جایگزین آنها شوند. مهاجرت گروه‌های اجتماعی با درآمد بالا و متوسط قسمت‌های مرکزی به حومه و جایگزینی آنها با گروه‌های کم‌درآمد شهری در حقیقت زمینه مداخله در بافت‌های مرکزی (به‌طور عمده فرسوده) را به تدریج به وجود می‌آورد. به‌طور کلی اگر مداخله در بافت‌های فرسوده بدون بررسی و تحلیل علل فرسودگی در این گونه نواحی انجام گیرد، نه تنها مشکلات پیچیده بافت‌های فرسوده حل نمی‌شود بلکه منجر به ادامه روند فرسودگی نیز می‌گردد.

ب. تجارب ایران

از جمله برنامه‌هایی که به وسیله دفتر بهسازی و نوسازی وزارت مسکن و شهرسازی تهیه شد، برنامه‌ای برای بافت مرکزی شهر یزد بود. شهر مذکور به عنوان یکی از کهن‌ترین شهرهای ایران به سبب پاره‌ای ویژگی‌ها دارای بافت سنتی ارزشمندی است. این بافت نیز مانند همه بافت‌های سنتی کشور مان به فرسودگی شدید دچار است. در انتخاب ناحیه مورد نظر که از نواحی مرکزی شهر یزد است، به دو عامل وجود آثار باارزشی و فرسودگی پیشرفته توجه شد. ناحیه فضاهای مخروبه و متروک، فقدان دسترسی‌های لازم سواره، ضعف ناحیه از نظر تسهیلات بهداشتی و فضای سبز، فقر ساکنان، عدم سرمایه‌گذاری و بالا بودن هزینه نگهداری و تعمیر.

امکانات (ارزش‌های) ناحیه به شرح ذیل بود:

وجود روابط بسیار صمیمانه به سبب سکونت چند نسل از هر خانواده در ناحیه، وجود امنیت در ناحیه به سبب شناخت افراد از یکدیگر و دسترسی مناسب به مرکز شهر و بازار.

اهداف مداخله عبارت بودند از:

- بهبود محیط کالبدی شهری تاریخی که مردم در آن زندگی می‌کنند مد نظر بود، و نه شهری موزه‌ای که نباید به آن دست زد و در آن صرفاً به چند بنای تاریخی پرداخت.
- ارتقای سطح فعالیت در بخش قدیمی با حفظ ارزش‌های فرهنگی بافت تاریخی از یک سو و فراهم کردن محیط کالبدی مناسب برای این گونه فعالیت‌ها از سوی دیگر.

از همان ابتدای کار بر اساس نظر ریاست وزارت مسکن و شهرسازی، گروه مطالعه‌کننده اقدام به تهیه برنامه اجرایی برای سازماندهی و محوطه‌سازی قسمتی از فضاهای کاملاً مخروبه در ناحیه مورد مطالعه کرد، که در اختیار مسئولان قرار گرفت. این نحوه برخورد در مدت کوتاهی به تشکیل شهرداری بافت تاریخی یزد منجر شد. در مورد ارتقای کیفیت سکونت اولین اقدام ایجاد شرایط بهداشتی، حفظ مراکز قدیمی و نظایر اینها بوده است.

در بررسی کلی و براساس ارزیابی‌های به عمل آمده از اقدامات، به دلیل آنکه علل و عوامل فرسودگی در ناحیه مشخص نشده بودند، عمل مداخله چندان جامع و فراگیر نبوده و در نتیجه، فرسودگی در بافت مرکزی تلاوم یافت.

از دیگر نمونه‌های داخلی مداخله در بافت قدیمی، مربوط به اصفهان است.

در بین شهرهای باستانی و سستی ایران کمتر شهری چون اصفهان دارای بافت‌های قدیمی سالم است. دو عامل جغرافیایی در سالم بودن آن مؤثر بوده و باعث گردیده‌اند که اصفهان قدیم همچنان زنده بماند و بافت قدیمی آن پایدار باشد. بارندگی ناچیز و پایین بودن رطوبت نسبی از یک طرف و قرار نگرگتن این شهر بر روی کمربند زلزله، از عواملی هستند که در سالم ماندن نسبی بافت قدیمی شهر بسیار مؤثر بوده‌اند.

انتخاب محله جوباره و میدان کهنه برای مداخله در آن از این نظر دارای اهمیت است که این مکان جغرافیایی در حقیقت اصلی‌ترین هسته اولیه شهر اصفهان به شمار می‌آید و منشأ آن به عصر ساسانی برمی‌گردد. محله جوباره قدیمی‌ترین محله مسکونی شهر اصفهان است، که با در برداشتن مسجد جامع، بازار و میدان کهنه به عنوان مجموعه‌ای فرهنگی، اقتصادی و مسکونی مورد توجه بوده است.

اهداف مداخله عبارت بوده‌اند از:

- محله مذکور به صورت یک واحد جغرافیایی مشخص با نظام اقتصادی، اجتماعی و فضایی یکدست و شاخص در اصفهان توجه علاقه‌مندان به مسائل شهری را به خود جلب کرد. نوسازی برخی واحدهای مسکونی و بازسازی برخی از واحدهای تجاری از اهداف مداخله بوده است.

با اینکه عمران محله جوباره در طرح جامع شهر اصفهان مورد توجه بود، لیکن از دید اجرایی گام مثبتی برداشته نشد.

بررسی کلی از اقدامات انجام گرفته، نشان می‌دهد که فقدان الگویی واحد در امر برنامه‌ریزی مداخله از مشکلات اساسی این ناحیه بود و اجرای برنامه‌های تدوین شده به تغییر بافت محله و شرایط زیست محیطی منجر گردید و یکپارچگی آن را قویاً تهدید کرد. در نهایت اقدامات انجام یافته ساکنان ناحیه را به ترک محله اجنادی خود مجبور ساخت و مهاجران روستایی و افغانی را جایگزین آنها کرد.

بافت مرکزی تهران نیز از نمونه‌های دیگر مداخله به شمار می‌آید.

طرح بهسازی و نوسازی قسمتی از محله عودلاجان با همکاری مشترک سازمان ملی حفاظت آثار باستانی و شهرداری تهران در آذرماه ۱۳۵۸ آغاز شد. محله عودلاجان از محله‌های قدیمی مجاور بازار تهران است که زمانی سکونتگاه اعیان و اشراف و دارای باغ‌های سرسبز بوده است.

مشکلات ناحیه مذکور عبارت بودند از:

- بلا تکلیف ماندن بخش‌های قدیمی در اثر صلور اجازه فعالیت‌های جدید؛

- بی‌علاقگی ساکنان به تعمیر و نگهداری بنا، به سبب گرانی هزینه‌ها؛

- کمبود خدمات شهری؛

- هجوم فعالیت‌های کناره خیابان و نفوذ فعالیت‌های جنبی آن (کارگاه صنعتی، انبار) در بافت مسکونی؛

- بی‌نظمی در تداخل حرکت‌های پیاده و سواره در شبکه سستی محله.

اهداف مداخله عبارت بودند از:

- بهره‌گیری از ثروت‌های در حال نابودی؛

- تأمین نیازهای زیستی ساکنان،

- جلوگیری از رشد بی‌رویه فعالیت‌های تجاری؛ و

- بهنگام کردن دسترسی‌ها.

کمیته بهسازی و نوسازی محله عودلاجان ابتدا برنامه کوتاه‌مدتی برای رفع نیازهای اولیه ساکنان محله تهیه کرد. این برنامه‌ها شامل کف‌سازی معابر، دفع آب‌های سطحی، بهبود وضع دسترسی‌ها و سلسله مراتبی کردن دسترسی‌ها در ناحیه بود. سپس اقدامات محدودی برای ایجاد فضای سبز انجام گرفت و ضوابط برای ساختمان‌سازی در محدوده‌های قابل پاکسازی تدوین گردید.

مطالعات اصلی طرح و محله مذکور پس از انفجار بمب در سال ۱۳۶۰ در گوشه‌ای از این بافت کهن، متوقف ماند (۱۲).

چرا بافت‌های مرکزی شهرها باید مسکونی بمانند؟

در بسیاری از شهرها بافت‌های مرکزی شکامل هسته‌ای قدیمی اند که عناصر مهم شهری از جمله بازار و محله‌های قدیمی و عناصر باارزش تاریخی را در بر می‌گیرند. بنابراین در بافت‌های مرکزی شهرها سه کارکرد بازار، فعالیت‌های پشتیبانی بازار و بافت مسکونی وجود دارد. همجواری این فعالیت‌ها با یکدیگر در نهایت به تضعیف نقش سکوتی در این محدوده منجر شده است. این گونه بافت‌ها با تضادهای روزافزون ناشی از رشد مراکز کسب و کار و فعالیت اقتصادی و کاهش جمعیت ساکن مواجه‌اند. گرایش ساکنان به ترک منطقه که از فرسودگی ساختمان‌ها و محله‌ها، ازدحام و شلوغی روزانه و مجاورت‌های نامطلوب ناشی می‌شود، در نهایت تنزل تدریجی منزلت اجتماعی محله‌ها را سبب می‌گردد. تنها در شهر تهران طی ۱۶ سال (۷۶-۱۳۵۹) حدود نیمی از جمعیت منطقه مرکزی شهر (بازار) این محدوده را ترک کردند و جمعیت آن از ۳۴۸ هزار نفر به ۱۸۹ هزار نفر رسید؛ در حالی که جمعیت روز این محدوده در طی همین مدت چند برابر شده است. به مانند شهر تهران، در سایر شهرها نیز به دلایلی که ذکر شد مساحت گسترده‌ای از بافت مرکزی در معرض فرسودگی و تخریب قرار می‌گیرد که این نسبت در برخی از شهرها حتی به ۵۰ درصد سطح بافت‌های یاد شده هم می‌رسد.

دلایل متعددی را می‌توان برای مسکونی ماندن بافت‌های مرکزی شهرها ذکر کرد، که از آن جمله‌اند:

۱- بافت‌های مرکزی در شهرها - و خصوصاً شهرهای با سابقه و قدیمی - نماد هویت و حافظه تاریخی شهر است و این جایگاه می‌تواند کارکرد و نقش فرهنگی جدیدی برای مراکز شهری خلق کند. در تجارب دنیا برای تحقق این نقش جدید در بافت‌های مرکزی که با جایگاه تاریخی آن هماهنگ و به سود کل شهر است، سکونت در این بافت‌ها احیا شده است.

۲- موضوع رها شدن اراضی و استفاده ناکارآمد از آنها، ضرورت مداخله برای تغییر محیط شهری را دوچندان می‌کند و زمینه مساعدی را برای مشارکت مالکان و ساکنان برای ساخت مسکن فراهم می‌آورد. (۱۳)

نتیجه‌گیری:

در اغلب طرح‌های شهری تهیه شده تاکنون، و همچنین براساس ینش کارفرمایان، مواجهه با بافت‌های مرکزی طیف وسیعی را در بر می‌گیرد که یک سوی آن به حفاظت کامل آنچه در بافت وجود دارد (حتی زودودن تغییرات معاصر از چهره آنها) معتقد است، و سوی دیگر وارد کردن تغییرات حداکثر برای احیا و زندگی بخشی مجدد را تجویز می‌کند.

توجه به برخی معایب توسعه شهری پیوسته یا ناپیوسته از قبیل گسترش بی‌رویه شهر، افزایش هزینه تأسیسات زیربنایی، عدم توان شهرداری‌ها در پاسخگویی به

تقاضاهای مردم، تخریب اراضی کشاورزی و نظایر اینها، و همچنین توجه به مزایای مداخله در بافت‌های مرکزی، نشان می‌دهد که از امکانات و ظرفیت‌های بافت‌های مرکزی (عمدتاً فرسوده) می‌توان - و می‌بایست - برای تأمین نیازهای سکونتی شهر و افزایش ظرفیت مسکن‌پذیری این گونه بافت‌ها استفاده کرد.

تجربه ایران در امر مداخله حکایت از آن دارد که چارچوب نظری و فلسفی خاصی که اقدامات اجرایی را هدایت و حمایت کند و شیوه برخورد با مسائل بافت‌های مرکزی شهرها را مشخص سازد، تدوین نشده است. نگرش سیستمی که در آن محله‌های فرسوده در داخل بافت‌های مرکزی شهری را به صورت کلیتی واحد با اجزا و عناصر مختلف در قالب برنامه‌ریزی جامع مطرح کند، وجود نداشته است. در واقع نگرش سودجویانه کوتاه‌مدت، الگوی تخریب و نوسازی را جایگزین الگوی تداوم پایدار حیات در این گونه بافت‌ها کرده است و اهداف کمی بر اهداف کیفی غلبه یافته‌اند. افزون بر اینها، عدم توجه به اصل حضور و مشارکت مردم در امر مداخله و ارائه راه‌حل‌های یکسان برای انواع بافت و نبود قوانین جامع شهرسازی از مشکلات برنامه‌ریزی برای بافت‌های تاریخی است.

پیشنهاد

طرح‌های جامع مرمت شهری با عناصر سه‌گانه خود یعنی توسعه مجدد، احیا، و حفاظت، می‌تواند گامی اساسی در جهت حل مشکلات موجود بافت‌های مرکزی شهرهای ایران بردارد و با ارتقای ظرفیت مسکن‌پذیری، به مسکوئی ماندن بافت‌های مذکور یاری برساند.

بنابراین، با توجه به عناصر سه‌گانه مذکور، طرح جامع مرمت شهری (Comprehensive Urban Refurbishment Plan) را می‌توان چنین تعریف کرد: تغییری است در جهت بهبود ساختار کالبدی و فعالیتی شهر، که تحت فشارهای اجتماعی / اقتصادی فرسوده شده است؛ یا به عبارتی دیگر، طرح جامع مرمت شهری به معنای تجدید حیات برنامه‌ریزی شده فضاهای شهری از طریق برنامه مرکب توسعه مجدد، احیا و حفاظت است (۱۶).

ذکر دو نکته در این میان ضروری است: اول اینکه نارسایی‌ها، فرسودگی‌ها، کمبودها و در یک کلام تضعیف نقش و کارکرد سکونت در بافت‌های مرکزی شهری را تنها با در نظر گرفتن پدیده‌های دیگر جامع محیط شهر و فضای اکولوژیک منطقه شهری می‌توان برطرف کرد. اگر پاره‌ای از عوامل فنی موضعی را که مستقیماً کالبد بافت‌های مذکور را تحت تأثیر قرار می‌دهند مستقل از مسائل دیگر و تقریباً منفصل از عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی - اداری و شهرسازی فرض کنیم، در جمع بندی اولیه خواهیم دید که وزنه عوامل رده دوم تعیین‌کننده‌تر و حیاتی‌ترند (البته فقط با اتکا به عوامل رده دوم نیز نمی‌توان ظرفیت مسکن‌پذیری بافت‌های مرکزی را ارتقا داد).

به عبارت دیگر، طرح‌های جامع مرمت شهری، به جمیع عوامل متغیرهای شهر همچون موجود زنده‌ای که در بستر منطقه‌ای شهر می‌زیند توجه دارد و در هماهنگی با آنچه سرنوشت بخش‌های تازه شهر خواهد بود، به تدوین راه‌حل برای مسائل خاص بافت‌های مرکزی می‌پردازد.

لازم به یادآوری است که به خاطر همزیستی دائم و همکاری متقابل و تأثیرپذیری عناصر و فضاهای به کار رفته - اعم از بافت‌های کهن مرکزی و فضاهای توسعه یافته جدید - زمان تدوین طرح جامع مرمتی شهر را نمی‌توان مؤخر یا مقدم بر تدوین طرح جامع شهری قرار داد؛ و این دو در واقع تکنیک ناپذیرند (۱۷).

دوم اینکه، پنج مؤلفه اصلی در تعیین سرنوشت بافت‌های مرکزی، و همچنین در تدوین و روند اجرایی طرح‌های مرمت شهری مداخله می‌کنند که - بی‌اولویت - عبارتند از:

۱- توازن اقتصادی درون و برون شهری.

سرمایه‌گذاری در عرصه و اعیان در گستره نوساز شهر، آن‌گاه که به شکل و به مقیاس گسترده باشد، بر نگهداشت و مدیریت بافت‌ها و مراکز شهری اثر می‌گذارد

چنین روندی طی سه دهه اخیر زندگی بافت‌های مرکزی شهری تجربه شده و نتایج نامطلوبی به بار آورده است .

۲- توان تخصصی کارگزاران عملی- فنی در امر فنی در امور شهر شناختی و شهرسازی .

ناگفته نماند که در ایران ، متخصصان مرمت شهری هیچ‌گاه به میل خود و به هنگامی که حقیقتاً ضروری است به حل معضل نمی‌پردازند. آنان برای انجام کارهای تعریف و تجلید شده به میدان کار فراخوانده می‌شوند و در بهترین شرایط ، حکیمانی را می‌مانند فاقد توان‌هایی که حکومتی مقبول را برپا دارند .

۳- توان مشارکتی شهروندان در مدیریت فضای شهری .

نگهداشت ارزش‌هایی که موضوع مرمت شهری را به میان می‌آورند ، از همکاری و همدلی‌هایی که در طول سده‌های پیشین و تا اوایل دوران پهلوی اول میان ساکنان و شاغلان بافت‌های مرکزی ایران جاری بوده ، زاده شده‌اند. شرایط کنونی زندگی شهری در ایران نمایانگر دورانی گذرا و در همه حال بحرانی است که به درستی روشن نیست که چه شخص یا اشخاص حقیقی و حقوقی به شکلی روزمره ، الگوهایی را که خود می‌خواهند و برای خود آنان مقبول و سودآورند بر ذهن مردمان می‌نشانند. باید پذیرفت که مشارکت داشتن کسانی که صاحب و مالک و ساکن و شاغل محل‌اند ، امری اجتناب ناپذیر می‌نماید .

۴- پیش‌های حاکم بر شهرها .

پیش‌های فردی و ذهنیت مدیران شهرها که معمولاً به شناخت همگانی گذاشته نمی‌شوند تا به شکلی آشکار ارزیابی گردند ، بر حسب مورد می‌توانند سودمند و یا ویرانگر ، خیراندیش یا به دور از منافع حقیقی مردمان شهر نشین باشند و یادست کم پاسخگوی نیازهای زودگذر و روزمره ، یعنی به دور از مبانی اندیشه‌ای خاص توسعه پایدار .

۵- نظام حقوقی تعیین‌کننده روابط انسانی- مدنی گسترده و کارگزار در شهر .

مجموعه رابطه‌هایی را که میان انسان و فضای ساخته شده متعلق به او برقرار است باید بر مبنای ضابطه‌هایی ارزیابی کرد که به معادله‌ای همیشه در حال تغییر ناظرند. پیش‌بینی ابزارهای قانونی و نه صرفاً مقررات اجرایی و به ویژه مقررات اجرایی‌ای که خاص مکان‌های تعریف و تجلید شده‌اند ، برای زندگی فعال بخشیدن به آنچه حفاظت می‌شود تا به نفع جامعه کار شود ، ضروری است .

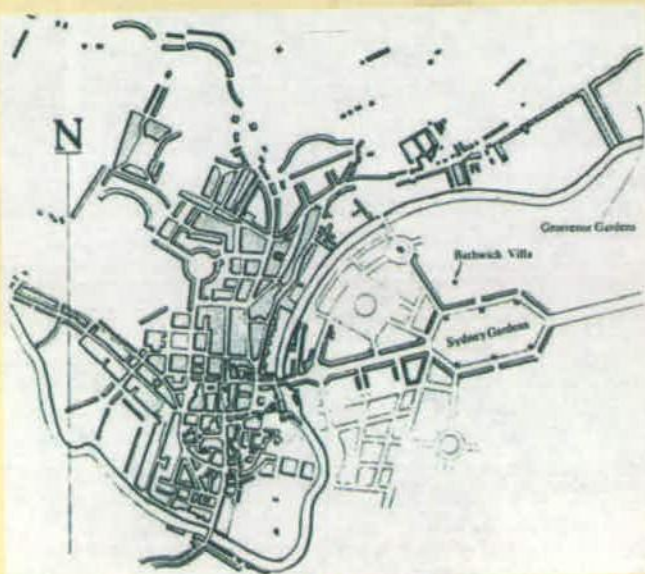
این پنج مؤلفه به هنگام زاده شدن شهرها در طول روند شکل‌گیری آنها تا پیش از رسیدن به بحران‌هایی که نیاز به مرمت شهری را- به طور اعم- به میان می‌آورند ، تعادلی پویا میان خود دارند و سلامتی رشد و توسعه شهری را تضمین می‌کنند .

منابع:

- ۱- مشهودی، سهراب؛ شناخت ظرفیت مسکن‌پذیری بافت‌های تاریخی، وزارت مسکن و شهرسازی، مجموعه مقالات سمینار سیاست‌های توسعه مسکن در ایران، ۱۳۷۲، ص ۱۲۵.
 - ۲- میر میران، سید هادی، نگار ساختن در صدف خویش، گفتاری در بار ملامت‌جلی احیاء و روان‌بخشی منطبق تاریخی ایران، معماری و شهرسازی، شماره ۳ و ۴، ۱۳۷۵، ص ۸۱ الی ۸۳.
 - ۳- جوادی، اردشیر، بررسی امکان‌پذیری توسعه فضایی مسکن (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، شهرسازی، دانشکده شهید بهشتی، دانشکده معماری و شهرسازی، ۱۳۷۷، ص ۲۲.
 - ۴- نشریه بافت، نشری، داخلی، دفتر مرمت و بهسازی و سازمان‌های و نوسازی شهری، شماره ۳، ۱۳۷۷، ص ۲ الی ۱۲.
 - ۵- فخاری تهرانی و دیگران: احیاء اعطای عملکرد جدید به بافتی قدیم، نشریه صفا، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده معماری و شهرسازی، ص ۷ الی ۱۲.
 - ۶- جباری، حبیب، نگرش جامعه‌شناختی به جایه‌جلی مرمت در بهسازی و نوسازی بافت‌های شهر، مجموعه مقالات
- همایش تخصصی بافت‌های شهری، وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۶، ص ۱۵۱ و ۱۵۲
- ۷- سلخند شماره ۲، ص ۱۱۴ الی ۱۱۶.
- ۸- خاتم، اسکندری، اقتضای «نیوسازی مسکن در مرکز شهر»، انبوه‌سازان مسکن، فصلنامه تحقیقی، تحلیلی، خبری و آموزشی، سازمان ملی زمین و مسکن، ۱۳۸۰، ص ۶۲ الی ۶۴.
- ۹- خلکی، غلامرضا، روش تحقیق بارویکردی به پایان‌نامه نویسی، مرکز تحقیقات علمی کشور، ۱۳۷۸، ص ۲۴.
- ۱۰- عیدی، دانشیور، زهره، اصول و تکنیک‌های برنامه‌ریزی شهری، جزوه درسی رشته کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشکده شهید بهشتی، دانشکده معماری و شهرسازی، ۱۳۷۵، ص ۲ و ۳.
- ۱۱- سلخند شماره ۳، ص ۱۲۲.
- ۱۲- قلاسی، محمد منصور، بازآزمایش‌های بافت‌های تاریخی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۵، ص ۱۷۶.
- ۱۳- هفت شهر، فصلنامه عمران و بهسازی شهری، وزارت مسکن و شهرسازی، سال دوم، شماره سوم، ۱۳۸۰، ص ۱۰۵ الی ۱۰۸.

نقد و بررسی اقدامات مرمتی شهرداری باث در انگلیس*

ترجمه و تلخیص از دکتر احمد میرزا کوچک خوشنویس
عضو هیئت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)



نقشه ۱. شهر باث

شهر باث در انگلیس از جمله شهرهای تاریخی است که مجموعه‌های تاریخی و عناصر شهری آن ارزش‌های میراثی بسیار زیادی دارند (نقشه ۱). شهرداری باث مسئولیت مرمت و نگهداری این عناصر با ارزش تاریخی-فرهنگی را به عهده دارد و نسبت به این امر تا به حال اقدامات شایان توجهی نیز انجام داده است.

به طور کلی اقدامات مرمتی شهرداری باث در چهار عنوان کلی خلاصه می‌گردد: بهسازی؛ مرمت؛ باززنده‌سازی؛ و ترکیبی از سه اقدام پیش گفته.

۱- در امر بهسازی اقدامات گوناگونی در جهت بهبود ظاهری ناحیه حفاظتی مورد توجه قرار می‌گیرد. اما در جهت اقدامات مرمتی، اگر چه بهبود وضع کیفیت ظاهری ادامه داشته، کوشش زیادی نیز در امر تغییر فضاهای خارجی و بازسازی آنها انجام گردیده است. بخش مهمی از اقدامات شهرداری شهر تاریخی باث نیز به امر

باززننده سازی عناصر تاریخی، و نوسازی فضای داخلی آنها - که در جهت استفاده کاملاً جدید از این ساختمان‌ها ضروری بود - معطوف گردیده است. اما مهم‌تر از همه اقداماتی است که از ترکیب هر سه روش عنوان شده مبنی بر بهسازی، تعمیر و مرمت و باززننده سازی، با هم انجام شده است.

در تجربه اقدامات شهرداری باث به این نکته تأکید شده است که توجه به جزئیات هر چند کوچک در نواحی تاریخی به همان اندازه توجه به اقدامات کلان حفاظتی در این نواحی بایستی مورد توجه قرار گیرد.

شورای شهر تاریخی باث از ۵ نوامبر ۱۹۶۸ (۱۴ آبان ۱۳۴۷) با تعیین مقدماتی ۶ ناحیه حفاظتی اقدامات خودش را آغاز کرد و از اوایل ۱۹۶۹ (۱۳۴۷) گروهی را با نام «گروه اجرایی ناحیه حفاظتی» تشکیل داد.

این گروه متشکل بودند از نمایندگان میراث فرهنگی شهر باث، گروه جامعه معماران این شهر، همچنین معاون معماری و شهرسازی شهرداری، معاون مهندسی نظارت فنی شهرداری و دبیر شورای شهر.

این گروه علاوه بر بررسی پروژه‌های حفاظتی، زمان بندی اجرایی برنامه‌های حفاظتی در نواحی ششگانه و بهبود وضع ظاهری را با دقت در موارد زیر بر عهده داشته است:

الف - علائم تجاری - اقدام برای انتقال و جابه جایی و تغییر علائمی که طرحی ضعیف داشتند و یا از نظر موقعیتی در محلی نامناسب نصب شده بودند.

ب - علائم راهنمایی رانندگی - اقدام برای انتقال هر علامت غیر ضروری که برای حفظ جان و سلامتی عابران از خیابان‌ها کار گذاشته شده بود، در هر جایی که امکان تغییر علائم ضروری با علائم کوچک‌تر و با ظاهری بهتر وجود داشت. به طور مثال، طرح چراغ‌هایی با نور روشنایی داخلی به جای طرح چراغ روشنایی نور مستقیم، و یا نصب علائم راهنمایی و رانندگی بر روی دیوار ساختمان‌ها باعث شد که پایه‌های این علائم از سطح خیابان و پیاده‌روها حذف گردد.

ج - تزئین ساختمان‌ها و بهبود وضع ظاهری (بهسازی)

رنگ آمیزی دیوار و پنجره‌های بناهای تاریخی در شهر تاریخی باث با توجه به قوانین شهرداری صورت گرفت و نرده‌کشی نازیبا دیواره منازل تعویض گشت، سیم‌های برق، دیوار کوب‌ها، طاقچه‌ها و قرنیزها در نمای خارجی ساختمان‌هایی که سیمای زشتی را به وجود می‌آورد، از نو بازسازی شد.

در مرکز شهر قدیم باث دو ناحیه مورد توجه و بررسی قرار گرفت. اول ناحیه‌ای در اطراف نمازخانه شهر باث، و دومی ناحیه‌ای که درست در کناره شمال غربی شهر واقع شده بود. شهرداری شهر باث برای هر گونه اقدام حفاظتی در این نواحی نیازمند تأسیس و تشکیل نهادهای محلی بود که به آن نیز دست یافت.

معاون معماری و شهرسازی شهرداری پروژه‌های آماده سازی خود را که شامل فهرستی از طرح و برنامه، و فهرستی از طرح‌های پیشنهادی طرح خانه‌های سبک تراس دار در شهر تاریخی «باث» بود، به گروه اجرایی ارائه داد - که پس از تغییراتی موزد موافقت واقع شد. معاون معماری

و شهرسازی شهرداری کلیه اقداماتی را که مورد توجه ساکنان این نواحی بود، در اولویت خاص قرار داد. بدین ترتیب، به دنبال تماس با مالکان خصوصی، طرح تغییر علائم تجاری و رنگ آمیزی ساختمان‌ها انجام شد. در مورد جابه‌جایی و تغییر و تعویض علائم تجاری موافقتنامه‌ای بین شهرداری و مالکان خصوصی امضا شد و بر این اساس کلیه موارد موافقت‌نامه‌ها انجام گرفت و تنها در چند مورد شهرداری مجبور گردید تا با استفاده از قوانین موجود در مورد نصب آگهی‌های تجاری، اختاریه‌هایی ارسال کند و بر طبق آن از مالکان بخواهد که نسبت به برچیدن علائم نامناسب اقدام کنند.

در انجام موافقت‌نامه مذکور بعضی از مالکان حتی به شورای شهر و کالت دادند تا با تنظیم قراردادی با پیمانکاران محلی انواع مختلف الواح دیوارکوب را جابه‌جا کند و به تزئین مجدد و رنگ آمیزی ظاهری ساختمان‌ها پردازد.

۲- اقدامات شهرداری شهر تاریخی باث که در جهت مرمت و بهبود وضع ظاهری شهر در ناحیه تاریخی شد، عبارتند از:

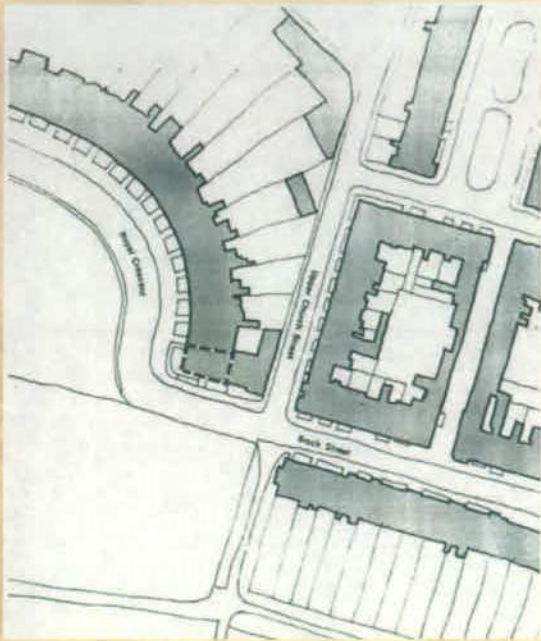
طرح جامع خانه‌های سبک تراس دار و جورجین

شورای شهر طرح‌هایی را در سال ۱۹۵۵ بر اساس قانون ساختمان‌های تاریخی و باستانی تصویب کرد. این امر باعث شد تا طرح خانه‌های سبک تراس دار و جورجین تحکیم گردند و در جهت تعمیر و مرمت نمای بناهایی که در فهرست ساختمان‌های تاریخی ثبت شده‌اند، کوشش به عمل آید. طبق شرطی که در پیشنهاد مذکور مطرح بود، از شهرداری خواسته شد تا تنها در نیم این مبلغ سهم باشد تا برای مالک تنها هزینه ۲۵ درصد از کل مبلغ کار ساختمانی لازم به پرداخت باشد.

از آن زمان تا به حال بودجه دولتی چندین برابر شده است تا افزایش فهرست بهای کارهای انجام شده را جبران کند.

شورای محلی با عضویت نمایندگان سازمان حفاظت آثار تاریخی، شهرداری و نمایندگان علاقه‌مند محلی تشکیل شد تا به بررسی همه مسائل پردازد و در ضمن توصیه‌هایی را نیز برای سازمان حفاظت آثار تاریخی آماده کند. این موارد با ارائه چند پیشنهاد با تخصیص بودجه‌های دولتی به دبیر سازمان ایالتی محیط زیست انجام گردید، و در جهت کمک به بررسی‌هایی که کمیته «طرح و برنامه» محلی انجام داد، معاون معماری و شهرسازی را وادار کرد تا تعمیر مرمت لازم ساختمان‌های مهم را با توجه به بودجه‌های فراهم شده سال به سال توسعه دهد و تکمیل کند.

تعمیر و مرمت ۳۳ باب منزل در سیرکوس Circus به وسیله کمیته مذکور مورد بررسی و اظهار نظر واقع شد و اولویت‌های برتر نیز در انجام تعمیر و مرمت‌ها مشخص گردید. تنها پس از ۱۰ سال وقتی تعداد اولویت‌ها کاهش پیدا کرد، این مبلغ را کمیته مذکور به بهسازی خیابان پولتنی Pulteney بزرگ در محله لورا Laura تخصیص داد؛ که عنوان اولویت دوم اینیه حفاظتی نیز به آنها داده شد. از سال ۱۹۷۵، تعداد ۸۸ خانه نیز با همین اولویت در طرح و برنامه قرار گرفت. جالب است که مشهورترین خانه‌های سبک تراس دار جورجین Georgian در ناحیه ساختمان‌های «هلال سلطنتی» را کمیته طرح و برنامه مذکور به هیچ وجه در اولویت قرار نداد، چرا اینکه این بناها تحت حفاظت کلی قرار داشتند (نقشه ۲ و ۳). با توجه به تعداد طرح‌های دریافت شده در طول این سال‌ها و همچنین با در نظر گرفتن اولویت‌های مربوط به این نواحی، بودجه‌هایی به طرح خانه‌های سبک تراس دار اختصاص پیدا کرد، که تنها به یک یا چند ساختمان خارج از خیابان مذکور تخصیص داده شد؛ اگر چه در این زمان تمامی طول خیابان باث امکان طراحی و برنامه ریزی داشت.



نقشه ۲. ناحیه هلال سلطنتی

در این مدت مواردی نیز وجود داشت که نمی دانستند آیا مشمول موارد مذکور می گردد یا خیر. از جمله به لحاظ محدودیت مالی طرح خانه های سبک تراس دار با بودجه سیستم دولتی ۵۰ درصدی به عهده گرفته شد، بدون آنکه هیچ سهمی را شورای شهر تقبل کند. همچنین تعمیر و مرمت نمای بناها و محوطه هایی مانند پارک Prier و خانه شماره یک هلالی سلطنتی و تئاتر سلطنتی و اتاق پمپ Suite در ساختمان های قدیمی مورد توجه قرار گرفت.

بنابراین تصمیم گرفته شد که پهنه کار با انجام مسائل ذیل توسعه یابد:

الف- تمام نمای سنگی خیابان نمازخانه و خیابان یورک سفید شود و این پاکسازی تالبه شرقی خیابان بر روی ابنیه انجام گیرد.

ب- انجام تعمیرات ضروری بر روی نمای سنگی این ناحیه.

ج- تکمیل تزئینات خارجی بر طبق دستورالعمل رنگ آمیزی فضای بیرونی که مورد تأیید شهرداری قرار گرفته است.

عملیات قرارداد پاکسازی سنگ نماها و تعمیر آن تنظیم گردید و سپس به وسیله مدیر اداره ایالتی به مشاوران معاون معماری و شهرسازی سپرده شد. تزئینات دوباره خانه شماره ۳ در خیابان نمازخانه و رختشویخانه «اسپا Spa» نیز تنظیم شد.

همچنین بازبینی خانه شماره ۴ خیابان نمازخانه به وسیله بازرس وزارت آموزش و پرورش انجام شد.

مالکان جدید به همراه بقیه مالکان موضوع مشکلات را با شهرداری مطرح کردند تا به منظور انجام طرح کلی جامع برای ارتباط با نماهای ساختمان ها یاری بگیرند. شهرداری موافقت کرد تا بودجه ای را به عنوان حق الزحمه شستن و پاکسازی نمای این ابنیه بپردازد و همچنین در این جهت به تعمیر کارهای سنگی و تزئین دوباره این ابنیه در این زمان پرداخت.

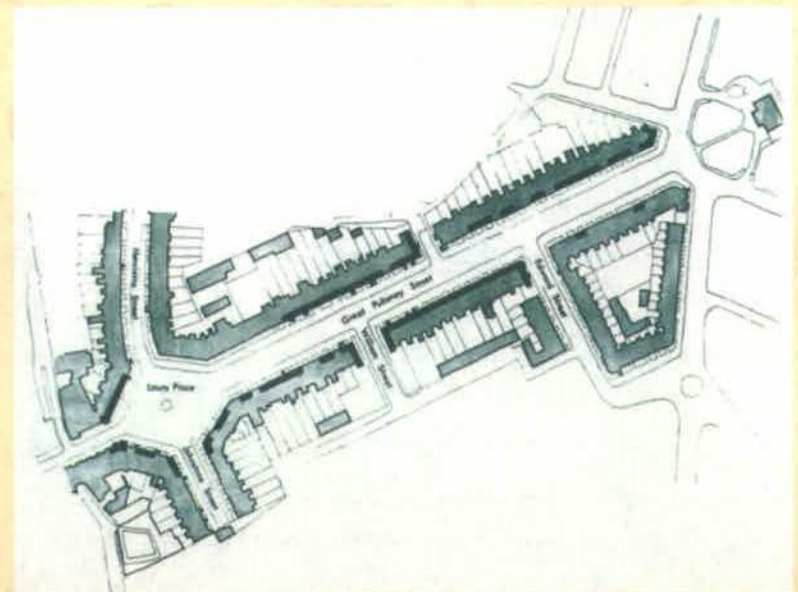
بر این اساس طرح مرمت ابنیه مذکور، بدین شکل آماده شد:

الف- پاکسازی نمای سنگی جلو.

ب- تعمیرات اساسی و کار روی سنگ ها.

ج- تزئین دوباره نمای طبقه همکف در جلو و رنگ آمیزی کلی، که

سازگار با رنگ های نمای سنگی انجام گرفت.



نقشه ۳. موقعیت اجرای طرح خانه های تراس دار در شهر باث

د- تزئین دوباره همه درها و پنجره‌ها با استفاده از رنگ سفید .

۳- احیای املاکی که با سبک تراس دار جورجین به هم متصل می‌شد، و در قسمت غربی جاده «لنسداون Lansdown» قرار داشت، یعنی در شمال مرکز شهر بود، که نمای جلوی آنها مثل بسیاری از نماهای همجوار به طور کامل سیاه شده بود و جذابیت ظاهری نداشت. به علاوه، همچون بیشتر ساختمان‌های دیگر سبک جورجین، میله‌های درخشان آنها را انتقال داده بودند. اما بعدها در دوره ویکتورین Victorian دوباره برای پنجره‌ها چارچوب مشخص گذاشتند و سقف‌ها را تعویض کردند. بدین ترتیب می‌بایست در تمام طول نمای جلو داربست فلزی برپا می‌گردید .

تصمیم برآن شده بود که تا زمانی که داربست‌ها در آنجا قرار می‌گرفت، از آنها برای نقل و انتقال عناصر نمادین استفاده گردد .

الف- پاکسازی نماهای جلویی .

ب- انجام تعمیرات بنایی .

ج- کارگذاری میله‌های درخشان در جلوی تمام پنجره‌ها .

د- انجام کلیه تعمیرات بر روی ابنیه شامل نماهای پشتی و نرده‌گذاری جلویی .

با گذشت زمان ساختمان‌های اصلی به طور کامل خالی شد و شرایط بعدی نیز باعث گردید تا بناها از پیش مورد فرسایش قرار گیرند، به طوری که کسی از ساکنان در قبال آنها احساس مسئولیت نمی‌کرد، به ویژه پس از آنکه در این بناها آتش سوزی رخ داد. طرح‌های پیشنهادی مالک و شرکت، گسترش بعدی در این بناها، شامل طرح کلی برای بازسازی کامل و بازگرداندن بناها به حالت اولیه بود. اما حتی این پیشنهاد نیز اعتراضات افرادی را که به جنبه‌های نگهداری این بناها علاقه زیادی داشتند برانگیخت، زیرا احساس می‌کردند دیگر چیزی برای باززنده‌سازی سازه‌های موجود باقی نخواهد ماند. بعدها در سال ۱۹۷۲ میلادی، زمانی که شرکت گسترش اولی ساختمان‌های فهرست شده را تعیین کرد، آقای سی‌وی‌یر C.Ware - که بعدها شرکت حفاظت بیوفورت Beaufort را تشکیل داد- توانست زمین خالی کناری را به طور جداگانه بسازد.

اجازه طراحی و بودجه مربوط به آن در سال ۱۹۷۳ میلادی برای مرمت و نوسازی بناها تعیین شد، تا بعد از مرمت اولیه سقف‌ها، به زودی برای ساختمان فروشگاه و مغازه‌ها، دفاتر اداری و واحدهای مسکونی تغییر کاربری داده شود. با وجود این، چون قیمت زمین افزایش پیدا کرد و قیمت واحدهای مسکونی در بازار پایین آمد، شهرداری با بی‌میلی فراوان پذیرفت که طرح کلی تنها زمانی پایدار خواهد بود که بودجه برای کل طبقات بالا نیز اجازه داده شود تا بتواند در جهت دفاتر اداری استفاده شود. بر این اساس بودجه‌ای در ماه می ۱۹۷۴ تعیین شد. البته چنین استفاده‌ای، زمانی می‌تواند سودآور باشد که تمامی فضای باقی‌مانده بتواند بدون تقسیم بندی ضروری داخلی و به منظور استفاده مسکونی ابقا شود. کار مرمتی شامل تعویض پنجره‌های اصلی در طبقه همکف، در زمانی بود که مغازه‌ها کارشان را در آنجا ادامه می‌دادند. اولین مرحله کار به وسیله پیمانکاران خصوصی و برای شرکت حراست بیوفورد انجام شد و مراحل آخرین نیز به وسیله شرکت سهامی تی هولدوی T.Holdoway و پسران که ملک را از شرکت حراست بیوفورد خریداری کردند، به پایان رسید. هزینه این کار ۳۰۰ هزار پوند بود که از آن مبلغ ۱۱ هزار و ۵۰۰ پوندی بودجه مرمتی به وسیله وزیر ایالتی محیط زیست پرداخت شد .

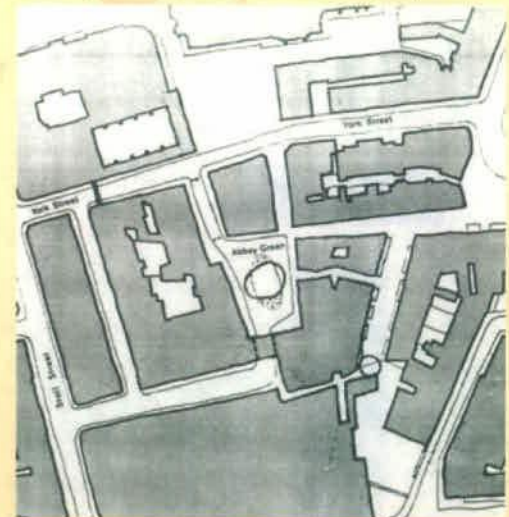
۴- در ترکیبی از سه تجربه قبلی، طرح های جامعی برای حفاظت از اماکن میراثی باث انجام شده است که چند تجربه از آنها در ادامه ذکر می گردد:

۱- فضای سبز نمازخانه Abbey Green

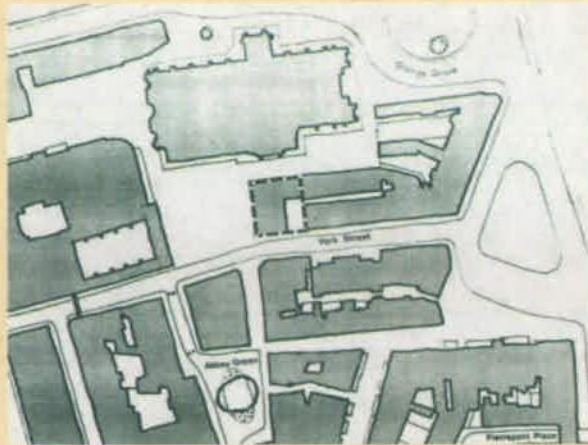
فضای سبز نمازخانه در میدان کوچکی در نزدیکی خانه های قرن ۱۷ و ۱۸ میلادی قرار دارد که در زمره ساختمان های درجه دوم ثبت شده اند و همراه با ابنیه خیابان دروازه نمازخانه Abbeygate و خیابان کلیسا گروه مهم ساختمانی را تشکیل می دهند که از لحاظ ویژگی های معماری و تاریخی بسیار جالب اند. میدان و خیابان های اطراف سنگفرش گردیدند و برای این کار از سنگ های دم چلچله ای در کفپوش استفاده شد و در قسمت درشکه رو نیز سنگ های گرانبه کنار هم قرار داده شد. در مرکز میدان نیز جزیره ای از چمن پوشیده شده که بر روی آن یک درخت بزرگ آژدار Plane ایستاده است. در سال های اخیر ظاهر میدان کاملاً تغییر شکل پیدا کرده بود و این در نتیجه اقدامات نامناسب مالکان خصوصی و شهرداری در این قسمت بود. اگر چه از سال ۱۹۶۸ میلادی با بسته شدن خیابان نمازخانه بر روی ترافیک اتومبیل ها و ممنوعیت پارک در این خیابان ها از تأثیرات حرکت ماشین در این ناحیه جلوگیری شده بود، اما فضای سبز نمازخانه به طور کامل منهدم گشته بود و پارک ماشین تمامی صدمه ها را به این مکان زده بود. همچنین شهرداری برای بهبود وضع جزیره چمن وسطی که حالا دیگر فرسوده شده بود، اقدام به تعویض خاک ریشه دار و احداث چمن جدید کرد و بعدها مراقبت های ویژه ای را نیز پی گرفت.

تقریباً تمام راه پیاده رو و درشکه رو فرسوده شده بود و به علاوه ساختمان ها هم نیاز به تزئین دوباره نمای خارجی داشتند. این اقدام در تداوم امر بازسازی داخلی مورد نیاز بود. سازمان میراث فرهنگی در شهر باث با یک طرح جامع مرمتی برای تغییر کاربری املاک شماره

۲۰۲- الف فضای سبز نمازخانه Abbey Green به مغازه دربستی با بالا خانه کوچکی در هر واحد موافقت کرد. بهای این قسمت از کار ۳۲ هزار و ۶۰۰ پوند بود که از بودجه حفاظتی ۶ هزار و ۹۰۰ پوندی و به وسیله واحد محیط زیست پرداخت شد. به علاوه بودجه ۱۲۰۰ پوندی بهبود مسکن سازی نیز به وسیله شهرداری شهر پرداخت گردید. این مرمت جایزه سال سازمان میراث فرهنگی عمومی را دریافت کرد. کار پایانی بر پایه طرح ساختمانی در جهت شکل گیری محصوره کناره جنوبی میدان انجام شد. پروژه بر اساس تمایل شرکت سهامی مارکس و اسپنسرز Marks & Spencers بر پا شد، تا یک طبقه به مغازه فروشگاه می باشد که در کنار فضای سبز نمازخانه جنوبی قرار داشت اضافه گردد. اندازه و مقیاس این ساختمان که با میدان تعامل دارد، توجه انسان را به خود جلب می کند. در نتیجه بحث های عمده ای بین شرکت و شهرداری در مورد املاک شماره ۵ و موقعیت زمین شماره ۷ در کنار چمن نمازخانه در گرفت. با مشارکت بین این دو نهاد و با توجه به بودجه ۲۰ هزار پوندی، ساختمانی با رواقی پیرامونی برپا گردید که با پذیرش



نقشه ۴. موقعیت پروژه Abbey Green در شهر باث



نقشه ۵ موقعیت Abbey Green نسبت به خیابان یورکو و Pierrepont

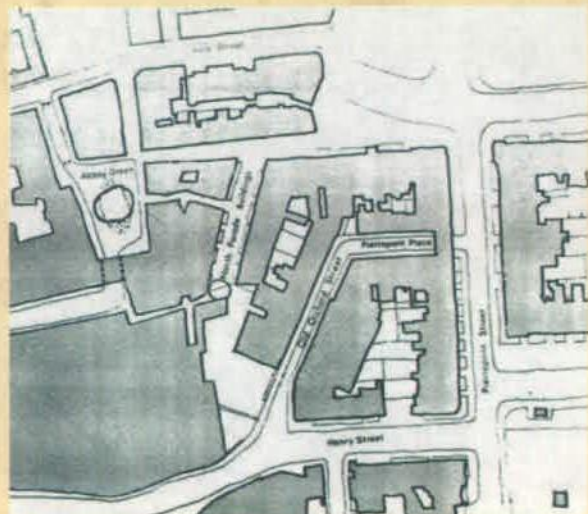
شهرداری این پیشنهادیه پذیرفته شد. این پروژه در سال ۱۹۷۴ میلادی کامل گردید و مبلغ ۴۹ هزار پوند برای آن هزینه شد. بدین ترتیب، ساختمان با سنگ طبیعی پوشانده شد و بیشتر آنها با قوس بزرگی در مقابل بزرگراهی که روبه‌رو واقع شده، ساخته شده‌اند. این طرح شامل مغازه شماره ۷ بر روی زمین پیشین از چمن نمازخانه می‌شود و شامل یک واحد یک خوابه می‌گردد که بالای همه اینها و طاق‌های مذکور احداث می‌شود و واحد مسکونی روی طبقات دوم و سوم توسعه می‌یابد.

گفتنی است این طرح جایزه سال سازمان حفاظت میراث فرهنگی عمومی را دریافت کرد. به علاوه، خانه شماره ۵ چمن نمازخانه به وسیله شهرداری به سه آپارتمان مسکونی تبدیل شد (نقشه ۴ و ۵).

۲- محله پیرپونت و خیابان قدیم ارکاردر Orchard

محله پیرپونت و خیابان قدیم ارکاردر، با دو خیابان کوتاه و با زاویه‌ای به هم متصل می‌گردند و در نزدیکی نمازخانه به هم می‌رسند (نقشه ۶). محله پیرپونت با دروازه جیمز مقدس St. James به خیابان پیرپونت اتصال می‌یابد. ساختمان‌ها که از نوع درجه دوم ثبت شده‌اند، در اولین سال‌های قرن ۱۸ میلادی برپا شده‌اند. بعضی از بناها در محله پیرپونت به وسیله جان وود John Wood بزرگ در حالی ساخته شده بود که در همان زمان نزدیک بناهای محله پرید Parade قرار می‌گرفت.

ملک شماره یک محله پیرپونت زمانی خانه الیزابت لینلی Elizabeth Linley بود که بعدها همسر ریچارد برینسلی شریدان Richard Brinsley Sheridan شد. ملک شماره ۱۲ خیابان قدیمی ارکاردر که هم اکنون تالار ماسونیک است، تئاتر اولیه سلطنتی باث بود. در انتهای جنوبی خیابان بعضی از دیواره‌های شهر قدیمی باقی مانده بود، که به همراه محله دروازه جیمز مقدس همه با هم در خیابان به عنوان گروه مهمی از بناهای فهرست شده و در زمره بناهای جالب تاریخی و معماری مورد توجه قرار گرفته‌اند. این گروه از ساختمان‌ها در یکی از نواحی پیشنهادی بود که برحسب قانون برای مطالعه حفاظتی آماده شده بود و این طرح به وسیله مسرز Messers، کالین بوچانان Colin Buchanan و شرکا در سال ۱۹۶۹ پیاده گشت و یکی از چهار طرحی بود که در شهرهای تاریخی انجام شد. پیشنهاد مذکور انگیزه اصلی شد برای چند نفر از مالکان که پی در پی

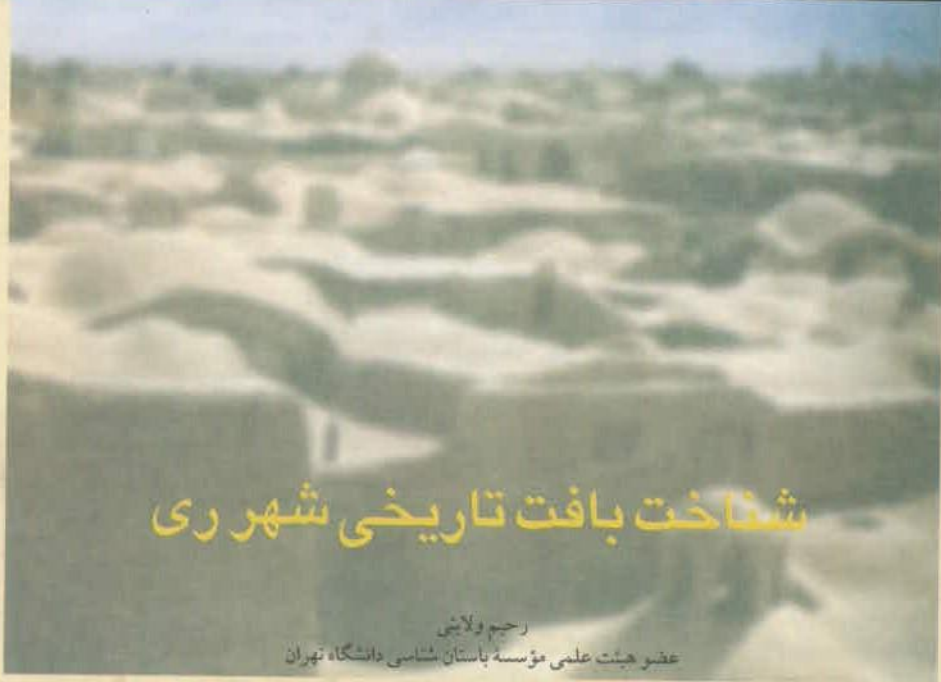


نقشه ۶ محله پیرپونت و خیابان ارکاردر

موضوع را با شهرداری مورد بررسی قرار می‌دادند و به انجام امور مرمتی و تعمیر ساختمان‌ها و باززنده‌سازی فضاهای داخلی می‌پرداختند. بسیاری از بناها از نظر استاندارد در سطح پایینی بودند و حتی در قسمتی امید آن بود که بر اساس پیشنهاد مطالعات انجام شده، دیوارهای کوتاه باغ‌ها در پشت املاک بتوانند با هم ترکیب شوند تا فضای باغ مشترک بزرگ‌تری فراهم آید. به منظور تحقق هدف بالاتر، از آنجا که منظر اولیه خیابان خراب می‌شد و ساکنان از آن راضی نبودند، کتابفروشی بزرگ ملک شماره ۱۹ خیابان ارکارد قدیمی نیز انتقال پیدا کرد. بدین ترتیب، طرح مذکور مشروط به تأمین بودجه شد تا پیش برده شود. پس از بحث‌های پی‌درپی سرانجام وزیر مسکن و دولت محلی با آن موافقت کرد. طرح جامع بایستی به عنوان پروژه مقدماتی شهری بتواند به عنوان یکی از چهار شهر تاریخی رفتار کند، تا با بودجه پرداخته شده برای مرمت نماهای موجود تا ۵۰ درصد از دولت و ۲۵ درصد از شهرداری، این کار انجام شود. علاوه بر این، فضای داخلی نیازمند باززنده‌سازی بود تا واحدهای مسکونی مستقلی با سود مالی از بودجه‌های سرمایه‌گذاری شده در این زمینه شکل بگیرد. در سال ۱۹۷۱ میلادی به طرح‌ها نظر داده شد و در حدود سال ۱۹۷۵ همه غیر از یک ملک در مکان پیرپونت و کل خیابان قدیمی ارکارد شامل املاک ۱۳ و ۱۴ در خیابان پیرپونت به هم مرتبط شدند. این طرح شامل دروازه جیمز مقدس نیز می‌شد. به علاوه، طرح‌های کلی باغ در پشت هر دو خیابان کامل شده بود و روزنامه فروشی و کتابفروشی نیز می‌بایست از طبقه همکف ملک شماره ۱۹ خیابان ارکارد قدیمی برداشته می‌شد، و آن‌گاه مغازه می‌توانست به صورت جدیدی نمود پیدا کند. این طرح توانست جایزه سال سازمان میراث فرهنگی عمومی را دریافت کند.

جمع بندی از تجربیات

شهر باث با تاریخ نه چندان باستانی خود به خوبی مورد توجه مردم و دولت قرار گرفت و بر این اساس از بودجه‌ها و هم‌اندیشی در تصمیم‌گیری‌ها بهره برد. شهرداری باث مسئولیت حفاظتی را بر عهده داشته، و چونان سازمانی اضافی بر نظام دولتی نبوده است. در نتیجه قدرت تصمیم‌گیری متمرکز در شهرداری نیز خود را حافظ میراث فرهنگی دیده و توانسته است موضوع حفاظت اماکن میراثی را در کنار کلیت مسائل شهری ببیند. شورای شهر نیز در این زمینه فعال برخورد کرده است. نتایج به دست آمده نوعی همکاری و تعاون را بین دولت و مردم به وضوح نشان می‌دهد. دست‌آخر نیز گفتنی است تمام تصمیم‌گیری‌ها بر اساس قانون بوده و هیچ‌ارگانی خلاف آن عمل نکرده است.



شناخت بافت تاریخی شهر ری

رحیم ولایتی
عضو هیئت علمی مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

مقدمه

سرزمین ری باستان بخشی از فلات مرکزی ایران است. مدارک مکتوب تاریخی و شواهد باستان‌شناختی نشان دهنده جایگاه ویژه این سرزمین در تحولات فرهنگی فلات مرکزی ایران در دوران‌های پیش از تاریخ، تاریخی و اسلامی است. این شهر با قدمت تقریبی هفت هزار ساله، نشانه‌های تمدنی درخشان چون تپه چشمه علی را در خود دارد، که به عنوان شاخص فرهنگی مهمی در منطقه شناخته می‌شود. ری، شهر مهم مذهبی زردشتیان بوده و یکی از مراکز مهم تربیت مغان و موبدان زردشتی محسوب می‌شده است. نام این شهر در کتاب مذهبی زردشتیان، «رغ» ذکر شده و در کتب تاریخی یکی از شهرهای بزرگ دولت ماد قلمداد گردیده است. از اهمیت این شهر در دوره هخامنشیان همین بس که نام این شهر در سنگ‌نبشته بیستون به صورت «رگا» در کتیبه‌ای از داریوش هخامنشی به سه زبان ذکر شده است. ری در زمان سلوکیان در پی ویرانی در اثر زلزله شدید مجدداً آباد گردید. سلوکوس اول به یاد موطن خودش در مقدونیه نام اورپس Europos را برای این شهر انتخاب کرد؛ و در زمان اشکانیان این شهر ارشکیه نامیده شد و به عنوان پایتخت بهاره پارتیان انتخاب گردید (۱). این شهر در مسیر جاده ابریشم قرار داشته و پیوسته دارای بیشترین امنیت در جاده مذکور بوده است. با توجه به مسیر طولانی جاده ابریشم که سواحل

شرقی مدیترانه را به مرزهای غربی کشور چین پیوند می داد، ری مرکز معاملات عمده تجاری میان شرق و غرب محسوب می شد (۲). پژوهش‌های باستان‌شناختی در ری نشان داده است که این شهر از هزاره سوم قبل میلاد مسکون بوده و تمدن درخشانی را در خود داشته است. در تقسیمات جغرافیای جدید، ری یکی از شهرستان‌های استان تهران است و در شش کیلومتری پایتخت قرار دارد. محدوده سیاسی اجتماعی ری امروز از حاشیه جاده ساوه در غرب تا جنوب تهران در محدوده جنوبی منطقه شانزده در شمال ری و جاده خراسان در شرق و زمین‌های بخش فشافویه در محدوده جنوب ری است.

بافت تاریخی

محدوده بافت تاریخی ری براساس محله‌های آباد امروز، چنین است: از شمال به جاده کمربندی تهران، از جنوب به جاده کمربندی شهرری در جنوب حرم حضرت عبدالعظیم، از شرق به کوه‌های سیمان ری، و از غرب به خیابان شهید رجایی.

اولین بار نقشه بافت تاریخی ری به وسیله کرپرتر در سال ۱۸۱۸ میلادی با ذکر نام ۲۵ نقطه از این بافت ارائه شده است. براساس این نقشه، نقطه شمال غرب به بقعه جوانمرد قصاب و نقطه شمال شرق به گورستان برین منتهی می‌شود. نقطه جنوب غربی به حرم حضرت عبدالعظیم و نقطه جنوب شرقی به قلعه گبری یا قلعه جنوب شرقی منتهی می‌شود (۳).

سر رابرت کرپرتر (Robert Kerporter) سیاح انگلیسی که در زمان فتعلی شاه قاجار از ایران دیدن کرد، از آثار موجود ری قدیم باقی مانده تا آن زمان - مانند برج و باروها و قلاع مختلف و سایر ابنیه باستانی شهر - نقشه‌های پر ارزشی تهیه کرد، که به همراه شرحی مفید بر این نقشه درباره ری در سفرنامه وی در سال ۱۸۲۱ در لندن به چاپ رسید.

در نقشه بافت تاریخی ری، تهیه شده به وسیله سر کرپرتر انگلیسی، تپه چشمه علی به عنوان قدیمی‌ترین نقطه بافت تاریخی با شماره پانزده مشخص شده است. این تپه مهم‌ترین شاخص قدمت تاریخی تمدن ری به شمار می‌آید، که در کنار باروی معروف و قدیم این شهر قرار دارد (۴).

تپه پیش از تاریخی چشمه علی در دامنه‌های جنوبی ارتفاعات البرز در دشت ری و در ارتفاع ۱۰۸۰ متری از سطح دریا با طول جغرافیای ۵۱ درجه و ۲۷ دقیقه و عرض جغرافیای ۵۱ درجه و ۲۰ دقیقه در جنوب شرق تهران و شمال شهر ری قرار دارد (۵).

در سالهای ۱۹۱۳، ۱۹۱۲ و ۱۹۲۵ رایت، کاردار سفارتخانه فرانسه در تهران، تحت سرپرستی ژان ژاک دمرگان در چشمه علی حفریاتی انجام داد و در سال‌های ۱۹۳۴-۱۹۳۶ هیتی از نمایندگان موزه هنرهای زیبای بوستن و بنیاد خانم ویلیام بوسین از دانشگاه فیلادلفیا تحت سرپرستی اریخ اشمیت در تپه چشمه علی ری به کاوش و بررسی پرداختند (۶).





تصویر دژ رشکان، قلعه با کاخ باقی مانده از دوره اشکانیان در شرق شهر ری

شهری در زمان امپراتوری هخامنشیان به دو دلیل اهمیت داشته است:

۱- به دلیل مذهبی بودن این شهر، که مرکز تربیت مغان بوده است. این شهر از ابتدا به دلیل تقدس مذهبی چنان اهمیت داشته که در اوستا در بند ۱۶ در مورد اهمیت مذهبی آن چنین آمده است: دوازدهمین کشور بانزهرت که من - اهورامزدا - آفریدم، ری (رغه) با سه نژاد بوده است (۷).

۲- دومین علت اهمیت شهری هدایت قیام‌ها و

شورش‌هایی بود که پس از سلطه هخامنشیان بر سرزمین ماد رخ داد. چنانکه در کتیبه‌ای از داریوش به سه زبان فارسی باستان، عیلامی و بابلی، نام ری به صورت رگا ذکر شده است. (۸)

ری اقامتگاه شاهان اشکانی در فصل بهار بود و آثار بیشماری از این دوران در این شهر مورد شناسایی باستان‌شناسان قرار گرفته است. از جمله در کاوش‌های انجام شده، نیایشگاهی ساخته شده از خشت خام بر بلندی تپه چشمه علی از دل خاک به دست آمده است که بر اساس سکه‌های مسین کشف شده این معبد متعلق به سده اول قبل از میلاد تا اول میلادی بوده است. بنای باروی ری و دژ رشکان نیز به همین دوران نسبت داده شده است. در کاوش قلعه گبری شهر ری تعداد زیادی خشت‌های خام مشابه معبد اشکانی چشمه علی، همراه با سفالینه‌های مشخص دوره اشکانی به دست آمده است (۹).

دژ رشکان در فاصله میان کارخانه قدیمی سیمان ری (دانشگاه آزاد اسلامی امروز) و کارخانه گلیسیرین، بر روی کوهی واقع شده است. برخی دیگر از مستشرقان و سیاحان خارجی نیز مانند ژاک موریر و سروزلی و کرپرتر و اشمیت که این محل را از نزدیک دیده‌اند، مشهودات خود را در سفرنامه‌های‌شان نقل کرده‌اند (۱۰).

آتشکده ری بر فراز تپه‌ای به نام تپه میل در دوازده کیلومتری جنوب شرقی شهر ری قرار دارد. دومین اثر باقی مانده از این دوره، نقش برجسته نیمه تمام ساسانی است. در دامنه جنوبی کوه دژ رشکان در مشرق شکافی که کارخانه سیمان در آن احداث شده بود، تصویری خشن از عهد ساسانی بر روی سنگی که آن را بدین منظور صاف کرده بوده‌اند، به صورت ناتمام منقور بوده است. این تصویر مردی را در حال تاختن نشان می‌داد که کلاهی کره‌ای شکل از صورتی بر روی همین سنگ ترسیم شده بود



تصویر آتشکده ساسانی ری بر بالای تپه میل در جنوب شرقی ری



تصویر نقش برجسته ساسانی در شهر ری که بعداً به دستور شاه قاجار صاف شد.

و نشان می داد که کار این نقش ناقص و ناتمام است (۱۱).

فتحعلی شاه قاجار دستور داد تا آن تصویر را محو کنند و به جای آن، صورت خود او را در روی سنگ نقر کنند (۱۲) یکی از محوطه های بافت تاریخی ری در دوره ساسانی کاخ ساسانی چال ترخان در ۴ کیلومتری جنوب ری در کنار روستایی به همین نام است. اشمیت این محوطه را بررسی و حفاری کرد و در پی آن موفق به کشف بقایای یک قلعه و ستون های یک کاخ با گچبری های فراوانی از دوره ساسانی شد (۱۳).

شهر ری در زمان های گذشته یکی از باشکوه ترین شهرهای اسلامی بود و اوج شکوه و عظمت آن در دوران سلجوقی از قرن ۱۱ تا ۱۳ میلادی - یعنی ۵ تا ۷ هجری - بوده است. با حمله مغول، ری نیز تخریب گردید و به تدریج استحکامات، مساجد و کاخ های و منازل زیبای ری به خاکریزها و تپه های کوچک

مسطح تبدیل شد و با گذشت ششصد سال بخش اعظم پایتخت سلجوقی به زیر سطح فرو رفت (۱۴).

آنچه امروزه از محدوده بافت تاریخی ری برجای مانده است به سه بخش تقسیم می شود:



نقش برجسته فتحعلی شاه قاجار در شهر ری

ارگ یا شهر شاهی ری

ارگ در حقیقت ادامه یک بنای دفاعی بنا شده بر روی قلعه و دژ شمالی رشکان در جنوب ساختمان قبلی کارخانه سیمان و ساختمان دانشگاه آزاد اسلامی بوده که تأسیسات گوناگونی داشته است. این بنا از سنگ ساخته شده بود و از وضعیت امنیتی و حفاظتی طبیعی کوه نیز استفاده شده بود و دیوار و برج و بارو در واقع نقش نوعی استحکام را داشته‌اند.

بخش کمی از باروی جنوبی و شرقی ارگ باقی مانده است و در گوشه جنوب غربی آن نیز کارخانه گلسیرین قرار دارد. این دیوار مانند باروی اصلی ری از چینه و خشت ساخته شده و دارای برج‌های پشتیبان است. این دیوار در اطراف بخش حکومتی و محله دولتی و اداری شهر که در یک گوشه شهر قرار داشتند، از بقیه شهر جدا و حفاظت می‌شده است.

دیوار اصلی برج و باروی ری یا دیوار دوم

بخش عمده این دیوار که اطراف شهر را فرا گرفته و کهنه‌تر را در خود داشته، ویران شده است. آثار موجود و باقی مانده این بارو در شمال روی بلندی‌های چشمه علی تا غرب کوه بی‌بی شهربانو ادامه می‌یابد. بخش شرقی برج و باروی ری به سمت جنوب ادامه داشته و به دیوار شرقی قلعه گبری بین برج اول و دوم وصل می‌شده است؛ لیکن آن بخش دیوار از بین رفته و تنها انتهای اتصال آن بر روی دیوار قلعه گبری دیده می‌شود.

گورستان‌های شهری

محدوده شهر مردگان از شرق به دامنه کوه بی‌بی شهربانو و برج آرامگاهی گبری و منتهی‌الیه غربی آن تا سه راه ورامین (امامزاده عبدالله) ادامه داشته است. آثار گورها و تدفین‌ها در این منطقه بسیار گوناگون و متفاوت بوده است. محدوده گورستان‌ها به گورستان‌های برین (بالا) و گورستان‌های زیرین (پایین) تقسیم می‌شده است.

گورستان دوم یا زیرین به شکل مثلثی است که رأس آن همان دماغه غربی کوه بی‌بی شهربانو است. ضلع شمالی آن به طرف جنوب همان کوه است و صخره‌های بی‌بی شهربانو را به تپه گبری متصل می‌سازد (۱۵).

از محوطه‌ها و بناهای مهم بافت تاریخی ری، تپه چشمه علی و نقش برجسته قاجاری و باروی قدیمی ری بر فراز صخره‌های طبیعی چشمه علی با طولی بیش از ۴۵۳ متر است. این دیوار بقایای جبهه شمالی حصار قدیم ری است که شرح و موقعیت آن در نقشه کرپرتز و حسین کریمان آورده شده است (۱۶). اشمیت نیز ضمن مطالعه باروی قدیم ری با عکسبرداری هوایی نسبت به توپوگرافی تپه چشمه علی و برج و باروی ری اقدام کرده است. تصاویری که در پی می‌آید با استفاده از پژوهش و



عکس هوایی محدوده تپه چشمه علی ری، برگرفته از کتاب پرواز بر فراز شهرهای باستانی ایران



نقشه توپوگرافی تپه چشمه علی ری

بررسی شهر ری به وسیله اشمیت، ارائه می شود. این تصاویر محدوده تپه باستانی چشمه علی و توپوگرافی آن و همچنین امتداد دیوار بر رأس صخره و قسمت های موجود و انفصال قطعات را به خوبی نشان می دهد. آنچه از دیوار در این تصویر دیده می شود، به طور کامل باقی نمانده است. در امتداد شرقی دیوار، قسمت هایی از منتهی الیه غربی آن به طور کامل از بین رفته است (۱۷).

گفتنی است اداره کل میراث فرهنگی استان تهران با حفاظت و

مرمت بخش اول باروی قدیم ری، گام مؤثر در استحکام بخشی بافت تاریخی شهر ری برداشته است.

الف- آغاز کار حفاظت و مرمت باروی قدیم ری:

پس از تعیین ابعاد دقیق باروی قدیم ری و در نظر گرفتن ابعاد دیوارهای حفاظتی، مقدمات اجرای پروژه فراهم شد. برای اجرای دیوار حفاظتی به ترتیب زیر عمل شد:

- ۱- فراز و نشیب های جزئی و شکاف های صخره با ملات گل و سنگ لاشه پر و تسطیح شد.
- ۲- در مسیر طولی بارو، دیواری به عرض یک متر و ارتفاع ۵۰ سانتیمتر با سنگ احداث گردید. برای این کار سنگ ها با قرار دادن لاشه های کوچک در زیر و جوانب آن ایستایی کامل یافت و سپس لابه لای آن با گل ورز داده پر شد.
- ۳- حد فاصل دو دیوار جانبی (موضوع بند ۲) با سنگ لاشه و گل، کاملاً پر و هموار شد.
- ۴- روی دیوار سنگی (موضوع بند ۲ و ۳) با استفاده از شیلنگ تراز و گل چینه به صورت پلکانی تراز شد و سپس از پایین ترین پله که نسبت به کف دیوار دارای کمترین ارتفاع (حداقل ۷۰ سانتیمتر) بود، کار چیدمان خشت و گل آغاز گردید.
- ۵- از این مرحله به بعد شیوه کار کاملاً روشن و واضح بود. تنها نکته ای که می بایست



تصویر نمای باروی غربی ری قبل از مرمت به وسیله اداره میراث فرهنگی استان تهران

مورد توجه قرار گیرد، رعایت عقب نشینی دیوار در هر یک متر ارتفاع ۸ سانتی متر، یا به عبارتی دیگر در هر ردیف ۸/۰ سانتی متر بود که دیوار با عرض ۳/۴۰ سانتی متر در پی را در ارتفاع ۷ متری به ۲/۳۰ سانتی متری تبدیل می کرد. این اقدام صرفاً به منظور ایستایی بیشتر دیوار به اجرا درآمد. برای چیدن دیوار، از ملات گلی با ارتفاع حدود ۳ سانتی متر استفاده شد و با توجه به قطر ۷ سانتی متر خشت جمعاً به ۱۰ سانتی متر می رسید و در هر ۱۰ ردیف خشت و ملات، یک متر به ارتفاع بنا افزوده می گردید. بعد از رسیدن دیوار به ارتفاعی که سطح آن به اندازه کافی مسطح شده بود، طول



باروی بافت تاریخی ری پیش از مرمت

کار به چندین بخش تبدیل شد. قسمت هایی از دیوار در طرفین دیوار باستانی احداث می شد و قسمت هایی نیز در فاصله های تخریب شده قرار داشتند، که این خود یک سطح کامل از دیوار را در بر می گرفت.

از آنجاکه عرض دیوار بسیار زیاد بود و فراهم کردن خشت و گل محدودیت هایی داشت، اجرای دیوار به این طریق صورت گرفت که ابتدا دیوار طولی به عرض ۸۰ تا ۹۰ سانتی متر در طرفین دیوار احداث شد. این دیوار تا ارتفاعی که قابل اجرا به وسیله چوب بست های موجود بود، ادامه یافت. در مرحله بعد فاصله خالی ایجاد شده بین دو دیوار مذکور به وسیله خشت، گل و تکه های سنگ پر می شد. به این ترتیب در هر دوره گردش کار، حدود یک متر به ارتفاع دیوار افزوده می شد.

در ادامه کار، دیوار چینی در قسمت دیگری از طول آن به همان ترتیب که گفته شد ادامه یافت. در این فاصله، حاصل کار مرحله قبل چند روز در هوای آزاد رها می شد و خشت و گل بر اثر تابش آفتاب خشک می گردید و استحکام بیشتری می یافت، تا ادامه کار روی آن به ترتیب قبل اجرا شود.

برای ایجاد استحکام و حفظ اتصال و یکپارچگی بین دو دیوار طولی طرفین و فاصله میان آنها، خشت چینی در دو سمت طولی دیوار به طریقی اجرا می گردید که خشت های داخلی از سطح جانبی کار خارج شوند و به خوبی با مصالح به کار رفته در وسط دیوار درگیر شوند؛ و به این ترتیب دیوار چینی تا مراحل پایانی ادامه یافت (۱۸).

مؤخره

بافت تاریخی شهر ری در اصل نه بافتی مسکونی با قدمت تاریخی، بلکه شماری از آثار باستانی و محوطه ای باستان شناختی است که با توسعه بافت شهری جدید ری ارتباط مستقیم دارد. بنابراین آشکار است که در اجرای هرگونه طرح حفظ و احیای بافت تاریخی، در ابتدا باید ماهیت و چگونگی آن بافت تاریخی مطالعه و شناخته شود، زیرا ویژگی های بافت تاریخی مسکونی ای همانند بافت تاریخی اصفهان با بافت تاریخی ای متشکل از شماری آثار باستانی و تاریخی ارزشمند در مرکز یا پیرامون شهر - همانند ری - متفاوت است. وانگهی، حضور این آثار و اجرای پروژه های دقیق ساماندهی بافت تاریخی و طرح های گردشگری و توسعه معماری محیط و منظر و فضاهای سبز در کنار آثار باستانی شهر ری فرصتی بسیار عالی برای توسعه شهر جدید ری خواهد بود، در صورتی که بافت تاریخی آن نیز به خوبی حفظ شده باشد. خصوصیات بارز تاریخی شهر ری، پتانسیل بسیار توانمندی، برای ارتقای این شهر حاشیه ای در کنار تهران به عنوان یک مرکز ثقل فرهنگی است. به ویژه آنکه در زمان حاضر، شهر ری ناحیه ای حاشیه ای در تهران با قیمت پایین زمین و مسکن محسوب می شود و همین خود عاملی شده است برای اسکان اقشار ضعیف و کم درآمد در این شهر.

تصویر نمای کلی باروی قدیم ری پس از طرح ترمیم و استحکام بخشی به وسیله میراث فرهنگی استان تهران



بنابراین، به نظر نگارنده اجرای برنامه‌های زیر لازم است:

- ۱- از آنجا که بافت تاریخی ری در اصل مجموعه‌ای است از چندین اثر ارزشمند باستانی، و نه محوطه‌ای مسکونی با قدمت تاریخی، باید با حفظ و احیای آن به سبک موزه‌ای پتانسیلی بسیار قوی برای جذب گردشگری فرهنگی و معرفی شهر ری به عنوان قطب گردشگری فرهنگی - همردیف تبریز، اردبیل، شیراز و اصفهان - فراهم گردد.
- ۲- در اجرای هرگونه پروژه ساخت و ساز مدرن شهری، حریم بافت تاریخی شهر رعایت شود.
- ۳- توسعه فضاهای سبز در پیرامون بافت تاریخی نه تنها آثار این بافت را به نوعی گردشگاه و فضای جمعی شهری تبدیل خواهد کرد بلکه خود عاملی است برای زیبایی شهر و نیز حفاظت از بافت تاریخی. توسعه فضای سبز در پیرامون این آثار، آن را از بافت جدید شهری به گونه‌ای ناملموس و نامحسوس جدا می‌کند و خود عاملی است برای حفاظت آثار و نیز زیبایی شهر.

پانوش:

- ۱- سولایتی، رحیم، بررسی و مطالعه جایگاه ری باستان در تحولات فرهنگی هزاره‌های پیش از تاریخ در قلات مرکزی ایران، رساله کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
- ۲- رفیعی، لیلا، سفال ایران از دوران پیش از تاریخ تا عصر حاضر، انتشارات بسلولی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- ۳- کریمیان، حسین، ری باستان، جلد اول، نشر انجمن آثار ملی، ۱۳۴۵، ص ۳۴.
- ۴- کریمیان، حسین، ری باستان، جلد اول، نشر انجمن آثار ملی، ۱۳۴۵، ص ۱۲.
- ۵- استغنیاباری، آرزو، جایگاه فرهنگ چشمه علی در قلات مرکزی ایران، پژوهشگاه باستان شناسی، تهران، ۱۳۷۸، ص ۱۵.
- 6- EF Schmidt the Persian Expedition at Ray Bulletin of the University museum of Pennsylvania Vol5.N.5-161-62.
- ۷- دارمستر، جیمس، و نایب‌داد، ترجمه موسی جوان، تهران، ۱۳۴۲، ص ۷۲.
- ۸- اسپهبدی، علی، تهران هخامنشی، شیراز، ۱۳۴۱، جلد اول، ص ۱۲۶.

- ۹- کتانی، محمد یوسف، پایتخت‌های ایران، نشر میراث فرهنگی، ۱۳۷۵، ص ۲۷۳.
- ۱۰- کریمیان، حسین، ری باستان، جلد اول، ص ۳۷۵.
- ۱۱- موریر، ژاک، سفرنامه مسافرت دوم مسیح فرانسوی به ایران.
- ۱۲- کریمیان، حسین، ری باستان، جلد دوم، ص ۲۹۹.
- ۱۳- شامیت، اریک، ف. پرواز بر فراز شهرهای باستانی ایران، ترجمه آرمان شیشه‌گر، نشر میراث فرهنگی، تهران، ۱۳۷۶، ص ۸۱.
- ۱۴- شامیت، اریک، ف. پرواز بر فراز شهرهای باستانی ایران، ترجمه آرمان شیشه‌گر، نشر میراث فرهنگی، تهران، ۱۳۷۶، ص ۷۷.
- ۱۵- کتانی، محمد یوسف، پایتخت‌های ایران، نشر میراث فرهنگی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۵.
- ۱۶- بازوکی، ناصر، گزارش نهایی مرحله اول حفاظت و مرمت باروی قدیم ری، مجموعه مقالات نهمین کنفرانس بین‌المللی مطالعه و حفاظت معنای خشت، میراث فرهنگی، تهران، ۱۳۸۲.
- ۱۷- بازوکی، ناصر، منبع قبلی.
- ۱۸- بازوکی، ناصر، منبع قبلی.

راونا، نمونه‌ای موفق از مدیریت شهری در حفظ و احیای بافت‌های تاریخی (گزارش یک سفر)

بهرام آجورلو

عضو هیئت علمی پژوهشکده نظر، مرکز تحقیقات هنر، معماری و شهرسازی

مقدمه

پنجمین کنفرانس اروپایی ایران شناسی (۱)، با شرکت بیش از ۳۳۰ ایران شناس بین‌المللی، از پنجم تا یازدهم اکتبر ۲۰۰۳، در شهر تاریخی راونای (۲) ایتالیا برگزار شد. مکان برگزاری این کنفرانس، دانشکده حفاظت از میراث فرهنگی دانشگاه بولونیا (۳) بود. راونا شهر دانه، شاعر معروف ایتالیایی است.

نظر به موفقیت شهرداری راونا در همکاری با واحدهای دانشگاهی و سازمان‌های مردمی و دولتی فعال در زمینه میراث فرهنگی و اجرای مدیریت واحد شهری برای حفظ و احیای بافت تاریخی، نگارنده مصمم شد تا پس از پایان کنفرانس و بازگشت به ایران، در قالب گزارش سفر، راونا را به عنوان نمونه‌ای موفق از اجرای مدیریت واحد شهری برای حفظ و احیای بافت‌های تاریخی معرفی کند. بی‌تردید شناخت چنین الگوها و سرمشق‌هایی، میزان آگاهی و دانش مدیران و کارشناسان شهری کشور را برای تحقق مواد ۱۳۶ و ۱۶۶ برنامه سوم توسعه پنج ساله ایران، ارتقا خواهد داد.

راونا

شهر بندری راونا در ایالت امیلیا رومانی در شمال شرقی ایتالیا و در ساحل زیبای دریای آدریاتیک قرار دارد. موقعیت جغرافیایی ممتاز بندر راونا و نزدیکی آن به مثلث توریستی ونیز - فلورانس - پیزا، و همچنین توسعه شبکه راه‌های ارتباطی چون بزرگراه‌ها و راه آهن، آن را به یکی از شهرهای مرفه و توسعه یافته ایتالیا بدل کرده است. راونا نه تنها بندری تجاری بلکه شهری تاریخی است که قدمت آن به قرن پنجم میلادی و عصر امپراتوری روم بازمی‌گردد و بافت تاریخی آن با قدمت عهد رنسانس و پیش از آن، هنوز هم سالم و پابرجا و استوار است. زندگی شهری و حیات مدنی در بافت تاریخی راونا هنوز جریان دارد و بافت مذکور از مناطق اعیان نشین شهر به شمار می‌آید.

نزدیک ترین شهر مهم به راونا، شهر تاریخی بولونیاست. بولونیا با داشتن دو دانشگاه بین‌المللی، از مراکز فرهنگی اروپاست و به آزمایشگاه دموکراسی اروپا معروف است (۴). بافت تاریخی بولونیا نیز با اجرای مدیریت واحد شهری به خوبی حفظ و احیا شده است و ناحیه دانشگاهی شهر در آنجا قرار دارد.

حفظ و احیای بافت تاریخی راونا

همان گونه که گفته شد، بافت تاریخی راونا هنوز سالم و استوار است و زندگی و حیات شهری در آن جریان دارد. بافت تاریخی راونا به لحاظ خیابان‌های کم عرض، خانه‌ها، گذرها، بازارها و کلیساهای قدیمی آن به آسانی از بافت جدید و مدرن شهر متمایز است. بافت تاریخی راونا، هسته و مرکز شهر را شکل می‌دهد و بافت جدید و امروزی پیرامون راونای تاریخی را احاطه کرده است. بنابراین، میزان تخریب بافت تاریخی شهر و احداث بناهای جدید در آن بسیار کم است، به گونه‌ای که می‌توان آن را نادیده گرفت. همچنین باید توجه داشت که نه تنها شهرداری راونا با هدف استقرار مدیریت واحد شهری با تمام توان از بافت تاریخی شهر حفاظت می‌کند بلکه ارتقای سطح آگاهی و دانش مردم راونا نیز عاملی است مهم در حفظ و احیای بافت تاریخی شهر. حضور دانشکده حفاظت از میراث فرهنگی دانشگاه بولونیا در راونا نیز وزنه‌ای مهم در حفظ و احیای بافت تاریخی شهر به شمار می‌آید. این دانشکده در کاخ قدیمی کورادینی (۵) در خیابان قدیمی ماریانی قرار دارد.

تصویر ۱- کاخ کورادینی در خیابان ماریانی

حفظ روش مند بافت تاریخی راونا در کنترل توسعه شهر و نیز جمعیت آن تأثیر بسیار مثبت داشته است و در عمل از گسترش ساخت و سازهای مسکونی و تجاری جدید و توسعه افقی شهر، و به تبع آن، تخریب محیط زیست و اراضی زراعی و جنگلی پیرامون شهر و یا تجاوز شهر به ساحل زیبای آدریاتیک ممانعت کرده است. راونا عمدتاً توسعه کیفی داشته است تا کمی؛ به گونه‌ای که اگر بخواهیم آن را با یکی از

تصویر ۲- چشم انداز هوایی بافت تاریخی راونا



بنادر ساحل خزر - چون آستارا یا انزلی - مقایسه کنیم، به مراتب کوچک تر و کم جمعیت تر است اما جنب و جوش و رونق فعالیت های فرهنگی و اقتصادی بسیار شایان توجهی دارد. (۶)

گام اول در موفقیت حفظ و احیای روشمند بافت تاریخی راونا، اجرای مدیریت واحد شهری است. اعضای شورای شهر و شهردار و مشاوران شهردار راونا، همگی از فرهیختگان شهر هستند و هیچ پروژه ای پیش از به ثمر رسیدن مطالعات دانشگاهی، انجام نمی شود. بزرگ ترین عامل موفقیت را نیز باید تعامل شهرداری و مردم ساکن در بافت تاریخی دانست؛ و اینکه بر حفظ جریان حیات مدنی در بافت تاریخی تاکید و توجه بسیار شده است، به گونه ای که هر شهروندی در صورت داشتن توانایی اقتصادی کافی، بافت تاریخی شهر همانند مغناطیس، وی را به خود جذب می کند. فروشگاه های بزرگ و مراکز تجاری معتبر، نمایندگی های کمپانی های معروف، بازارهای توریستی و بازارهای مکاره، دفاتر انجمن های مردمی و سازمان های غیردولتی، جشنواره های گوناگون (۷)، هتل ها و مهانخانه های درجه یک، تئاترها و سینماها و دیگر مراکز فرهنگی و دانشگاهی و آموزشی شهر در بافت تاریخی متمرکز شده اند و بافت جدید شهر، صرفاً ناحیه ای است برای سکونت و فعالیت های صنعتی - تجاری مرتبط با بندر. مهاجران و اقشار کم درآمد ترجیح می دهند در بافت مدرن شهر سکونت کنند تا در بافت تاریخی (۸).

در حفظ و احیای بافت تاریخی راونا از ترکیب دو روش وحدت سبکی و ارگانیک استفاده شده است. در چارچوب نگرش ارگانیک به

زندگی شهری و حیات مدنی در بافت تاریخی راونا هنوز جریان دارد و بافت مذکور از مناطق اعیان نشین شهر به شمار می آید

شهر راونا، شهرداری ابتدا با مطالعه دقیق سازمان فضایی شهر و سیر تغییر و تحول تاریخی آن، مراکز ثقل و معابر اصلی بافت را تعیین کرده و مهم ترین فعالیت های فرهنگی - اقتصادی شهر را در آنجا متمرکز ساخته است، بی آنکه شکل و ساختار و فرم بناها و معابر دچار دگرگونی شود. به همین منظور، از تعریض بیجا و بی مورد خیابان ها و کوچه ها خودداری شده است و در عین حال از شکل گیری فعالیت هایی که نیازمند رفت و آمد بیشتر با وسایط نقلیه است در کوچه ها و خیابان های باریک به شدت ممانعت گردیده است. برای مثال، خیابان مازینی که از دیرباز پهن و عریض و دارای کشش کافی برای رفت و آمد و وسایط نقلیه بوده است، به عنوان یکی از معابر اصلی بافت تاریخی تعریف شده و معروف ترین

رستوران ها، مراکز خرید و تجارت و هتل ها در امتداد یا پیرامون آن سازماندهی شده اند. در مقابل آن، تلاش کرده اند تا رفت و آمد در خیابان باریک ماریانی محدود شود، به گونه ای که برای دسترسی سواره به آرامگاه دانته و یا تئاتر مرکزی شهر و ساختمان پست و مخابرات - که هر دو در میدان گاریبالدی قرار دارند - از خیابان مازینی استفاده شود؛ چرا که از این لحاظ، خیابان ماریانی برای دسترسی پیاده مناسب تر است. میدان قدیمی مجاور خیابان مازینی، روبروی رستوران معروف مارکه زینی، به پارکینگ روباز رایگان تبدیل شده است، تا در حد امکان مردم را به عدم استفاده از خودرو در داخل بافت تاریخی تشویق کند. موقعیت خیابان مازینی و خیابان ماریانی در مجاورت دو میدان گاریبالدی و میدان شلوغ و پر ازدحام پوپولار یا مردم (۹۱) به گونه ای تعریف شده است که دسترسی به آنها متناسب با کاربری آنها باشد؛ بدین معنی که تراکم جمعیت در میدان پوپولار نیازمند حمل و نقل با اتوبوس از طریق خیابان مازینی است و اگر کسی دارای خودرو باشد، می تواند آن را در پارکینگ مجاور پارک کند؛ اما دسترسی به میدان خلوت گاریبالدی به صورت پیاده بهتر است. آرامگاه دانته در تقاطع این دو خیابان قرار دارد.

تصویر ۳- نمایی از پارکینگ خیابان مازینی

بررسی سازماندهی فضای بافت تاریخی راونا نشان می دهد که در آن هیچ گونه دخل و تصرف بدون برنامه ریزی و مطالعه کامل نشده است و تعادل زندگی شهری کاملاً محسوس است. در چارچوب حفظ و احیای ارگانیک شهر، کوشیده اند تا هر بنای تاریخی و محله قدیمی و کوچه و خیابان های آن کاربری جدیدی داشته باشد، بی آنکه فرم و شکل و ساختار آن تغییر کند. مثلاً، از میدان خلوت گاریبالدی به عنوان محلی برای برگزاری جشنواره ها استفاده می شود یا از میدان قدیمی مجاور خیابان مازینی به صورت پارکینگ؛ اما میدان پوپولار فضایی جمعی است که هنرمندان و روشنفکران و توریست ها و دانشجویان ترجیح می دهند از بام تا شام در کافه ها و رستوران های پیرامون آن جمع شوند و درباره





تصویر ۴- چند نما از میدان بزرگ پوپولار

تندیس ها، ستون های یادبود و کاخ ها و کلیساهای میدان پوپولار ساعت ها صحبت کنند. اگر کسی بخواهد به بازار مرکزی و فروشگاه های بافت تاریخی شهر برود، بهترین مسیر دسترسی خیابان مازینی و کوچه پس کوچه های میدان پوپولار است. برای خروج از بافت تاریخی نیز کافی است با صرف چند دقیقه پیاده روی از مسیر خیابان ماریانی و خیابان رم از مقابل کلیسای سانتاماریا ایمپورته بگذرد و به دروازه قدیمی پورتانووا برسد. دسترسی به ایستگاه راه آهن و خروج از شهر نیز به همان اندازه از مسیر پیش گفته آسان و میسر است.

فضای سبز و معماری محیط و منظر در همه جای بافت تاریخی حضور دارد و با آن در تعامل بسیار نزدیک است. با وجود این، مسافری که در ایستگاه راه آهن پیاده می شود و می خواهد پیش از اقامت

حفظ روش مند بافت تاریخی راونا در کنترل توسعه شهر و نیز جمعیت آن تأثیر بسیار مثبت داشته است و در عمل از گسترش ساخت و سازهای مسکونی و تجاری جدید و توسعه افقی شهر، و به تبع آن، تخریب محیط زیست و اراضی زراعی و جنگلی پیرامون شهر و یا تجاوز شهر به ساحل زیبای آدریاتیک ممانعت کرده است

در هتل، در یکی از پارک های شهر استراحتی کوتاه داشته باشد، مکانی بهتر و مناسب تر از قلعه بزرگ و تاریخی راونا نخواهد یافت که دژی است رومی و سراسر محوطه مرکزی آن به پارکی سرسبز تبدیل شده است. اصولاً در راونا در مجاورت کلیساهای بزرگ یا عمارات عهد رنسانس پارک های بزرگ و کوچکی دیده می شوند که چشم انداز این آثار تاریخی را بس زیبا کرده اند. در راونا کمتر اثر تاریخی یافت می شود که در کنار آن حداقل یک فضای سبز کوچک وجود نداشته باشد. پارک تنودوریکو (۱۰) در مجاورت قلعه تاریخی دیگری به همین نام قرار دارد.

روش واحد و یکسان مرمت را می توان در نمای بناها، محله ها و کوچه ها مشاهده کرد. روش مرمت، هر چند موزه ای و با رعایت اصالت های قدیمی صورت گرفته است اما رعایت اصل وحدت سبب شده است تا شهر زیبایی و جلوه خاصی بیابد. در اینجا، دیگر از آن روش های مرمت و بازسازی سلولنی که شهر را به مجموعه ای نامتجانس و چهل تکه دوزی شده تبدیل می کند خبری نیست!



تصویر ۵- میدان پوپولار و دوچرخه‌هایی که به جای خودرو به کار می‌روند

بررسی سازماندهی فضای بافت تاریخی
راونا نشان می‌دهد که در آن هیچ‌گونه
دخل و تصرف بدون برنامه‌ریزی و مطالعه
کامل نشده است و تعادل زندگی شهری
کاملاً محسوس است

محوطه‌های باستانی بسیاری دریافت تاریخی راونا قرار دارد که باستان‌شناسان در آنجا به کاوش می‌پردازند. کاوش و کشف آثار باستانی در بافت تاریخی شهر به دو گونه کاربری شهری می‌یابد و شهروندان را به تعامل با خود فرا می‌خواند:

۱- احداث فضاهای سبز در پیرامون آثار معماری کشف

شده؛ و

۲- ایجاد موزه‌های جدید با رعایت اسلوب معماری

سنتی شهر.

صرف نظر از موزه باستان‌شناسی راونا، یکی از جالب‌ترین موزه‌های شهر، موزه موزاییک کلیسای اوفمیای مقدس است. (۱۱) این موزه، که با عنوان داموس نیز معروف است، (۱۲) بازمانده‌های موزاییک‌های یک خانه اشرافی رومی است که در کاوش‌های باستان‌شناختی دهه پیش از زیر کلیسای نام‌برده پدیدار گردید و اکنون در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت است. موقعیت کلیسا و موزه موزاییک به گونه‌ای است که از طریق خیابان باریبانی به میدان باراکا و دروازه قدیمی هادریان و بافت جدید شهر می‌توان دسترسی داشت؛ و یا از طریق خیابان سنت ویتاله به میدان پوپولار و بازار شهر رسید.



تصویر ۶- دو توریست دوچرخه‌سوار در خیابان مازینی، کاربرد وسایط نقلیه سبک در بافت تاریخی راونا فرهنگی است فراگیر

گام اول در موفقیت حفظ و احیای روشمند بافت تاریخی راونا، اجرای مدیریت واحد شهری است

عرضه خدمات شهری در بافت تاریخی با چگونگی بافت و ساختار آن تناسب دارد. در معابر و کوچه‌هایی که نمی‌توان از ماشین‌های بزرگ زیاله کش استفاده کرد، از نیروی انسانی و ماشین‌های کوچک بهره برده‌اند و آنجا که لوله‌کشی گاز می‌توانسته است بافت تاریخی را تخریب یا تهدید کند، برای استفاده از انرژی برق تسهیلات ویژه‌ای در نظر گرفته‌اند. در مورد آتش‌نشانی و خدمات ایمنی نیز سعی شده است که از تجهیزات کوچک و قابل حمل به میزان لازم استفاده شود و ضریب ایمنی فضاها را مسکونی و تجاری در مقابل حریق افزایش یابد. بدین منظور کارشناسان آتش‌نشانی به کنترل مستمر و بازبینی مکرر می‌پردازند و هشدارها و راهنمایی‌های لازم را در اختیار شهروندان قرار می‌دهند (۱۳).

کوتاه سخن آنکه، عرضه خدمات جدید شهری متناسب با بافت تاریخی تعریف شده است؛ و نه اینکه بافت تاریخی را متناسب با آن تغییر دهند.

الگوی فرهنگ ترافیک در بافت تاریخی راونا، حفظ بافت تاریخی است. مردم به استفاده گسترده از دوچرخه تشویق شده‌اند و دوچرخه سواری از نشانه‌های بلوغ فکری و فرهنگی شمرده می‌شود. تا آنجا که بشود، سعی کرده‌اند از تردد خودرو در بافت تاریخی جلوگیری کنند. بدین منظور بر سر خیابان‌ها و معابر اصلی، از میدان‌های قدیمی، که نمی‌توان از آنها به عنوان فضای جمعی استفاده کرد، به عنوان پارکینگ رویارو رایگان استفاده می‌شود تا مردم به پیاده روی یا دوچرخه سواری تشویق شوند. معمولاً در مجاورت چنین پارکینگ‌هایی ایستگاه کرایه

دوچرخه، تعمیرگاه دوچرخه و ایستگاه اتوبوس قرار دارد. یکی از نمونه‌های موفق این طرح، میدان راه‌آهن راونا است، که از همان ایستگاه، دسترسی به اتوبوس و دوچرخه میسر است. پس از عبور از میدان راه‌آهن (میدان فارینی) وارد میدان بزرگی می‌توان شد که هتل بزرگ جولی آنجا قرار گرفته است (میدان ماملی) و از سمت چپ به قلعه بزرگ راونا و هتل ایل جیاچیلیو دسترسی وجود دارد و مسیر سمت راست نیز به خیابان رم و ماریانی می‌رود که به ترتیب کلیسای ساتاماریا ایمپورته و کاخ کورادینی در آنجا قرار دارند. در اینجا راننده می‌تواند خودروی خود را در پارکینگ رایگان این میدان پارک کند و پیاده - یا با دوچرخه و یا اتوبوس - وارد بافت تاریخی شود. در مقابل دروازه‌های قدیمی هادریان و پورتانووا دو پارکینگ بزرگ دیگر نیز وجود دارد. اتوبوس‌های راونا گازسوزند و آنجا که عرض



تصویر ۷- کلیسای ساتاماریا ایمپورته در خیابان رم. محوطه فضای سبز مقابل و پشت این کلیسا با عنوان پارک ملت (Giardini Pubblici) شناخته می‌شود



تصویر ۱-۸- موزه زیرزمینی موزاییک در خیابان باریبانی

خیابان اجازه داده، به تراموا توجه شده است. پایین بودن حد سرعت مجاز در بافت تاریخی و نیز وجود چراغ قرمزهای متعدد در مسیر عبور عابر پیاده، خود عامل باز دارنده دیگری است که راننده را به انصراف از ورود به بافت تاریخی ترغیب می کند! این نیز ناگفته نماند که نرخ خدمات تاکسی در بافت تاریخی ارزان تر است.

بافت تاریخی راونا که هسته و مرکز اصلی شهر است، به واسطه دروازه های قدیمی آن و نیز خیابان ها و پارک های پیرامونی به طرزی نامحسوس و ناملموس از بافت جدید شهر راونا جدا می شود. این به گونه ای است که شکل و ساختار خیابان ها و کوچه های بافت تاریخی همچنان حفظ شده است و خیابان ها و کوچه ها سنگفرش اند، اما هنگام خروج از بافت تاریخی نه تنها دروازه های قدیمی شهر از پایان بافت قدیم و آغاز بافت جدید حکایت می کند بلکه احداث کمربندی سبز پیرامون بافت تاریخی به منزله مرزی است میان سنت و مدرنیته. پس از آن چشم انداز شهر امروزی راونا پدیدار می شود: خیابان های آسفالتی و بولوارها و ساختمان های مدرن.

خدمات توریستی نیز در بافت تاریخی راونا تمرکز یافته است و همان جا عرضه می شود. هتل ها، موزه ها، تالارهای کنسرت، بازارچه های توریستی، عرضه کالاهای بدون مالیات خرید برای توریست ها، کلیساهای قدیمی، پیاله فروشی های رومی، اماکن کرایه دوچرخه رایگان، کلوپ ها و کافه های شبانه روزی، همگی در بافت تاریخی متمرکز شده اند و خارج از آن چنین امکاناتی اندک است. اصولاً به نظر می رسد که حیات بافت جدید و قدیم از یکدیگر متفاوت است. برای مثال، به دلیل وجود مالیات بر خرید، تفاوت قیمت ها محسوس است و یا استفاده از دوچرخه خارج از بافت تاریخی، تابع مقررات راهنمایی و رانندگی ایتالیاست. همچنین هتل های معتبر شهر را باید در بافت تاریخی و در قالب خانه ها و عمارات زیبای قدیمی جست و جو کرد. در هر حال، شهرداری راونا نهایت تلاش را کرده است تا بهترین، امن ترین و دل انگیزترین و زیباترین فضا را برای زندگی شهروندان و اقامت توریست ها فراهم کند.

از دیگر عوامل مؤثر در حفظ و احیای بافت های تاریخی، نگرش مردم ساکن آنجاست. اهالی بومی علاقه و تعهد و التزام بیشتری به حفظ بافت قدیمی شهرشان، در مقایسه با غیر بومیان یا مهاجران خارجی، دارند (۱۴).

فقر و ثروت نیز در این میان نقش خاص خود را دارد. هنگامی از مشارکت مردمی باید سخن گفت که مردم قدرت اقتصادی چنین مشارکتی را داشته باشند. اکثریت



تصویر ۲-۸- موزه زیرزمینی موزاییک در خیابان باریبانی

ساکنان بافت تاریخی راونا از اهالی اصیل شهر و از قشر مرفه جامعه اند. این تفاوت، از مدل خودروهایی که در حیاط خانه های بافت تاریخی به چشم می خورد، و همچنین فروشگاه های لوکس و رستوران های گران قیمت کاملاً احساس می شود. ساکنان بافت جدید شهر اکثر آکارگران بندر و صنایع و به ویژه مهاجران غیر اروپایی چون افغانی ها، اعراب و افریقایی ها هستند، زیرا قیمت مسکن در بافت جدید بسیار ارزان تر است. به علاوه، فروشگاه های زنجیره ای اتحادیه سوسیالیست های ایتالیا، معروف به کوپ، نیز در بافت جدید شهر احداث شده است، و کالاهای در آن با قیمت بسیار پایین تری عرضه می شود. فروشگاه های کوپ اکثراً در نزدیکی مجتمع های مسکونی و محله های زندگی اقشار کم درآمد جامعه و مهاجران ساکن در بافت جدید شهر ساخته می شوند. این وضعیت در شهر بولونیا، که مرکز کمونیست های ایتالیایی است، نمود بیشتری یافته است (۱۵).

الگوی فرهنگ ترافیک در بافت تاریخی راونا، حفظ بافت تاریخی است

نتیجه گیری

اعمال مدیریت واحد شهری و همکاری نزدیک شهرداری و اعضای شورای شهر با سازمان ها و واحدهای دانشگاهی مرتبط با میراث فرهنگی و ترکیب دوروش حفظ و احیای ارگانیک و مرمت با وحدت سبکی، همراه با حفظ سازمان فضایی قدیم شهر، همگی عوامل مؤثر در حفظ بافت تاریخی شهر راونا و استمرار جریان حیات مدنی و زندگی شهری در آن بوده اند. مطالعات درازمدت و برنامه ریزی دقیق و درک و شناخت درست برنامه ریزان شهری از تاریخ و جغرافیای شهر، راونا را به یکی از زیباترین شهرهای تاریخی و توریستی ایتالیا تبدیل کرده، که در کنار فعالیت های صنعتی - تجاری از میلیون ها دلار درآمد سالیانه صنعت توریسم بهره مند است. فرهنگ سازی و ارتقای دانش و آگاهی مردم نسبت به ارزش های فرهنگی و اقتصادی بافت تاریخی، ایشان را به مشارکت جدی در حفظ و احیای آن تشویق کرده است. تمرکز مهم ترین فعالیت های فرهنگی و تجاری شهر در بافت تاریخی نیز عاملی دیگر در حفظ حیات شهری این بافت بوده است.



تصویر ۳-۸- موزه زیرزمینی موزاییک در خیابان باریانی

متأسفانه در کشور ما به دلیل فقدان مدیریت واحد شهری و ناهماهنگی میان سازمان میراث فرهنگی کشور و مراکز دانشگاهی با شهرداری ها و همچنین عدم درک و شناخت صحیح مردمی از ارزش های فرهنگی - اقتصادی بافت تاریخی، وضعیت معکوس است و برخلاف نمونه هایی موفق همچون راوناست.

بافت تاریخی شهرهای ایران به دلیل عدم برنامه ریزی روش مند، تمرکز فعالیت های فرهنگی و اقتصادی مهم در خارج از آن و افت قیمت زمین و مسکن در

بافت تاریخی و اتخاذ روش‌های سلولی برای حفظ و احیای بناها و محله‌های تاریخی، مردم را به گریز از این بافت‌ها تشویق کرده است. در نتیجه این امر، خرابه‌های بزرگ و عظیمی در مرکز شهرهای تاریخی ایران شکل گرفته‌اند و یا در حال شکل‌گیری‌اند؛ مثال‌های بارز آن را در اصفهان و کرمان می‌توان مشاهده کرد و یا اینکه برای احیا و اعاده حیات شهری در این بافت‌ها، به تخریب و نوسازی آنها اقدام می‌شود!

در هر حال، از نظر نگارنده، شهر راونا نمونه‌ای موفق و سرمشقی ایده‌آل برای مدیریت شهری و حفظ و احیای بافت تاریخی است.

راهکارهای پیشنهادی

۱- تمرکز فعالیت‌های مهم فرهنگی - اقتصادی در بافت تاریخی؛

۲- حفظ سازمان فضایی قدیم شهر؛

۳- بازسازی به روش وحدت سبکی و حفظ و احیای ارگانیک، و حذف روش‌های سلولی؛

۴- عرضه خدمات شهری متناسب با ساختار بافت تاریخی؛

۵- فرهنگ سازی و ارتقاء دانش و آگاهی مردم؛ و

۶- رعایت اصل تخصص‌پذیری در مدیریت شهری.



تصویر ۴-۸- موزه زیرزمینی موزاییک در خیابان باریانی

10- Parco Teodorico

11- S.Eufemia

12- Domus dei Tappeti di pietra

۱۳- چین و صنعت مشابهی در مورد پلیس هم دیده می‌شود. از آنجا که چندین تنگ و باریک و گلرهای سرپوشیده بهترین مکان‌های وقوع جرم و جنایت هستند، گشت پلیس در بافت تاریخی شهر بیش از دیگر نقاط شهر است.

۱۴- فراموش نکنیم که در کشور ما، گریز شهر و بناها بومی از بافت تاریخی و اسکان مهاجران و بیگانگان در دهه‌های اخیر، از مهم‌ترین عوامل تخریب بافت تاریخی شماری از شهرها بوده است.

۱۵- به نظر می‌رسد که بافت قدیم و جدید شهری در راونا و بولونیا نمایی از شکاف طبقاتی اندک میزان تکلیفی در خیابان‌های بافت قدیم به مراتب کمتر از بافت جدید است! تفاوت قیمت‌ها هم این شکاف را آشکارتر می‌کند. قیمت یک قوطی کوکاکولا که در بافت قدیم ۳ پیورو است، در فروشگاه‌های کوپ کمتر از ۳۵ سنت است. یک شیشه آب معدنی به قیمت ۵ سنت در کوپ به فروش می‌رسد ولی در بافت قدیم ۳۷/۵ پیورو است.

1- Sili Sili

2- Ravenna

3- Bologna

۴- دانشگاه بولونیا بیش از نصد سال قدمت دارد و دانشگاه آمریکایی جان هاپکینز بر این شهر دارای شعبه است.

5- Palazzo Comadini

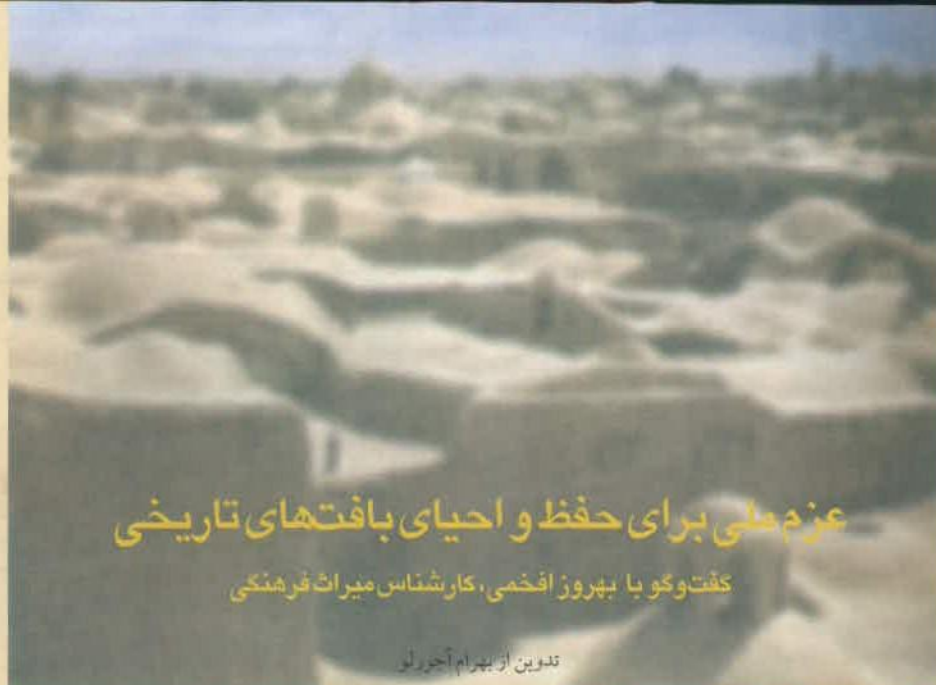
۶- شهر کوپک پورته دوره در فاصله کمتر از ۱۰ کیلومتری راونا قرار دارد. اگر راونا توسعه کمی می‌بافت، این شهر هدایت‌ری و شمیرانات که در تهران هم شعبه‌اند، جذب راونا می‌شد.

۷- جشنواره نان از ویاز در هفت اول اکثر ۲۰۰۳ در میدان گاریالدین شهر راونا نایر باشد.

۸- این وضعیت در ایران معکوس است! در کرمان و اصفهان، اقشار کم درآمد و مهاجران غریبی و اغلب بیگانه در بافت تاریخی سبکی می‌گزینند و اقشار برده از بافت تاریخی گران هستند. در تبریز هم اقشار مرفه زمانی حاضر به سکونت در بافت تاریخی می‌شوند که آن را نوساز و مدرن می‌داند!

9- Popular

پانوشته:



عزم ملی برای حفظ و احیای بافت‌های تاریخی

گفت‌وگو با بهروز افخمی، کارشناس میراث فرهنگی

تدوین از بهرام آخرونی



سرزمین ایران از کهن‌ترین مراکز شهرنشینی در جهان و از خاستگاه‌های آن به شمار می‌رود. قدمت شماری از شهرهای تاریخی ایران چون شوش به بیش از پنج هزار سال می‌رسد؛ از همین رو، حفظ و احیای بافت‌های تاریخی شهرهای ایران اهمیت بسیار دارد و ضرورتی جدی در مدیریت شهری است. اهمیت چگونگی حفظ و احیای بافت‌های تاریخی هنگامی آشکار می‌شود که مواد ۱۳۶ و ۱۶۶ برنامه سوم توسعه در نظر گرفته شود؛ بر اساس این مصوبات، بخشی از وظایف سازمان میراث فرهنگی کشور قابل واگذاری به شهرداری‌هاست و در این میان مدیریت بافت‌های تاریخی در

صدر این وظایف قرار دارد. امروزه بخش عمده‌ای از جمعیت شهرهای تاریخی کشور، در بافت‌های شهری قدیمی و تاریخی ساکن هستند و شهرداری‌ها همیشه در این بافت‌ها با مشکلات متعددی مواجه بوده‌اند. با توجه به آنچه گفته شد، گفت‌وگویی با بهروز افخمی، کارشناس مسائل میراث فرهنگی کشور، صورت گرفته است.

س) در آغاز گفت‌وگو، بهتر است تعریفی مشخص از بافت تاریخی به دست داده شود. بافت تاریخی از دیدگاه کارشناسی

چه تعریفی دارد؟

ج) در ابتدا بهتر است توجه کنیم که بافت تاریخی همان بافت قدیمی نیست؛ یعنی هر بافت شهری را که مثلاً بیش از پنجاه یا حتی صد سال قدمت دارد، لزوماً نباید بافت تاریخی محسوب کرد. بافت تاریخی آن بخشی از شهر است که چندین اثر ارزشمند تاریخی - هنری یا باستان شناختی را در خود داشته باشد و یا بیانگر حادثه یا رویدادی مهم و تاریخی باشد، و یا اینکه ساختار و چگونگی پیکره بندی آن به گونه ای باشد که تاریخ شهرسازی و معماری آن شهر را بیان می کند. تعریف محله های تاریخی در این چارچوب قرار می گیرد. فکر می کنم که بخشی از مشکلات میان شهرداری ها و سازمان میراث فرهنگی به همین فقدان تعریف درست باز می گردد.

س) لطفاً به چند نمونه اشاره کنید.

**هنگامی که از
بافت های تاریخی
مسکونی یا همان
محله های تاریخی به
ویژه در کلان شهرها
صحبت می شود،
نباید از مسئله زمین و
مسکن و ساخت و
ساز غافل شد**

ج) برای مثال، بافت تاریخی شهر ری در اصل بخشی از شهر است که چندین اثر ارزشمند باستان شناختی در آن جای گرفته است و در ساختار شهر ری به عنوان نوعی کانون اسکان و فعالیت روزمره شهری مورد توجه جدی نیست. یا اینکه در اردبیل، بافت تاریخی با محوریت مجموعه شیخ صفی الدین تعریف می شود. در اصفهان، وضعیت به گونه ای دیگر است؛ یعنی این شهر، هم دارای آثار ارزشمند معماری تاریخی و باستان شناختی است و هم دارای بافت مسکونی کهنسال، که بیانگر تاریخ شهرسازی و معماری اصفهان است. در حالی که شمار فراوانی از خانه های بسیار زیبا و ارزشمند قدیمی از دوران قاجاریه و حتی پیش از آن، در دل شهر جای گرفته اند و شهر اصفهان از این نظر موزه معماری سنتی ایرانی است. در واقع در اصفهان شماری از محله های تاریخی وجود دارد. در تبریز نیز، برای مثال، محله راسته کوچک و بازار، هم از نظر تاریخ شهر و هم یک حادثه مهم تاریخی چون انقلاب مشروطیت، دارای اهمیت است.

س) اجازه دهید با توجه به تعریفی که از بافت تاریخی ارائه دادید، وارد بحث مشکلات و معضلات بافت های تاریخی مسکونی در شهرهای کشور شویم. از نظر شما بزرگ ترین معضل بافت های تاریخی ایران کدام است؟

ج) هنگامی که از بافت های تاریخی مسکونی یا همان محله های تاریخی به ویژه در کلان شهرها صحبت می شود، نباید از مسئله زمین و مسکن و ساخت و ساز غافل شد. امروزه کلان شهرها و فرایند شتابان صنعتی شدن آنها با افزایش جمعیت رابطه مستقیم دارد و در مورد تهران حتی از انفجار جمعیت می توان سخن گفت. در چنین وضعیتی، بافت تاریخی و قلب شهر، که هسته و کانون شکل گیری آغازین شهر است و از همین جهت به نوعی کانون فعالیت های روزمره و تجاری به شمار می آید، با تهدید مواجه می شود. البته این حکم همیشه صادق نیست و در شهرهایی همچون تهران چندین مرکز شهری به چشم می خورند که در زمره بافت های تاریخی نیستند؛ و یا در تبریز - که بافت تاریخی شهر، مرکز آن است - در زمان حاضر چندین

مرکز شهری غیر تاریخی در حال شکل‌گیری و توسعه‌اند. در هر حال، بدون آنکه از بحث اصلی دور شویم، باید اشاره و تأکید کنم که در چنین شرایطی قیمت زمین و مسکن در این مناطق یا بسیار گران است یا اینکه بسیار ارزان. اگر قیمت زمین و مسکن گران باشد و ارزش افزوده داشته باشد، در عموم موارد قشر مرفه و ثروتمند جامعه تمایل دارد که با تخریب منازل ارزشمند قدیمی و تخریب محله تاریخی، آن را مدرن و نوساز کند. عکس این قضیه هم صادق است؛ یعنی اگر قیمت زمین و مسکن پایین و نازل باشد و یا ارزش آن تنزل یابد، اقشار مرفه و متوسط آنجا را می‌فروشند و اقشار فقیر و بسیار کم درآمد که در موارد متعدد نیز از مهاجران دیگر شهرها یا روستاها هستند، در محله‌های تاریخی اسکان می‌یابند. این قشر ضعیف و کم درآمد نه تنها هیچ تمایلی به حفظ اصالت‌های بافت تاریخی ندارد بلکه حتی در صورت تمایل هم فاقد توانایی اقتصادی لازم برای حفظ و احیای آن است. این معضل زمانی صدچندان می‌شود که ساکنان جدید از مهاجران غیربومی باشند؛ که در این حالت هیچ وابستگی و رابطه تاریخی - فرهنگی و قومی با بافت تاریخی نخواهند داشت. مثال بارز چنین پدیده‌ای در اصفهان به چشم می‌خورد که بافت تاریخی آن تقریباً در حال نابودی است و در سال‌های گذشته جمعی از مهاجران افغانی در آن اسکان داده شده بودند. همین‌گونه است در تبریز، که بافت تاریخی در مرکز شهر است و ارزش مالی فراوانی دارد؛ در نتیجه گرایش شدیدی به تخریب، نوسازی و احداث ساختمان‌های گرانبی‌قیمت در آن به وجود آمده است.

چگونگی عرضه خدمات شهری نیز رابطه مستقیم با حیات و ممات بافت تاریخی دارد

س) جناب عالی قیمت زمین و مسکن را از عوامل اصلی در تخریب بافت تاریخی دانستید. حال درباره چگونگی عرضه خدمات شهری چه نظری دارید؟

ج) چگونگی عرضه خدمات شهری نیز رابطه مستقیم با حیات و ممات بافت تاریخی دارد. من شخصاً چگونگی عرضه خدمات شهری را با نوع بافت تاریخی مستقیماً مرتبط می‌دانم. آشکار است که بافت تاریخی غیر مسکونی، که صرفاً مجموعه‌ای است از چند اثر هنری تاریخی و باستان‌شناختی، به خدمات گسترده شهری همچون لوله‌کشی گاز و ایستگاه آتش‌نشانی نیاز ندارد؛ مهم‌ترین نیاز چنین بافتی، احداث و توسعه پارک و فضای سبز است که نه تنها زیبایی اثر را مضاعف می‌کند بلکه آن را به کانون گردشگری و فضای جمعی در شهر بدل می‌سازد. به عبارت دیگر، چنین چیزی نوعی فرصت برای توسعه شهر خواهد بود. همچنین باید توجه داشت که احداث یک فضای سبز پیرامون اثری تاریخی آن را به شکلی نامحسوس از بافت مسکونی پیرامون جدا می‌کند و خود نوعی عامل حفاظتی برای اثر می‌شود. درباره بافت تاریخی مسکونی یا همان

محلله های تاریخی وضعیت متفاوت است؛ در اینجا از یک جمعیت شهری صحبت می شود که نیازمند خدمات شهری مطلوب و مدرن اند اما وضعیت و ساختار بافت شهری به گونه ای است که نمی توان خدمات مطلوب عرضه کرد. برای مثال، کوچه ها تنگ و باریک و پیچ در پیچ هستند و ماشین های زباله کش و یا خودروهای آتش نشانی نمی توانند وارد محله ها بشوند. در نتیجه به ناگزیر ساکنان محله های تاریخی ترجیح می دهند سیمای بافت تاریخی را تغییر دهند؛ مثلاً کوچه ها را عریض می کنند و حتی با تشویق و مشارکت شهرداری خیابان احداث می کنند، و یا اینکه ساکنان پیشین، محله را ترک می گویند و منازل را به بهایی نازل می فروشند. متأسفانه در مواردی مشاهده می شود که به دلیل همین قیمت نازل و حتی متروک شدن خانه ها، فضا و مکان مناسبی برای شکل گیری مفاسد اجتماعی و اعتیاد به وجود می آید و این به حیثیت و تشخص فرهنگی - تاریخی بافت صدمه می زند. بنابراین، با توجه به آنچه که گفته شد، شهرداری ها باید با همکاری و مساعدت سازمان میراث فرهنگی و تشکیلات غیر دولتی (NGO) نظام و شکل عرضه خدمات شهری را تغییر دهند و آن را متناسب با بافت تاریخی سازند. برای مثال، با حفظ کوچه های تنگ و باریک قدیمی، تعداد رفتگران با گاری دستی را افزایش دهند، یا مردم ساکن در محله های تاریخی را به تهیه کسپول های آتش نشانی تشویق کنند، و به طور کلی تسهیلات مالی و خدمات آموزشی لازم را فراهم سازند. در مورد خدماتی چون لوله کشی آب و گاز نیز لازم است با مشارکت همه متخصصان ذی ربط، تدابیر

این خدمات شهری است که باید با بافت تاریخی هماهنگ شود و نه بافت تاریخی با خدمات شهری

فنی - مهندسی مناسب با بافت تاریخی تدوین و اتخاذ شود. در هر حال این خدمات شهری است که باید با بافت تاریخی هماهنگ شود و نه بافت تاریخی با خدمات شهری.

س) اجازه دهید به روش های حفظ و احیای بافت تاریخی نیز اشاره ای بکنیم. جناب عالی چگونه روشی را ترجیح می دهید و آن را با بافت تاریخی شهرهای ایران متناسب می دانید؟

ج) دستور العمل واحدی برای تمامی بافت های تاریخی ایران وجود ندارد. بافت محله های تاریخی هر شهری با توجه به اقلیم خاص و شرایط تاریخی حادث شده برای آن شکل گرفته است. بافت تاریخی یزد و اردبیل را نمی توان با یکدیگر مقایسه کرد و در نتیجه دستور العمل و روش واحدی نیز ندارند. برای حفظ و احیای بافت تاریخی لازم است که ماهیت و چگونگی آن را شناخت و دید آیا - مثلاً - مجموعه ای از چندین اثر معماری و محوطه باستانی درون شهری است، یا اینکه صرفاً محله ای است تاریخی، و نظایر اینها. با توجه به اینکه تأکید گفت و گوی ما بر محله های تاریخی است، باید به سه عنصر

دستور العمل واحدی برای تمامی بافت‌های تاریخی ایران وجود ندارد

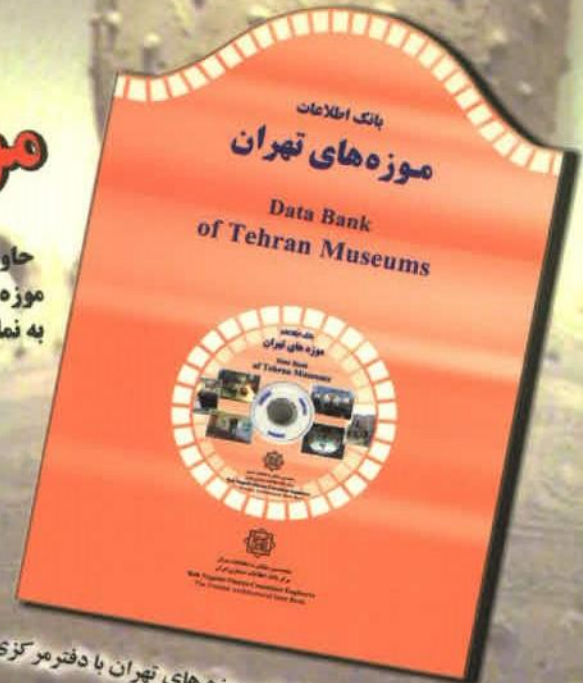
اقلیم، مصالح و خدمات شهری توجه داشته باشیم. اینها عبارتند از اینکه حفظ و احیا باید متناسب با شرایط اقلیمی باشد؛ خدمات شهری متناسب با بافت عرضه شود؛ و مصالح به کار رفته مرغوب باشند و سیمای بافت را مخدوش نسازند. مثلاً در محله‌ای که سیمای آن آجر و کاهگل است، کاربرد سنگ تراورتن در نماسازی بسیار بی‌معنی است. در این میان باید از حفظ و احیای

بافت به عنوان نوعی موزه قویاً خودداری شود، زیرا محله تاریخی موزه نیست بلکه محیطی است برای زندگی قشری از جامعه که نیازمند زندگی در محیط سالم و آسوده و بانشاط هستند و نه محیطی دلمرده و فراموش شده. اتخاذ تدابیری چون معماری محیط و منظر متناسب با ساختار محله‌های تاریخی می‌تواند بافت تاریخی را از حال و هوای ساکن و راکد موزه‌ای خارج کند و به آن حیات بخشد.

س) به عنوان پرسش آخر، بفرمایید که کارشناسان بافت تاریخی چه درس‌هایی از زلزله بم گرفته‌اند. ج) کارشناسان بافت‌های تاریخی باید پیش‌تر از آن‌ها زلزله‌های اردبیل و گیلان و زنجان، درس‌های لازم را می‌گرفتند و تجارب لازم را می‌اندوختند؛ اما آنچه در این میان مهم است، آگاهی مدیریت شهری و نیز رده‌های تصمیم‌گیرنده در زمینه بافت‌های تاریخی است. نباید با این قضیه به صورت مقطعی برخورد کرد بلکه ضروری است برنامه‌ای جامع و فراگیر برای کل کشور تدوین و تهیه شود. انجام هماهنگی‌های لازم برای اجرای مواد ۱۳۶ و ۱۶۶ برنامه سوم توسعه راه را برای تدوین چنین برنامه‌هایی هموار خواهد کرد. نباید فراموش کرد که بافت‌های تاریخی مشابهی نیز، مثلاً در تهران و تبریز، وجود دارند که با تهدید زلزله مواجه‌اند. در این زمینه، بهترین راهکار شتاب‌بخشیدن به ثبت آثار ملی در فهرست میراث جهانی یونسکو و استفاده از تجارب و دانش کارشناسان سازمان‌های وابسته به یونسکو، چون ایکوموس است. اتخاذ راهکارهای بین‌المللی با خود بودجه و دانش فنی به همراه خواهد داشت؛ هر چند که حفظ و احیای بافت‌های تاریخی عزمی ملی را می‌طلبد!

بانک اطلاعات موزه های تهران

حاوی لوح فشرده و شامل معرفی معماری و تاریخ بنای
موزه های شهر تهران همراه با توضیحات در خصوص آثار
به نمایش در آمده و به دو زبان فارسی و انگلیسی .



جهت تهیه بانک اطلاعات موزه های تهران با دفتر مرکزی
به آدرس و تلفن های زیر تماس حاصل فرمائید .
آدرس : تهران - پل سیدخندان - ابتدای سهرودی شمالی
خیابان برازنده - شماره ۲۸ - ساختمان برازنده - واحد ۳۳
کد پستی : ۱۵۵۵۷
تلفن و فاکس : ۸۵۰۳۷۶۹ - ۸۷۵۵۶۰۶ - ۸۷۵۵۳۰۳
www.rahnegasht.com
E-mail: info@rahnegasht.com



مهندسین مشاور ره نگاشت عمران
مرکز بانک اطلاعات معماری ایران

Rah Negasht Omran Consultant Engineers
The Iranian Architectural Data Bank

توزیع انتشارات سازمان شهرداریها مراجعه فرمائید.
بمنظور تهیه محصولات شرکت ره نگاشت به مرکز
تلفن : ۸۹۷۶۶۵۴

موسسه خوارزمی، چهارم، تزیینات قزو
گنبد و باب بروج، دستار



کتابخانه



شعبه شماره ۱۱ - صندوق ۱۲۸۳
دوره نامه شماره ۱۲